

“این اثر، برگردان فارسی نسخه جامع و رسمی قواعد (نمونه) اروپایی آیین دادرسی مدنی است که توسط موسسه حقوق اروپا و موسسه یکنواخت سازی حقوق خصوصی تهیه شده است. مترجم از موسسه حقوق اروپا و موسسه یکنواخت سازی حقوق خصوصی بابت اعطای مجوز ترجمه، صادر شده در ماه فوریه ۲۰۲۲، سپاسگزاری می‌نماید. زبان فارسی زبان مورد استفاده دو موسسه پیش گفته نیست و این دو موسسه متن ترجمه را ارزیابی نکرده‌اند.”

“Translation into the Farsi language of the official integral version of the ELI-UNIDROIT Model European Rules of Civil Procedure - The Translator gratefully acknowledges permission to translate given by the ELI and UNIDROIT in February 2022, Farsi not being a working language of the ELI and UNIDROIT, the ELI and UNIDROIT have not reviewed this translation.”

قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی

دکتر اسماعیل شایگان

برگردان فارسی

قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی

بخش نخست
مقررات کلی

فصل نخست - قلمرو اجرا

ماده ۱- قلمرو اجرا

- (۱) این قواعد برای حل و فصل دعاوی ملی و فراملی در امور مدنی و بازرگانی، صرف نظر از ماهیت مرجع قضایی رسیدگی کننده اعمال می شود.
- (۲) موارد زیر از قلمرو اجرای این قواعد خارج است:
- الف) اهلیت اشخاص حقیقی، نظام مالی یا غیر مالی مربوط به روابطی که مطابق قانون حاکم بر آن ها، دارای اثری همانند نکاح می باشند؛
- ب) ورشکستگی، قرارداد ارفاقی و سایر آیین های رسیدگی مشابه؛
- پ) نظام تأمین اجتماعی؛
- ت) داور؛
- ث) تعهدات مربوط به پرداخت نفقه ناشی از روابط خانوادگی، نسبی، زناشویی و سببی؛
- ج) وصیت، ارث و نیز تعهدات مربوط به پرداخت نفقه پس از فوت؛
- (۳) در صورتی که دعوای اصلی مطابق بند یک در قلمرو اجرای این قواعد قرار گیرد، ادعاهای طاری مرتبط با آن نیز مشمول این قواعد خواهد بود.

فصل دوم- اصول

بند یکم- همکاری

ماده ۲- مقررات کلی

اصحاب دعوا، وکلای آنها و دادگاه باید به منظور تسهیل حل و فصل منصفانه، کارآمد و سریع اختلاف با یکدیگر همکاری نمایند.

ماده ۳- نقش اصحاب دعوا و وکلای آنها

طرفین دعوا و وکلای آنها باید:

الف) هر گونه تلاش معقول و متناسب را به منظور دست یابی به حل و فصل دوستانه اختلاف به کار گیرند؛

ب) در آماده سازی پرونده برای رسیدگی همکاری کنند؛

پ) امور موضوعی و دلایل را ارائه نمایند؛

ت) دادگاه را در تعیین امور موضوعی و حقوق حاکم بر دعوا یاری نمایند؛

ث) با صداقت عمل کنند و در رابطه خود با دادگاه و دیگر طرف‌های دعوا از هرگونه سوءاستفاده در دادرسی خودداری نمایند.

ماده ۴- نقش دادگاه - اداره دادرسی

دادگاه باید اداره فعال و کارآمد دادرسی را تضمین نماید. دادگاه باید از برابری طرفین

در رسیدگی اطمینان حاصل کند. در جریان رسیدگی، دادگاه بر مطابقت اقدامات اصحاب

دعوا و وکلای آنها با تکالیف پیش‌بینی شده در قواعد حاضر نظارت می‌کند.

بند دوم- تناسب

ماده ۵. نقش دادگاه

(۱) دادگاه باید از متناسب بودن فرآیند حل و فصل دعوا با پرونده تحت رسیدگی اطمینان حاصل کند.

(۲) به منظور احراز متناسب بودن فرآیند رسیدگی، دادگاه به ماهیت، اهمیت و پیچیدگی پرونده و نیز، به ضرورت ترتیب اثر دادن به تکلیف عام دادرس مبنی بر آماده سازی پرونده در پرتو حسن اداره دادگستری توجه می‌کند.

ماده ۶. نقش طرفین و وکلای آنها

اصحاب دعوا و وکلای آنها باید به منظور رسیدن به فرآیند متناسب حل و فصل دعوا با دادگاه همکاری کنند.

ماده ۷. تناسب ضمانت اجراها

در صورت عدم رعایت هر یک از این قواعد، ضمانت اجرا باید با درجه اهمیت پرونده، زیان وارد شده و میزان مشارکت عامل رفتار زیانبار متناسب باشد.

ماده ۸. تناسب هزینه‌های دادرسی

هزینه‌های دادرسی باید، تا حد امکان، معقول بوده و با ارزش مالی دعوا، ماهیت و پیچیدگی رسیدگی و اهمیت آن برای اصحاب دعوا و منافع عمومی تناسب داشته باشد.

بند سوم- حل و فصل دوستانه

ماده ۹. نقش طرفین و وکلای آنها

(۱) طرفین باید برای دست یابی به راه حل دوستانه اختلاف، در مرحله پیش از اقامه دعوا و پس از آن با یکدیگر همکاری کنند.

(۲) وکلا باید اصحاب دعوا را از شیوه‌های موجود حل و فصل دوستانه اختلافات آگاه کرده و در انتخاب مناسب‌ترین شیوه حل و فصل دوستانه به آنها مشاوره دهند و در صورت لزوم، آنها را به استفاده از آن شیوه ترغیب کنند. وکلا باید نسبت به استفاده از شیوه‌های الزامی حل و فصل دوستانه اختلاف اطمینان حاصل کنند.

(۳) طرفین می‌توانند از دادگاه درخواست کنند تا توافق آنها درباره حل و فصل اختلاف را لازم الاجرا اعلام کند.

(۴) هنگامی که دست یابی به راه حل دوستانه نسبت به همه اختلافات ناممکن باشد، طرفین تلاش می‌کنند تا، پیش از حل و فصل دعوا در دادگاه، میزان ادعاهای مورد اختلاف را کاهش دهند.

ماده ۱۰. نقش دادگاه

(۱) دادگاه باید حل و فصل دوستانه اختلاف را در همه مقاطع دادرسی و به ویژه در مرحله مقدماتی و جلسات آماده سازی پرونده تسهیل کند. بدین منظور، دادگاه می‌تواند دستور دهد که اصحاب دعوا شخصا در دادگاه حضور یابند.

(۲) دادگاه باید اصحاب دعوا را از انواع شیوه‌های در دسترس حل و فصل دوستانه اختلافات آگاه کند. او می‌تواند استفاده از شیوه‌های ویژه حل و فصل دوستانه اختلاف را پیشنهاد یا توصیه کند.

(۳) دادگاه می‌تواند در فرآیند حل و فصل دوستانه اختلاف مشارکت کند و طرفین را در یافتن راه حل مشترک یاری دهد. همچنین، دادگاه می‌تواند در نگارش توافقات مربوط به حل و فصل دعوا همکاری کند.

(۴) هرگاه دادگاه در فرآیند حل و فصل دوستانه اختلاف مشارکت کند و به این جهت، در غیاب یکی از طرفین، از اطلاعاتی آگاه شود، دیگر نمی‌تواند به دعوا رسیدگی و رای صادر کند.

بند چهارم - حق شنیده شدن

ماده ۱۱. فرصت منصفانه در ارائه ادعاها و جهات دفاعی

دادگاه باید دادرسی را به گونه‌ای اداره کند که طرفین از فرصت منصفانه برای ارائه ادعا و دلایل خود و پاسخ دادن به ادعاها و جهات دفاعی طرف دیگر و نیز پاسخ دادن به تصمیمات یا پرسش‌های دادگاه برخوردار شوند.

ماده ۱۲. تصمیم دادگاه

(۱) دادگاه باید کلیه امور موضوعی، دلایل و امور حکمی بیان شده توسط طرفین را در صدور تصمیمات خود مد نظر قرار دهد. تصمیم دادگاه باید به طور ویژه دربردارنده استدلال دادرس نسبت به موضوعات مهم مطرح شده در دعوا باشد.

(۲) دادگاه نمی‌تواند تصمیمات خود را بر جهاتی که طرفین فرصت مورد مناقشه قرار دادن آنها را نداشته اند، استوار کند.

ماده ۱۳. ارتباط با دادگاه

(۱) دادگاه نمی‌تواند در غیاب دیگر طرفهای دعوا، اطلاعات یکی از اصحاب دعوا را دریافت کند. این ممنوعیت در دادرسی‌های غیرتقابلی و پیگیری‌های رایج اداری اعمال نمی‌شود.

(۲) هرگونه تبادل اطلاعات اصحاب دعوا با دادگاه، باید همزمان به آگاهی طرفهای دیگر دعوا نیز برسد.

(۳) هرگاه به تشخیص دادگاه، مفاد بند قبلی رعایت نشده باشد، محتوای اطلاعات مبادله شده باید فوراً به طرفهای دیگر ابلاغ شود.

بند پنجم- نمایندگی و همراهی

ماده ۱۴. حق دفاع از خود و الزامی بودن وکالت

اصحاب دعوا حق دارند، به استثنای مواردی که داشتن وکیل الزامی است، شخصا از حقوق خود دفاع کنند.

ماده ۱۵. نمایندگی و همراهی در دادگاه

(۱) طرفین می‌توانند آزادانه وکیل خود را انتخاب کنند تا آنها را [در دادگاه] نمایندگی یا همراهی کند. آزادی آنها در انتخاب وکیل، در هر دو فرض الزامی یا اختیاری بودن وکیل، همواره وجود دارد. به موجب این حق، اصحاب دعوا می‌توانند وکیلی را که مجاز به فعالیت نزد مرجع قضایی رسیدگی کننده است، به عنوان نماینده خود یا وکیلی را که مجاز به فعالیت نزد سایر مراجع قضایی است، به منظور همراهی خود انتخاب نمایند.

(۲) طرفین می‌توانند در مواردی که قانون مجاز اعلام کرده، شخص یا نهادی غیر از وکیل دادگستری را به منظور نمایندگی یا همراهی خود انتخاب کنند.

(۳) دادگاه باید استقلال شغلی وکیلی که یکی از طرفین را نمایندگی یا همراهی می‌نماید، رعایت کند. وکلا ملزم به داشتن رفتار صادقانه نسبت به موکل خود و متعهد به عدم افشای اطلاعات محرمانه وی می‌باشد.

ماده ۱۶. شنیدن اظهارات طرفین

(۱) اصحاب دعوا حق دارند که در دادگاه حضور یافته و اظهاراتشان توسط قاضی شنیده شود.

(۲) دادگاه همواره می‌تواند اظهارات طرفین را به صورت حضوری استماع کند.

بند ششم- ویژگی شفاهی، کتبی و علنی بودن دادرسی

ماده ۱۷. علنی بودن دادرسی

(۱) جلسات رسیدگی و تصمیمات قضایی و نیز استدلال‌های مذکور در تصمیمات، علی‌الاصول باید به صورت علنی باشند.

(۲) دادگاه می‌تواند تمام یا بخشی از دادرسی، به ویژه اداره دلایل و جلسات رسیدگی را به جهات مرتبط با نظم عمومی، همچون امنیت ملی، رعایت حریم خصوصی یا اسرار شغلی مانند اسرار تجاری یا به دلیل حفظ منافع اداره دادگستری بدون حضور تماشاگر [به صورت غیر علنی] برگزار کند. دادگاه در صورت ضرورت می‌تواند به منظور رعایت حریم خصوصی یا سری بودن جلسات رسیدگی یا دلایل اقامه شده، دستور انجام اقدامات حمایتی متناسب را به صورت محرمانه صادر کند.

(۳) در صورتی که محاکمه به صورت علنی برگزار شود، احکام و استدلال‌های مذکور در آنها نیز در دسترس عموم قرار می‌گیرد. هرگاه جلسات رسیدگی به صورت غیرعلنی برگزار شود، انتشار رای می‌تواند به منطوق آن محدود شود.

(۴) پرونده‌ها و دفاتر مرجع قضایی برای اشخاصی که نفع حقوقی دارند یا اشخاصی که به دلایل مشروع خواهان دسترسی به آنها هستند، قابل دسترسی خواهد بود.

(۵) هویت اصحاب دعوا، گواهان و سایر اشخاص حقیقی اشاره شده در رای را، در صورت ضرورت و به طور محدود، می‌توان حذف کرد.

ماده ۱۸. شفاهی و کتبی بودن

(۱) ادعاها و جهات طرفین در ابتدای دادرسی باید به صورت کتبی تقدیم شود.

(۲) دادگاه می‌تواند به طرفین دعوا دستور دهد تا توضیحات خود را به صورت شفاهی ارائه دهند و اظهارات شهود یا کارشناسان را نیز استماع کند. در صورت درخواست یکی از طرفین، دادگاه اظهارات وی را استماع و دستور استماع اظهارات گواه یا کارشناس را صادر می‌کند.

(۳) دادگاه می‌تواند به گواهان و کارشناسان دستور دهد تا توضیحات خود را به صورت کتبی ارائه کنند.

(۴) در صورت تشخیص دادگاه، دادرسی ممکن است از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی در دسترس برگزار شود.

بند هفتم - زبان، ترجمه شفاهی و کتبی

ماده ۱۹. زبان مورد استفاده در دادگاه

آیین رسیدگی و نیز مدارک و اظهارات باید، علی‌الاصول، به زبان مرجع قضایی باشد. با این همه، دادگاه می‌تواند برگزاری تمام یا بخشی از دادرسی را به زبان دیگر مجاز اعلام کند؛ مشروط به اینکه به حقوق طرفین دعوا و حق برخورداری از جلسه رسیدگی علنی خدشه‌ای وارد نشود.

ماده ۲۰. ترجمه شفاهی و کتبی

(۱) دادگاه باید ترجمه شفاهی یا کتبی را برای آن دسته از اصحاب دعوا که به زبان مورد استفاده در دادرسی به اندازه کافی تسلط ندارند، تضمین کند. حق بر ترجمه شفاهی شامل حق برخورداری از مساعدت متناسب برای طرفهایی است که در شنیدن یا صحبت کردن [به زبان مرجع قضایی] دچار مشکل هستند. ترجمه شفاهی و کتبی باید علاوه بر فراهم نمودن زمینه مشارکت موثر طرفین در دادرسی، منصفانه بودن دادرسی را تضمین کند.

(۲) هرگاه ترجمه برخی از مدارک ضروری باشد، ترجمه ممکن است با توافق طرفین یا به تشخیص دادگاه، به آن بخش از مدارک که برای تضمین منصفانه بودن دادرسی و فراهم نمودن زمینه مشارکت موثر طرفین در دادرسی لازم است، محدود شود.

فصل سوم- دادرسی

بند یکم- شروع و پایان دادرسی، موضوع دعوا

ماده ۲۱. شروع و پایان دادرسی

- (۱) تنها طرفین می‌توانند رسیدگی به دعوا را درخواست کنند. دادگاه نمی‌تواند رأساً و بدون درخواست طرفین به دعوا رسیدگی کند.
- (۲) طرفین می‌توانند با استرداد دعوا، پذیرش دعوا یا حل و فصل دوستانه اختلاف به تمام یا بخشی از دادرسی پایان دهند.

ماده ۲۲. تمرکز جهات حقوقی و موضوعی

- (۱) طرفین اعم از خواهان یا خوانده باید تمامی جهات موضوعی و حکمی مرتبط با هر ادعا را توأمان و در همان مرحله از دادرسی ارائه نمایند.
- (۲) در صورت عدم رعایت مفاد بند پیشین، ادعای جدید بر مبنای همان امور موضوعی پذیرفته نخواهد شد. این عدم پذیرش در موارد زیر اعمال نخواهد شد:
- الف) در صورتی که امور موضوعی مربوط به دعوا که مبنای تصمیم بوده، پس از رسیدگی قبلی تغییر کند؛
- ب) چنانچه پس از صدور رای قبلی، حق مکتسبی برای خواهان ایجاد شود.

ماده ۲۳. موضوع دعوا

- (۱) ادعاهای متقابل طرفین که از دعوای اقامه شده، لواحق دفاعی و دعاوی طاری استنباط می‌شود، موضوع دعوا را تعیین می‌کند.

(۲) دادگاه باید نسبت به آن چیزی که درخواست شده و صرفاً نسبت به آنچه که درخواست شده رای صادر کند.

بند دوم- امور موضوعی، دلایل و قانون حاکم

ماده ۲۴. امور موضوعی

(۱) طرفین در تایید خواسته یا دفاعیه خود، باید به امور موضوعی‌ای که مبنای خواسته یا دفاعیه را تشکیل می‌دهد، استناد کنند. دادگاه می‌تواند طرفین را برای ارائه توضیح یا تکمیل امور موضوعی به دادگاه فراخواند.

(۲) دادگاه نمی‌تواند به امور موضوعی‌ای که طرفین در جریان رسیدگی به آنها استناد نکرده‌اند، ترتیب اثر دهد.

(۳) دادگاه می‌تواند به امور موضوعی که توسط طرفین ارائه شده یا در پرونده وجود دارد، ترتیب اثر دهد هرچند که طرفین به طور خاص به آنها استناد نکرده باشند. دادگاه تنها در صورتی به امور موضوعی پیش گفته ترتیب اثر می‌دهد که با خواسته یا دفاعیه مرتبط بوده و به طرفین در مقام پاسخ، فرصت ارائه توضیح داده شده باشد.

ماده ۲۵. دلیل

(۱) هر یک از طرفین باید امور موضوعی را که برای احراز ادعا ضروری است، اثبات و امور موضوعی استناد شده را ارائه کند. بار اثبات دلیل بر اساس حقوق ماهوی تعیین می‌شود.

(۲) هر یک از طرفین، علی‌الاصول از حق دسترسی به اشکال مختلف ادله مرتبط با دعوا برخوردار است، مشروط به اینکه آن ادله محرمانه نباشند و توضیح کافی درباره آنها ارائه شده باشد. طرفین و اشخاص ثالث باید، تا حد امکان، در ارائه و اقامه دلایل همکاری کنند. صرف اینکه اقامه دلیل ممکن است به نفع طرف مقابل یا دیگر طرف‌ها باشد، مانعی در این زمینه محسوب نمی‌شود.

(۲) دادگاه می‌تواند، در صورت ضرورت، طرفین را برای تکمیل ادله ارائه شده به دادگاه فراخواند. دادگاه می‌تواند، در موارد استثنایی، راساً نسبت به تحصیل دلیل اقدام نماید.

ماده ۲۶. حقوق حاکم

(۱) جز در مواردی که مقررات خاصی پیش‌بینی شده باشد، طرفین می‌توانند در تایید خواسته یا دفاعیات خود به هر نوع جهت قانونی استناد نمایند.

(۲) دادگاه باید قانون حاکم بر دعوا و در صورت ضرورت، قواعد قانون خارجی را تعیین کند. در همه موارد، اصحاب دعوا باید از فرصت ارائه توضیح درباره قانون حاکم برخوردار شوند.

(۳) هرگاه طرفین حق تصمیم گیری آزادانه نسبت به حقوق خود را داشته باشند^۱، می توانند درباره مبنای حقوقی یا نسبت به بخش خاصی از دعوا با یکدیگر توافق کنند. این توافق باید صریح باشد و حتا اگر پیش از طرح دعوا تنظیم شده باشد، باید در زمره مدارک طرفین به دادگاه ارائه شود. این توافق چارچوب رسیدگی دادگاه را محدود می کند.

بند سوم - ضمانت اجرا

ماده ۲۷. ضمانت اجرای عدم رعایت قواعد و دستورهای دادگاه

(۱) دادگاه به امور موضوعی، اصلاح خواسته ها و دفاعیات و نیز ادله ای که خارج از مواعد مقرر در این قواعد یا مواعد تعیین شده در دستورهای دادگاه تقدیم می شوند ترتیب اثر نخواهد داد. این ضمانت اجرا در موردی که دادگاه در زمان مناسب از تاخیر در اقدام یکی از طرفین آگاه شده و از دعوت او برای جبران تاخیر خودداری می کند، اعمال نخواهد شد.

(۲) دادگاه می تواند، علی الاصول، به رسیدگی ادامه داده و بر مبنای امور موضوعی و ادله موجود، در ماهیت رای صادر کند.

(۳) دادگاه می تواند به هرگونه پیامد ناشی از تخلف یکی از طرفین استناد کند، او یا وکیل او را به پرداخت هزینه های ناشی از عدم اجرای قواعد یا دستورهای دادگاه محکوم کند یا در صورت ارتکاب تخلف سنگین، خسارت تاخیر در اجرای رای^۲، جریمه نقدی مدنی^۳ یا ضمانت اجرای اداری پیش بینی شده در مقررات ملی را مقرر یا طرف مقصر را به دلیل توهین به مرجع قضایی محکوم کند.

۱. بدین معنا که حقوق موضوع توافق با نظم عمومی و قواعد آمره مرتبط نبوده و دو طرف اختیار انجام توافق درباره آنها را داشته باشند.

۲. مبلغ این خسارت به ذینفع پرداخت می شود و از این جهت، مشابه با خسارت تنبیهی در حقوق کامن لاس^۳؛ برای نمونه نک. تبصره ذیل ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی.

۳. مجازات مالی یا جریمه ای که، در امور مدنی، به دولت پرداخت می شود؛ برای نمونه نک. تبصره ذیل ماده ۱۰۹ ق.آ.د.م.

(۴) برای تعیین نوع ضمانت اجرا و مبلغ خسارت جبرانی یا جریمه اعلامی برابر این ماده، دادگاه یکی از روش‌های زیر را انتخاب می‌کند: مبلغ مقطوع، مبلغی بر اساس مدت تاخیر یا نوع تخلف. در دو فرض اخیر، دادگاه می‌تواند حداکثر مبلغ را تعیین کند.

ماده ۲۸. معافیت از ضمانت اجراها

هرگاه نسبت به عدم رعایت یکی از قواعد یا یکی از تصمیمات دادگاه ضمانت اجرا تعیین شده باشد، محکوم علیه می‌تواند معافیت از آن ضمانت اجرا را درخواست کند. دادگاه با در نظر گرفتن ضرورت ادامه رسیدگی بر اساس اصول همکاری و تناسب، به صلاحدید خود در خصوص پذیرش درخواست مزبور اتخاذ تصمیم می‌نماید.

بخش دوم
طرفین دعوا

فصل نخست - بخش کلیات

ماده ۲۹. طرفین دادرسی

- (۱) طرفین دادرسی اشخاصی هستند که دعوا توسط آنها یا علیه آنها اقامه می‌شود.
- (۲) هر شخصی که مطابق حقوق ماهوی دارای اهلیت استیفا است، می‌تواند یکی از طرفین دادرسی باشد.

ماده ۳۰. اهلیت اشخاص حقیقی برای اقامه دعوا در دادگستری

- (۱) اهلیت اقامه دعوا در دادگستری عبارت است از توانایی استیفای حقوق در چارچوب رسیدگی قضایی.
- (۲) هر شخصی که بر اساس قانون حاکم، از اهلیت استیفای حقوق و تعهدات خود برخوردار باشد، برای اقامه دعوا در دادگستری واجد اهلیت محسوب می‌شود.
- (۳) هر شخصی که مطابق بند پیشین توانایی استیفای حقوق و تعهدات خود را نداشته باشد، باید بر اساس قانون حاکم، به واسطه نماینده در دادرسی حضور داشته باشد.

ماده ۳۱. نمایندگی اشخاص حقوقی و سایر نهادها

اشخاص حقیقی که صلاحیت نمایندگی شخص حقوقی و یا هر نهاد دیگری را به عهده دارند، حقوق اشخاص اخیر را بر اساس قانون حاکم اعمال می‌کنند.

ماده ۳۲. دلیل مثبت نمایندگی

دادگاه می‌تواند، در هر مقطع از دادرسی، ارائه دلیل مثبت نمایندگی و دامنه اختیارات نماینده را درخواست کند.

ماده ۳۳. اختیار دادگاه

دادگاه می‌تواند در هر مقطع از دادرسی، راساً بر رعایت مواد ۲۹ تا ۳۱ نظارت و تصمیمات مقتضی را در این باره اتخاذ کند.

ماده ۳۴. اشخاص واجد صلاحیت برای طرح دعوا

اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا در دادگستری را دارند، دعوا را به نام خود و به منظور دفاع از منافع خود اقامه می‌کنند، مگر اینکه قواعد حاضر یا قانون ماهوی حاکم به نحو دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۳۵. دفاع از منفعت عمومی

شخصی که مطابق قانون مجاز به اقدام در دفاع از منافع عمومی است، می‌تواند به عنوان یکی از اصحاب دعوای اصلی یا وارد یا مجلوب ثالث در دادرسی حضور داشته باشد.

فصل دوم- مقررات ویژه

بند یکم- تعدد اصحاب دعوا

۱. تعدد طرفین دعوا

ماده ۳۶. رسیدگی توامان به دعاوی متعدد

(۱) دعوا ممکن است توسط خواهان‌های متعدد یا علیه خواندگان متعدد اقامه شود، مشروط به اینکه:

- الف) رابطه کافی بین این دعاوی وجود داشته باشد، و
- ب) دادگاه نسبت به همه طرف‌های دعوا صلاحیت رسیدگی داشته باشد.
- (۲) دادگاه می‌تواند دستور تفکیک دعاوی را با هدف حسن اداره دادگستری صادر کند.
- (۳) هر یک از طرفین دعوا به حساب خود اقدام می‌کند. اقدام یا کوتاهی هر یک از آنها، نفی یا اثبات، تاثیری نسبت به دیگران نخواهد داشت.

ماده ۳۷. رسیدگی توامان به دادرسی‌های متعدد

دادگاه می‌تواند در راستای حسن اداره دادگستری، دستور رسیدگی توامان به دعاوی متعدد مطروحه در همان دادگاه را صادر کند.

ماده ۳۸. تجزیه ناپذیری دعوا

(۱) در صورت تجزیه ناپذیری اختلاف، دعاوی باید به صورت توامان یا علیه همه طرف‌های دعوا اقامه شود.

- (۲) هر اقدام آیینی که یک یا چند نفر از طرفین دعوا در جریان دادرسی انجام دهند، نسبت به سایرین نیز واجد اثر خواهد بود.
- (۳) حل و فصل دوستانه اختلاف، استرداد دعوا یا تسلیم شدن به دعوا تنها در صورتی واجد اثر خواهد بود که همه طرف‌های دعوا موافقت نمایند.

بند دوم- حضور ثالث در دادرسی

ماده ۳۹. ورود ثالث اصلی

هر شخصی که در چارچوب موضوع اختلاف، مدعی داشتن حقی برای خود باشد، می‌تواند در مرحله نخستین یا در صورت موافقت دادگاه، در مرحله تجدیدنظر، علیه یک یا چند نفر از طرفین اصلی وارد دعوا شود.

ماده ۴۰. ورود ثالث تبعی

- (۱) هر شخصی که نفع مشروعی در احراز ادعای تقدیمی یکی از طرفین داشته باشد، می‌تواند تا زمان ختم رسیدگی، برای دفاع از او به عنوان ثالث تبعی وارد دعوا شود.
- (۲) وارد ثالث تبعی نمی‌تواند به اقداماتی که پیش از ورود در دادرسی انجام شده، اعتراض کند. او می‌تواند مبادرت به انجام هر اقدام آیینی کند که طرف دعوای اصلی می‌تواند انجام دهد، مشروط به اینکه با اقدامی که طرف دعوای اصلی پیش از این انجام داده، مغایرت نداشته باشد.

ماده ۴۱. ابلاغ دعوای ورود ثالث

- (۱) هر شخصی که بخواهد در اجرای مواد پیشین وارد دعوا شود، باید درخواست خود را به دادگاه تقدیم کند. در این درخواست به مبنای دعوای وارد ثالث اشاره می‌شود. درخواست به طرفین دعوای اصلی ابلاغ می‌شود.
- (۲) اظهارات طرفین نسبت به دعوای ورود ثالث شنیده می‌شود. دادگاه می‌تواند دستور حضور وارد ثالث و طرفهای دعوای اصلی را در جلسه رسیدگی صادر کند.
- (۳) دعوای ورود ثالث، رسیدگی را متوقف نمی‌کند، مگر اینکه دادگاه به نحو دیگری اتخاذ تصمیم نماید.

ماده ۴۲. جلب ثالث

- (۱) هرگاه یکی از طرفین اثبات کند که در صورت رد شدن دعوا یا دفاعیات وی، ممکن است دعوایی بین او و ثالث طرح شود، می‌تواند شخص ثالث را به دادرسی جلب کند.

(۲) شخص ثالثی که مطابق بند پیشین به دادرسی جلب شده، طرف دعوا محسوب می‌شود مگر اینکه دادگاه بر اساس درخواست یکی از طرفین، نسبت به دعوای جلب ثالث به نحو دیگری اتخاذ تصمیم نماید.

(۳) ابلاغ دعوای جلب ثالث متضمن موضوع دعوا و دلایل توجیهی دعوای جلب ثالث خواهد بود.

ماده ۴۳. اخذ نظر مشورتی - دوست دادگاه

(۱) هر شخص حقیقی یا حقوقی یا هر نهاد دیگر، می‌تواند نظر مشورتی خود نسبت به موضوعات مهم مطروحه در دعوا را، با موافقت یا درخواست دادرس، به دادگاه تقدیم کند.

(۲) دادگاه پیش از آنکه نظر مشورتی بند پیشین را درخواست یا با ارائه آن موافقت کند، توضیحات طرفین را اخذ خواهد کرد.

بند دوم- جانشینی و قائم مقامی طرفین دعوا

ماده ۴۴. جانشینی و قائم مقامی

(۱) دادگاه می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی و در مواردی که قانون مقرر نموده، دستور جانشینی یا قائم مقامی یکی از طرفین را با شخص دیگر صادر کند.

(۲) دادگاه می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی و در مواردی که حسن اداره دادگستری ایجاب می‌کند، جانشینی یا قائم مقامی یکی از طرفین را با شخص دیگر مجاز اعلام نماید.

(۳) رسیدگی با شرایطی که در زمان انتقال یا جانشینی طرفین وجود داشته، ادامه خواهد یافت، مگر اینکه دادگاه به نحو دیگری اتخاذ تصمیم می‌کند.

فصل سوم - دعاوی فراملی

ماده ۴۵. اهلیت شخص خارجی برای طرف دعوا واقع شدن

اهلیت برای طرف دعوا واقع شدن شخصی که تابعیت خارجی دارد، بر اساس قانون کشور محل اقامت یا قانون دولت متبوع خواهد بود. اهلیت شخص حقوقی که در کشوری غیر از دولت متبوع دادگاه رسیدگی کننده ثبت شده، مطابق قانون دولت محل ثبت بررسی می شود.

ماده ۴۶. اهلیت اقامه دعوا در دادگستری

(۱) اهلیت برای طرح دعوا در دادگستری توسط شخصی که اقامتگاه او در کشور متبوع دادگاه رسیدگی کننده قرار ندارد، مطابق قانون کشور محل اقامت یا قانون دولت متبوع او بررسی می شود.

(۲) هرگاه شخصی که اقامتگاه او در کشور متبوع دادگاه رسیدگی کننده قرار ندارد، طبق قانون کشور محل اقامت دائم یا قانون کشور متبوع خود اهلیت اقامه دعوا در دادگستری را نداشته باشد اما بر اساس قانون کشور متبوع دادگاه رسیدگی کننده واجد اهلیت باشد، می تواند به نام خود در دادگستری اقامه دعوا کند.

(۳) اهلیت برای اقامه دعوا در دادگستری در خصوص شخص حقوقی که در کشوری غیر از کشور متبوع دادگاه رسیدگی کننده ثبت شده است، مطابق قانون کشور محل ثبت تعیین می شود.

بخش سوم
تحقیق (آماده سازی پرونده)

ماده ۴۷. تلاش طرفین دعوا

اصحاب دعوا باید ادعاها، جهات دفاعی، جهات موضوعی و دلایل مورد نظر خود را، تا حد ممکن، به صورت کامل و در سریع ترین زمان ممکن ارائه کنند به نحوی که زمینه اداره دقیق دادرسی با هدف صدور رای در مهلت معقول فراهم شود.

ماده ۴۸. نظارت دادگاه

در هر مرحله از دادرسی، دادگاه مطابقت اقدامات طرفین و وکلای آنان را با مقررات ماده ۴۷ و تصمیماتی که بر اساس ماده ۴۹ صادر شده است، بررسی می کند.

ماده ۴۹. اقدامات تحقیقی

در مواردی که حسن اداره دادرسی ایجاب می کند، دادگاه به ویژه باید:

(۱) طرفین را به حل و فصل دوستانه تمام یا بخشی از اختلاف و یا در صورت لزوم، به استفاده از یکی از شیوه های جایگزین حل اختلاف تشویق کند؛

(۲) جلسات رسیدگی و تحقیق را تعیین کند؛

(۳) نوع و شکل دادرسی^۱ را تعیین کند؛

۱. قوانین آیین دادرسی مدنی برخی از کشورها شیوه های رسیدگی مختلفی را بر حسب درجه پیچیدگی دعوا پیش بینی کرده اند. مقررات شماره ۲۰۰۷/۸۶۱ مورخ ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۷ شورای اروپا نیز آیین رسیدگی به دعاوی ساده فراملی را پیش بینی کرده و در مقررات ملی کشورهای اروپایی نیز قواعد آیینی ساده ای برای رسیدگی به این دسته از دعاوی وضع شده است. در قواعد اروپایی آ.د.م، مقررات مربوط به آیین رسیدگی معمول پیش بینی و مقررات ویژه هر دسته از دعاوی به حقوق ملی کشورها محول شده است. با این همه، در قواعد اروپایی آ.د.م مقررات خاصی درباره نوع و شکل رسیدگی در

- (۴) با تعیین تقویم دادرسی، مواعد دادرسی را که طرفین و وکلای آنها باید در آن مواعد اقدام کنند، اعلام کند؛
- (۵) تعداد و حجم لوایح آتی آنها را معین کند؛
- (۶) ترتیب رسیدگی به موضوعات مورد اختلاف را تعیین و مشخص کند که آیا دعاوی به صورت توأمان رسیدگی می‌شود یا به تفکیک؛
- (۷) مسائل مقدماتی مربوط به صلاحیت، مرور زمان و اقدامات موقتی را که ممکن است با صدور رأی نهایی اختصاری^۱ در پایان جلسات ویژه تعیین تکلیف شوند، شناسایی کند.
- (۸) موضوعات مرتبط با نمایندگان طرفین در دادرسی، نتایج ناشی از تغییرات احتمالی راجع به طرفین و نیز ورود یا جلب ثالث یا مشارکت سایر اشخاص مرتبط را مورد توجه قرار دهد؛
- (۹) اصلاح ادعاها و دفاعیات و نیز ادله تقدیمی را در پرتو جهات استنادی طرفین مورد توجه قرار دهد؛
- (۱۰) دستور حضور شخص اصحاب دعوا یا نماینده قانونی آنها در دادگاه را پس از آگاه کردن آنها از همه موضوعات مرتبط با دادرسی صادر کند؛
- (۱۱) امکان دسترسی، قابلیت پذیرش، شکل، ابلاغ و تبادل دلایل را بررسی کند و در صورت لزوم:
- الف) درباره امکان ترتیب اثر دادن به دلایل اتخاذ تصمیم کند؛
- ب) دستور رسیدگی به دلایل را صادر کند.

ماده ۵۰. تصمیمات راجع به تحقیق

- (۱) دادگاه می‌تواند راساً یا به درخواست طرفین هر تصمیمی را که برای تحقیق لازم باشد، اتخاذ کند. چنانچه تصمیمات بدون اخذ توضیح قبلی از طرفین یا به درخواست یکی

برخی از موارد پیش‌بینی شده که از جمله آنها می‌توان به درخواست مشترک اصحاب دعوا برای رسیدگی (بند ۳ ماده ۲۶ و مواد ۵۷ تا ۶۰ قواعد اروپایی آ.د.م)، آیین رسیدگی که به صدور رأی نهایی اختصاری منتهی می‌شود (ماده ۶۵ قواعد اروپایی آ.د.م)، آیین رسیدگی به موضوعات مقدماتی (ماده ۶۶ قواعد اروپایی آ.د.م)، شیوه‌های نوین رسیدگی و ارتباط تصویری از راه دور (مواد ۱۸ و ۹۷ قواعد اروپایی آ.د.م) و یا دعوی گروهی (مواد ۲۰۴ به بعد قواعد اروپایی آ.د.م) اشاره کرد که قواعد ویژه‌ای نیز برای تحقیق در این باره پیش‌بینی شده است (نک. مواد ۲۱۳، ۲۱۵ و ۲۱۸ قواعد اروپایی آ.د.م).

۱. نک. ماده ۶۵ قواعد اروپایی آ.د.م.

از طرفین اتخاذ شده باشد، آن دسته از اصحاب دعوا که توضیحاتشان اخذ نشده، می توانند اصلاح تصمیم یا عدول از تصمیم را در جلسه رسیدگی یا به صورت مکتوب درخواست کنند.

(۲) در صورتی که طرفین درباره نوع اقدام تحقیقی با یکدیگر توافق کنند، دادگاه نمی تواند بدون وجود دلیل معتبر، تصمیم دیگری اتخاذ کند.

(۳) دادگاه می تواند راسا یا به درخواست یکی از طرفین، تصمیمات راجع به تحقیقات را اصلاح یا لغو کند.

بخش چهارم
آغاز رسیدگی

فصل نخست- مقدمات آیینی پیش از اشتغال دادگاه

ماده ۵۱. تکلیف طرفین به تلاش برای دست یابی به راه حل دوستانه اختلاف و اداره کارآمد دادرسی

(۱) پیش از طرح دعوا، طرفین به منظور جلوگیری از اقامه دعوا و هزینه‌های غیرضروری و تسهیل حل و فصل دوستانه اختلاف با یکدیگر همکاری می‌کنند. در صورت عدم موفقیت در حل و فصل دوستانه اختلاف، طرفین برای مدیریت متناسب دادرسی آتی مطابق مواد ۲ تا ۱۱ و ۴۷ تا ۵۰ با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

(۲) به منظور اجرای تکلیف کلی مندرج در بند پیشین، طرفین می‌توانند:
الف) اطلاعات مختصری در مورد ادعاها و دفاعیات احتمالی خود، به طور متقابل، برای یکدیگر ارسال کنند؛

ب) جهات حکمی و موضوعی مورد اختلاف را تبیین و در صورت امکان، آنها را احصا نمایند؛ و

پ) ادله مرتبط با دعوا را تعیین کنند تا امکان ارزیابی مؤثر و سریع وارد بودن ادعاهای متقابل هریک از طرفین فراهم شود.

(۳) اصحاب دعوا همچنین می‌توانند:

الف) تقویم احتمالی دادرسی را مورد بررسی قرار دهند؛

ب) هزینه‌های احتمالی دادرسی را ارزیابی کنند؛

پ) موضوعات مرتبط با مرور زمان، صلاحیت، اقدامات موقتی و سایر موضوعات آیینی را مورد بررسی قرار دهند.

فصل دوم- درخواست آغازگر دادرسی

بند یکم- تقدیم درخواست توسط یکی از طرفین

ماده ۵۲. تقدیم درخواست

به منظور شروع رسیدگی، خواهان درخواست خود را مطابق ماده ۵۳ به دادگاه تقدیم می‌کند. ابلاغ درخواست باید بر اساس مقررات بخش ششم قواعد تضمین شود.

ماده ۵۳. محتوای درخواست

(۱) در درخواست باید به مرجعی که دعوا نزد آن اقامه می‌شود، طرفین دعوا، موضوع دعوا و شرح جهاتی که برای اثبات دعوا به آنها استناد شده است، اشاره شود.

(۲) افزون بر این، درخواست باید حاوی نکات زیر باشد:

الف) اشاره دقیق به اوضاع و احوال دعوا از نظر زمان، مکان، اشخاص و رخداد های حادث شده و امور موضوعی مربوط به دعوا که مبنای درخواست را تشکیل می‌دهد؛

ب) بیان دقیق دلایل موجود که برای اثبات امور موضوعی استناد شده ارائه شده است؛

پ) تبیین کافی جهات حکمی مبنای دعوا، از جمله قانون خارجی، به نحوی که دادگاه بتواند وارد بودن دعوا را ارزیابی نماید؛

ت) تعیین موضوع دعوا و بهای خواسته و در صورت غیرمالی بودن دعوا، ذکر ویژگی‌های متمایز کننده آن؛

ث) ارائه دلایل مثبت انجام شرایطی که، مطابق قانون حاکم، پیش از طرح دعوا در دادگستری ضروری است مانند سازش یا میانجیگری مقدماتی یا تشریفات مقدماتی خاص برای اقامه دعوا.

- (۳) هرگاه خواهان الزامات مذکور در بند ۲ را به طور کامل رعایت نکرده باشد، دادگاه مراتب را جهت رعایت شرایط قانونی درخواست یا، در صورت وجود دلیل موجه و جدی بودن اختلاف، برای تکمیل آن در جریان تحقیقات به خواهان اعلام می‌نماید.
- (۴) خواهان دلایل استنادی خود را تا حد امکان ضمیمه درخواست نموده و یک نسخه از آن را به خواننده و دیگر طرف‌های دعوا ارسال می‌کند.
- (۵) خواهان می‌تواند در درخواست خود، دسترسی به دلایلی را که، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، در اختیار خواننده یا اشخاص دیگر قرار دارند و ممکن است برای اثبات ادعاهای او مورد استناد قرار گیرند، تقاضا کند.
- (۶) خواهان می‌تواند در درخواست خود به جهات دفاعی خواننده که پیش از شروع دادرسی و در جریان مقدمات دادرسی از آنها آگاه شده است، پاسخ دهد. در این صورت، مقررات ماده ۵۴ نسبت به این قسمت از درخواست خواهان اعمال خواهد شد.
- (۷) مقررات این ماده نسبت به دعاوی طاری که خواهان علیه اشخاص ثالث و دیگر طرفهای دعوا اقامه می‌کند، مجرا خواهد بود.

ماده ۵۴. لایحه دفاعی و دعوای تقابل

- (۱) خواننده ظرف مدت سی روز از تاریخ ابلاغ درخواست به دعوا پاسخ می‌دهد. در صورت لزوم، دادگاه می‌تواند، با صدور دستور، مهلت پاسخ به دعوا را تمدید کند.
- (۲) الزامات مذکور در ماده ۵۳ در خصوص شرایط لازم برای طرح دعوا، نسبت به لوایحی دفاعی نیز مجرا خواهد بود.
- (۳) عدم اعتراض صریح یا ضمنی به امر موضوعی استناد شده، ممکن است به منزله پذیرش امر موضوعی تلقی شده و استناد کننده را از ارائه دلیل معاف کند.
- (۴) خواننده باید در لوایح دفاعی خود ادعاهای خواهان را پذیرفته یا به آنها اعتراض کند. ادعای مورد اعتراض ادعایی است که: مورد انکار قرار گیرد یا نفی یا اثباتا نسبت به آن اظهارنظر نشود یا برای اعتراض، به امور موضوعی دیگری استناد شود. هرگاه خواننده نسبت به امر موضوعی استناد شده، اثباتا یا نفی اظهار نظر نکند، باید دلایل آن را بیان نماید.
- (۵) هرگاه خواننده با دفاع در ماهیت به دعوا پاسخ دهد، باید کلیه جهات موضوعی لازم و همه دلایل مثبت ادعاهای خود را ارائه کند تا دادگاه وارد بودن دفاع خواننده را مورد ارزیابی قرار دهد. مقررات قسمت (الف) تا (پ) ذیل بند (۲) و بندهای (۳) و (۴) ماده ۵۴ در این باره اعمال خواهد شد. خواهان می‌تواند به دفاع خواننده در ماهیت پاسخ دهد.

(۶) خوانده می‌تواند علیه خواهان، دعوای تقابل اقامه کند. همچنین، خوانده می‌تواند علیه سایر خواندگان دعوای اصلی یا علیه شخص ثالث دعوای طاری اقامه نماید. مقررات ماده ۵۳ در این باره اعمال خواهد شد. اشخاصی که این دعوای علیه آنها اقامه می‌شود، باید بر اساس مقررات پیشین به این دعوای پاسخ دهند.

ماده ۵۵. اصلاح دعوای اولیه

(۱) هر یک از طرفین می‌تواند در صورت داشتن دلیل موجه، ادعاها یا دفاعیات خود را اصلاح و طرف‌های دعوا را نیز از آن مطلع کند مشروط به اینکه این اصلاح، به نحو غیر معقول، موجب اطاله دادرسی یا ورود زیان به دیگر طرف‌های دعوا نشود. اصلاحات درخواستی ممکن است، به ویژه، با دلایلی مانند رخدادهایی که پس از امور موضوعی استنادی در اوراق پیشین دادرسی حادث شده، دسترسی به جهات موضوعی جدید، دسترسی به دلایلی که امکان اقامه آن، پیش از این و در مهلت معقول وجود نداشته یا دسترسی به دلایل جدیدی که هنگام تحقیقات به دست آمده است، توجیه شود.

(۲) موافقت با اصلاح خواسته یا دفاعیات باید با رعایت انصاف باشد، امری که ممکن است، در صورت ضرورت، به تمدید مواعد دادرسی یا تعیین مسئول پرداخت هزینه‌های دادرسی بر اساس اوضاع و احوال حاکم بر دعوا منجر شود.

(۳) اصلاح انجام شده به طرف مقابل ابلاغ می‌شود و شخص اخیر برای پاسخ دادن به آن سی روز فرصت خواهد داشت، مگر اینکه دادگاه مهلت دیگری را تعیین کند.

(۴) دادگاه به تقاضای هر یک از طرفین، دستور رعایت شرایط مذکور در این قواعد را نسبت به درخواست‌های تقدیمی طرف مقابل صادر می‌کند. این تقاضا، تکلیف ارائه پاسخ [در مهلت سی روز] را، به طور موقت، معلق می‌کند.

ماده ۵۶. استرداد (انصراف از دعوا) و پذیرش دعوا (تسلیم شدن به دعوا)

(۱) خواهان می‌تواند با موافقت خوانده یا خواندگان تمام یا قسمتی از دعوای خود را مسترد کند و به تمام یا بخشی از دادرسی پایان دهد. استرداد یکجانبه دعوا توسط خواهان و بدون موافقت خوانده، تنها پیش از نخستین جلسه رسیدگی مجاز است. در همه موارد، استرداد به منزله پذیرش پرداخت همه هزینه‌های دادرسی خاتمه یافته از جمله هزینه‌های معقول و منصفانه تحمیل شده به دیگر طرف‌های دعوا خواهد بود.

(۲) خوانده می‌تواند با پذیرش تمام یا قسمتی از خواسته به تمام یا بخشی از دادرسی پایان دهد. با این همه، خواهان می‌تواند تقاضای صدور حکم کند.

بند دوم - درخواست مشترک

ماده ۵۷. محتوای درخواست مشترک

(۱) درخواست مشترک سندی است که مطابق آن، طرفین ادعاها، دفاعیات و دلایل متقابل خود، موضوعات مورد اختلاف، و در صورت لزوم و بر اساس ماده ۲۶، توافق خود نسبت به قانون حاکم بر دعوا را به منظور رسیدگی تقدیم دادگاه می‌نمایند.

(۲) درخواست مشترک باید مشتمل بر موارد زیر باشد، در غیر این صورت رد خواهد شد:

الف) تعیین طرفین دعوا؛

ب) تعیین مرجع قضایی که درخواست نزد آن طرح می‌شود؛

پ) موضوع دعوا شامل بهای خواسته و در صورت غیرمالی بودن دعوا، اشاره به ویژگیهای متمایز کننده آن؛ و

ت) جهات موضوعی مربوط به دعوا و مبانی حقوقی که دعوا بر اساس آنها طرح شده است.

(۳) در درخواست مشترک به دلایل مثبت جهات موضوعی اشاره شده و در صورت امکان، دلایل به درخواست پیوست می‌شوند.

(۴) درخواست مشترک با تعیین تاریخ توسط طرفین امضا می‌شود.

ماده ۵۸. توافقات تکمیلی

هرگاه قواعد دادرسی با نظم عمومی مرتبط نبوده و دو طرف اختیار انجام توافق برخلاف آنها را داشته باشند، طرفین می‌توانند نسبت به موضوعات دادرسی از جمله صلاحیت دادگاه، اقدامات موقتی و علنی بودن جلسات با یکدیگر توافق کنند. بند (۳) ماده ۲۶ در این باره اعمال خواهد شد.

ماده ۵۹. اصلاح درخواست مشترک

(۱) طرفین حق دارند درخواست مشترک خود را اصلاح کنند، مشروط به اینکه این اقدام، به نحو غیر معقول، موجب اطاله دادرسی نشود. اصلاحات درخواستی ممکن است، به ویژه، با دلایلی مانند رخدادهایی که پس از امور موضوعی استنادی در اوراق پیشین دادرسی حادث شده، دسترسی به جهات موضوعی جدید، دسترسی به دلایلی که امکان اقامه آن، پیش از این و در مهلت معقول وجود نداشته یا دسترسی به دلایل جدیدی که هنگام تحقیقات به دست آمده است، توجیه شود.

(۲) اصلاح درخواست مشترک تنها با توافق دو طرف پذیرفته می‌شود.

ماده ۶۰. پایان دادن به دادرسی

پیش از آنکه دادرسی با صدور رای خاتمه یابد، طرفین می‌توانند با استرداد تمام یا بخشی از درخواست مشترک، به تمام یا بخشی از دادرسی پایان دهند.

بخش پنجم

رسیدگی مقدماتی پیش از جلسه رسیدگی نهایی

ماده ۶۱. جلسه رسیدگی به منظور تمهید مقدمات جلسه رسیدگی نهایی و صدور رای

(۱) دادگاه می‌تواند، به منظور تمهید مقدمات جلسه رسیدگی نهایی، جلسه یا، در صورت لزوم، جلسات مقدماتی را به تدریج و به موازات پیشرفت تحقیقات پرونده برگزار کند.

(۲) جلسات راجع به تحقیق را می‌توان با حضور طرفین برگزار کرد. در صورت ضرورت، دادگاه می‌تواند با اخذ توضیحات طرفین به صورت کتبی یا با استفاده از ابزار تبادل الکترونیک مبادرت به تحقیق کند.

(۳) دادرسی در جلسه آماده سازی پرونده یا بلافاصله بعد از آن و پس از اخذ اظهارات طرفین، برنامه زمان‌بندی رسیدگی^۱ را که متضمن مواعد اجرای تکالیف آیینی طرفین، تاریخ جلسه رسیدگی نهایی و تاریخ تقریبی صدور رای خواهد بود، تعیین می‌کند.

(۴) دادگاه می‌تواند تا حد امکان، هر اظهارنظری که برای تمهید مقدمات جلسه رسیدگی نهایی و صدور رای مفید است، به طرفین اعلام کند. اظهارنظر دادگاه ممکن است از نخستین جلسه تحقیق اعلام شود. دستورات آیینی در جلسه تحقیق یا بلافاصله پس از آن صادر می‌شوند.

ماده ۶۲. اقدامات مربوط به آماده سازی پرونده

(۱) دادگاه می‌تواند دستور انجام هر گونه تحقیقی را، به شرح مذکور در بندهای (۱)، (۳) تا (۶) ماده ۴۹ صادر کند.

۱. تقویم رسیدگی، تقویم آیینی یا دادرسی.

- (۲) اقدامات ضروری که پیش از جلسه رسیدگی نهایی و به منظور ارائه و دسترسی به دلایل انجام می‌شوند، به ویژه عبارت است از:
- الف) اقامه دلیل و تبادل متقابل مدارک؛
- ب) درخواست ارائه اظهارات مکتوب شهود و تبادل آنها؛
- پ) تعیین کارشناس رسمی دادگستری یا تعیین نشست مشترک بین کارشناس رسمی دادگستری و کارشناسان منتخب طرفین یا بین کارشناسان رسمی دادگستری؛
- ت) درخواست ارائه اطلاعاتی که نزد شخص ثالث از جمله مقام‌های عمومی است؛
- ث) ارزیابی شخصی خود دادرس.

ماده ۶۳. پایان تحقیقات (قرار ختم تحقیقات)

- (۱) هرگاه دادگاه تشخیص دهد که طرفین از آمادگی برای ارائه معقول دلایل خود برخوردار هستند، به نحوی که امکان تبیین موضوعات مورد اختلاف و نیز، رسیدگی به دلایل مرتبط با دعوا مطابق بند (۲) ماده ۶۲ وجود داشته باشد، دادرس ختم تحقیقات را اعلام و دستور تشکیل جلسه رسیدگی نهایی را صادر خواهد کرد. پس از دستور ختم تحقیقات، تقدیم لایحه یا ارائه مدارک مجاز نیست مگر در مواردی که در بند بعدی و بند (۴) ماده ۶۴ پیش‌بینی شده است.
- (۲) در موارد بسیار استثنایی، دادگاه می‌تواند راسا یا با تقاضای موجه یکی از طرفین، درخواست‌ها و لوایح جدید را بپذیرد.

ماده ۶۴. جلسه رسیدگی نهایی

- (۱) جلسه رسیدگی نهایی باید، تا حد امکان، به صورت پیوسته برگزار شود. این جلسه ممکن است با به کارگیری ابزار تبادل الکترونیکی برگزار شود.
- (۲) جلسه رسیدگی نهایی باید در حضور دادرس یا دادرسانی که برای صدور رای تعیین شده‌اند، برگزار شود.
- (۳) دادگاه باید، علی‌الاصول، به ادله شفاهی و دلایل مربوط به موضوعات مورد اختلاف جدی طرفین رسیدگی کند.
- (۴) دلایلی را که در مرحله تحقیقات توسط دادگاه مورد رسیدگی قرار نگرفته باشد، می‌توان در جلسه رسیدگی نهایی ارائه کرد. اما ادله جدید تنها در صورتی پذیرفته می‌شود که یکی از طرفین دلایل موجهی برای ارائه نکردن آنها ارائه نماید.
- (۵) دادگاه جلسه رسیدگی نهایی را با رعایت مواد ۴۸ و ۴۹ برگزار می‌کند. دادگاه به ویژه باید:

بخش پنجم - رسیدگی مقدماتی پیش از جلسه رسیدگی نهایی ■ ۱۰۳

الف) ترتیبی را که ادعاها باید مورد رسیدگی قرار گیرند، تعیین کند؛
ب) دستور حضور اصحاب دعوا یا نمایندگان قانونی آنها در دادگاه را که پیش از جلسه از همه موضوعات مرتبط با دادرسی مطلع شده اند، صادر کند؛
پ) دستور دسترسی به دلایل را صادر کند.
(۶) دلایل کتبی و سایر دلایل مادی باید، پیش از جلسه رسیدگی نهایی، به همه طرف‌های دعوا ارسال شده باشد. به دلایل شفاهی تنها در صورتی رسیدگی می‌شود که همه طرف‌های دعوا [پیش از جلسه رسیدگی نهایی] از هویت شخص پرسش شونده و محتوای دلیل مورد نظر آگاه شده باشند.
(۷) اصحاب دعوا باید یکدیگر را از لوایح نهایی و نیز ملاحظات خود درباره دلایل تقدیمی آگاه کنند.

ماده ۶۵. آرای نهایی اختصاری^۱

(۱) دادگاه می‌تواند راسا یا به درخواست یکی از طرفین و بر اساس آیین رسیدگی ساده^۲ رای نهایی اختصاری صادر کند.
(۲) دادگاه می‌تواند در رای نهایی اختصاری که صادر می‌کند:

۱. در مواد ۶۱ تا ۶۴ قواعد اروپایی آ.د.م شیوه معمول رسیدگی به دعاوی پیش‌بینی شده است. با این وجود، برخی از پرونده‌ها ممکن است بدون نیاز به اجرای همه مراحل رسیدگی که علی‌الاصول مستلزم صرف زمانی طولانی است، منتهی به صدور رای شود. برای نمونه، هرگاه کلیه تشریفات دادرسی ضروری رعایت نشده باشد یا هنگامی که طرفین از اعتراض به جهات موضوعی طرف مقابل یا ارائه جهات موضوعی مرتبط با دعوا یا از اقامه دلیل در مهلت تعیین شده خودداری کنند. در این موارد (ماده ۶۵ قواعد اروپایی آ.د.م)، دادرسی با شرایطی ساده اداره و در مقایسه با رسیدگی‌های معمول، در مدت زمانی کمتر به نتیجه منتهی می‌شود. از نظر تاریخی، خاستگاه تقسیم‌بندی مزبور نظام حقوقی کامن‌لاست. در دادگاه‌های کامن‌لا (در مقابل دادگاه‌های انصاف)، هیأت منصفه قاضی رسیدگی‌کننده به امور موضوعی بود. به منظور اجتناب از رسیدگی‌های طولانی و پیچیده مرتبط با امور موضوعی، بین تصمیماتی که پیش از رسیدگی به امور یادشده به دادرسی خاتمه می‌داد و تصمیمات هیأت منصفه تفکیک قائل می‌شدند. هرگاه قاضی بدون دخالت هیأت منصفه، تصمیم نهایی یا قاطع را اتخاذ می‌نمود، از این تصمیم با عنوان رای اختصاری (summary judgment) نام برده می‌شد؛ زیرا در چارچوب آیین رسیدگی ساده و اختصاری و به دور از پیچیدگی رسیدگی‌های معمول صادر می‌شد. همانگونه که در پیشگفتار اشاره شد، اصطلاح پیش گفته در قواعد اروپایی آ.د.م به کار نرفته و تلاش شده تا از به کارگیری اصطلاحاتی که از نهادها یا تکنیک‌های آیینی یا فرهنگی ملی یا خاص نشأت می‌گیرند، خودداری شود.

۲. نک. بند (۳) ذیل ماده ۴۹ قواعد اروپایی آ.د.م.

الف) در این باره که دادگاه در رسیدگی به دعوا صلاحیت ندارد یا دعوا مطابق شرایط آیینی پیش‌بینی شده قابل استماع نمی‌باشد، اتخاذ تصمیم کند؛ یا
ب) با این استدلال که جهات قانونی بر جهات موضوعی‌ای مبتنی است که مورد اعتراض قرار نگرفته‌اند یا اینکه جهات قانونی مبتنی بر وقایعی است که طرفین برای اثبات آنها، جهات موضوعی ضروری و مربوط به دعوا یا دلایل خود را در زمان مناسب اقامه نکرده‌اند، نسبت به تمام یا بخشی از دعوا اتخاذ تصمیم کند؛ یا
پ) بر مبنای انصراف خواهان از دعوا یا پذیرش خواسته توسط خوانده اتخاذ تصمیم کند.

(۳) مواد ۶۱ تا ۶۴ و مقررات بخش هشتم این قواعد، حسب مورد، نسبت به رأی نهایی اختصاری اعمال خواهد شد.

ماده ۶۶. تصمیمات مقدماتی آیینی و صدور رای در ماهیت نسبت به بخشی از دعوا

(۱) دادگاه راسا یا به درخواست یکی از طرفین می‌تواند با صدور رای:
الف) نسبت به موضوعات آیینی مقدماتی اتخاذ تصمیم کند،
ب) نسبت به بخشی از دعوا، در ماهیت اتخاذ تصمیم کند.
(۲) مواد ۶۱ تا ۶۴ و مقررات بخش هشتم این قواعد، حسب مورد، نسبت به رای‌ای که بر مبنای این ماده صادر می‌شود، اعمال خواهد شد. تصمیمات مقدماتی آیینی، به شرح مذکور در ماده ۱۳۳، مستقل از رای‌ای که در ماهیت صادر می‌شود، قابل اعتراض است.

ماده ۶۷. اقدامات موقتی و دستور موقت پرداخت وجه
دادگاه می‌تواند دستور انجام اقدامات موقتی یا دستور موقت پرداخت وجه را برابر مواد ۱۹۹ به بعد صادر کند.

بخش ششم
ابلاغ اوراق دادرسی

ماده ۶۸. ضرورت ابلاغ و محتوای حداقلی^۱

(۱) سند آغازگر دادرسی یا هر درخواست دیگری که مطابق ماده ۵۵ بیانگر اصلاح خواسته یا بیانگر خواسته جدیدی باشد، در اجرای مواد ۷۴ تا ۷۸ و ۸۰ و ۸۱ ابلاغ می‌شود.
(۲) سند آغازگر دادرسی یا هر درخواست دیگری که متضمن اصلاح خواسته‌ها باشد، باید با مواد ۵۳ و ۵۵ مطابقت داشته باشد.

ماده ۶۹. اطلاعات راجع به تشریفات دادرسی که آگاهی از آنها برای اعتراض به دعوا ضروری است.

سند آغازگر دادرسی باید به وضوح شامل موارد زیر باشد:
الف) الزامات آیینی لازم که عدم رعایت آنها ایراد به دعوی اقامه شده را در پی خواهد داشت، مانند مهلت‌های پیش‌بینی شده برای طرح ایراد، تاریخ جلسات رسیدگی، نام و نشانی دادگاه یا هر مرجع دیگری که دفاعیات باید به آنجا تقدیم یا طرفین نزد آن حاضر شوند و نیز، در صورت لزوم، ضرورت اقدام به واسطه وکیل.
ب) پیامدهای عدم حضور یا عدم اعتراض به دعوا و به ویژه، در صورت لزوم، احتمال صدور رای علیه خوانده غایب و محکومیت وی به پرداخت هزینه‌های دادرسی.

ماده ۷۰. عدم حضور خواننده

هرگاه خواننده در دادگاه حاضر نشود یا به دعوا پاسخ ندهد، در صورتی رای غیابی صادر می‌شود که شرایط مذکور در بند (۳) ماده ۱۳۸ وجود داشته باشد.

۱. اطلاعات و مدارک ضروری که باید به خواننده ابلاغ شود تا خواننده بتواند بر اساس آنها دفاعیات خود را تدارک ببیند.

فصل دوم- مسئولیت ابلاغ و شیوه‌های آن

بند یکم- مقررات کلی

ماده ۷۱. اشخاص مسئول ابلاغ

- (۱) ابلاغ اوراق دادرسی به عهده مرجع قضایی / اصحاب دعوا است.
- (۲) در صورتی که ابلاغ به عهده مرجع قضایی باشد، دادگاه می‌تواند، در صورت لزوم، مسئولیت امر ابلاغ را به یکی از طرفین محول نماید.
- (۳) در صورتی که ابلاغ به عهده طرفین باشد، دادگاه بر امر ابلاغ نظارت و ضمانت اجرای عدم رعایت مقررات قانونی را تعیین می‌کند.

ماده ۷۲. دامنه اجرا

مقررات آتی در خصوص شیوه‌های ابلاغ، نسبت به اوراق دادرسی مذکور در ماده ۶۸ و سایر اوراق، مدارک و مستندات دیگری که ابلاغ آن الزامی است، از جمله تصمیمات دادگاه، اعمال خواهد شد.

ماده ۷۳. تقدم شیوه‌های ابلاغ تضمین کننده دریافت توسط مخاطب

اوراق دادرسی باید به شیوه‌ای ابلاغ شوند که، برابر مواد ۷۴ تا ۷۶، دریافت آنها توسط مخاطب تضمین شود. چنانچه ابلاغ اوراق به شرح پیش گفته ممکن نباشد، می‌توان از یکی از شیوه‌های پیش‌بینی شده در ماده ۷۸ استفاده کرد. در صورت ناشناخته بودن نشانی یا بی نتیجه بودن استفاده از سایر شیوه‌های ابلاغ، ممکن است از یکی از شیوه‌های پیش‌بینی شده در ماده ۸۰ استفاده شود.

بند دوم - شیوه‌های ابلاغ

ماده ۷۴. ابلاغ تضمین کننده دریافت توسط مخاطب

(۱) موارد زیر ابلاغ تضمین کننده دریافت توسط مخاطب محسوب می‌شوند:

الف) ابلاغ واقعی که مخاطب با امضای رسید و درج تاریخ، دریافت را تایید کند یا دفتر دادگاه، مأمور ابلاغ، مأمور پست یا شخص صلاحیت دار دیگری با امضای اوراق دادرسی و درج تاریخ تحویل، دریافت مدارک توسط مخاطب را تایید کند؛

ب) ابلاغ از طریق شبکه تبادل الکترونیک مجهز به ابزارهای تکنیکی سطح بالا که مخاطب بر اساس قانون، ملزم به عضویت در این شبکه تبادل الکترونیکی بوده و ابلاغ به صورت خودکارگواهی می‌شود. این الزام نسبت به اشخاص حقوقی اعمال می‌شود. در مورد اشخاص حقیقی که دارای فعالیت حرفه‌ای مستقل هستند چنین الزامی برای دعاوی مربوط به فعالیت شغلی آن‌ها اعمال خواهد شد.

پ) ابلاغ با دیگر ابزارهای الکترونیکی؛ در صورتی که مخاطب، موافقت صریح و قبلی خود را در استفاده از این روش‌های ابلاغ اعلام کرده باشد یا طبق قانون به داشتن نشانی الکترونیکی برای ابلاغ ملزم باشد. این ابلاغ باید با دریافت رسید متضمن تاریخ دریافت، که توسط مخاطب ارسال می‌شود، گواهی گردد؛

ت) ابلاغ از طریق پست؛ مخاطب، رسید دریافت را با درج تاریخ امضا و ارسال می‌نماید. (۲) در صورتی که در موارد پیش‌بینی شده در بندهای (پ) یا (ت) ذیل بند (۱) ماده ۷۴، رسید دریافت در موعد تعیین شده ارسال نشده باشد، ابلاغ پیش‌بینی شده در بندهای (الف) یا (ب) ذیل بند (۱) ماده ۷۴ باید، در صورت امکان و پیش از استفاده از دیگر شیوه‌های ابلاغ، انجام شود.

ماده ۷۵. ابلاغ در دفاتر کار شخص حقوقی

در صورتی که بندهای (الف) یا (ب) ذیل بند (۱) ماده ۷۴ قابل اعمال باشد، ابلاغ ممکن است به نماینده قانونی شخص حقوقی در دفتر کار شخص حقوقی انجام شود. دفتر کار شخص حقوقی عبارت است از اقامتگاه به شرح مذکور در اساسنامه شخص حقوقی، مرکز اصلی فعالیت‌های شخص حقوقی، مرکز اداره یا شعبه، نمایندگی یا هر بنگاه دیگر، در صورتی که دعوا از فعالیت‌های این بنگاه ناشی شده باشد.

ماده ۷۶. ابلاغ به نماینده

(۱) ابلاغ به نماینده قانونی صغیر یا نماینده قانونی شخص بالغ تحت حمایت، مانند قیم یا امین، به منزله ابلاغ واقعی به شخص مخاطب خواهد بود.

(۲) ابلاغ به شخصی که مخاطب او را برای دریافت ابلاغ تعیین کرده، به منزله ابلاغ واقعی به شخص مخاطب خواهد بود.

ماده ۷۷. امتناع از دریافت

چنانچه شخص واجد صلاحیت ابلاغ را گواهی و تایید نماید که مخاطب از دریافت اوراق خودداری کرده است، این امر به منزله ابلاغ مذکور در قسمت (الف) بند (۱) ماده ۷۴ خواهد بود. این اوراق تا مدت معینی در محل مخصوصی نگهداری می شود و محل و زمان دریافت اوراق، به منظور دریافت، به اطلاع مخاطب خواهد رسید.

ماده ۷۸. سایر شیوه های ابلاغ

(۱) در صورتی که ابلاغ اوراق به مخاطب مطابق شیوه هایی که در ماده ۷۴ پیش بینی شده، میسر نباشد، ابلاغ ممکن است به یکی از روش های زیر و توسط مدیر دفتر، مأمور ابلاغ دادگستری، مأمور پست یا هر شخص صلاحیت دار دیگر انجام شود:

الف) تحویل اوراق دادرسی به اشخاصی که در نشانی مخاطب سکونت یا اشتغال دارند و برای دریافت اوراق صلاحیت داشته و با ابلاغ اوراق به ایشان موافقت نمایند؛
ب) چنانچه مخاطب شخص حرفه ای مستقل یا شخص حقوقی باشد، ابلاغ به کارکنان مخاطب در دفاتر کار شرکت صورت می گیرد؛ مشروط به اینکه برای دریافت اوراق صلاحیت داشته و با ابلاغ اوراق به ایشان موافقت نمایند؛

پ) تحویل اوراق دادرسی به دفتر پست یا مقام عمومی صلاحیت داری که عهده دار امر ابلاغ است؛ مخاطب با ارسال ابلاغیه کتبی به صندوق پستی، از تحویل اوراق به دفتر پست یا مقام عمومی آگاه می شود. در این صورت، در ابلاغیه به نحو روشن به ماهیت قضایی اوراق دادرسی، مکان و زمان دریافت و نیز مشخصات شخص ارسال کننده اوراق اشاره می شود. ابلاغ زمانی انجام شده محسوب می شود که اوراق دادرسی دریافت شود.

(۲) ابلاغ اوراق به شیوه پیش بینی شده در بندهای (الف) و (ب) ذیل بند (۱) ماده ۷۸

به شرح زیر گواهی می شود:

الف) سندی که شخص ابلاغ کننده آن را امضا و موارد زیر را در آن قید کرده:

۱. روش ابلاغ استفاده شده؛

۲. تاریخ ابلاغ، و

۳. نام شخصی که ابلاغ به او انجام شده و رابطه وی با شخص مخاطب ابلاغ، یا

ب) رسید دریافت توسط شخصی که اوراق به او ابلاغ شده است.

(۳) در صورتی که شخص دریافت کننده اوراق دادرسی، طرف دعوای مخاطب ابلاغ در دادرسی باشد، ابلاغ به شیوه پیش‌بینی شده در بندهای (الف) و (ب) ذیل بند (۱) ماده ۷۸ مجاز نیست.

(۴) ابلاغ به شیوه پیش‌بینی شده در بند (پ) ذیل بند (۱) ماده ۷۸ به شرح زیر گواهی می‌شود:

(الف) سندی که شخص ابلاغ کننده آن را امضا و موارد زیر را در آن قید کرده:

۱. روش ابلاغ انجام شده، و

۲. تاریخ تحویل گرفتن اوراق، یا

(ب) رسید دریافت توسط شخصی که اوراق به او ابلاغ شده است.

ماده ۷۹. ابلاغ در جریان دادرسی

(۱) در صورتی که هر یک از طرفین در جریان دادرسی وکیل داشته باشد، اوراق دادرسی ممکن است به وکیل او ابلاغ یا امر ابلاغ بین وکلا و بدون دخالت مرجع قضایی انجام شود. وکلا ملزم به درج نشانی الکترونیکی قابل استفاده برای ابلاغ می‌باشند.

(۲) در صورتی که هر یک از طرفین در جریان دادرسی وکیل داشته باشد، باید هر نوع تغییر در نشانی پستی یا الکترونیکی را به مرجع قضایی و وکلای سایر طرف‌های دعوا و ثالث وارد یا مجلوب ثالث اعلام کند.

(۳) طرفین باید در جریان دادرسی، مرجع قضایی را از هرگونه تغییر محل سکونت، محل فعالیت یا نشانی پستی یا الکترونیکی آگاه کنند.

ماده ۸۰. شیوه‌هایی که در حکم ابلاغ به مخاطب است

(۱) چنانچه ابلاغ با شیوه‌های تضمین کننده دریافت توسط مخاطب، برابر مواد ۷۴ تا ۷۷ یا سایر روش‌های ابلاغ به شرح مذکور در ماده ۷۸، به دلیل نداشتن نشانی مخاطب یا بی نتیجه بودن ابلاغ در نشانی اعلام شده، ممکن نباشد، اوراق دادرسی را می‌توان به شیوه‌های زیر ابلاغ کرد:

(الف) انتشار آگهی خطاب به مخاطب بر اساس شیوه‌ای که در قانون دولت متبوع دادگاه رسیدگی کننده پیش‌بینی شده و نیز انتشار در دفاتر ثبت الکترونیکی که برای عموم قابل دسترس است، و

(ب) ارسال آگهی به آخرین نشانی یا نشانی الکترونیکی موجود مخاطب.

(پ) در اجرای بندهای (الف) و (ب)، آگهی متضمن اطلاعاتی است که به وضوح، به ماهیت قضایی اوراق دادرسی‌ای که باید ابلاغ شود، پیامد حقوقی ابلاغ، مکان و زمانی که

۱۱۲ ■ قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی

مخاطب می‌تواند اوراق دادرسی یا روگرفت آنها را دریافت کند و نیز محدوده زمانی دریافت اشاره می‌شود.

(۲) نشانی مخاطب زمانی ناشناخته محسوب می‌شود که شخص مسئول ابلاغ، همه تلاش خود را برای دست یابی به نشانی کنونی مخاطب اوراق دادرسی انجام داده باشد. تلاش‌های انجام شده باید در پرونده دعوا ثبت شود.

(۳) دو هفته پس از انتشارآگهی و ارسال آن، حسب مورد، به آخرین نشانی موجود یا نشانی الکترونیکی، ابلاغ انجام شده محسوب می‌شود. در صورت نداشتن نشانی یا نشانی الکترونیکی، دو هفته پس از انتشارآگهی، ابلاغ انجام شده محسوب می‌شود.

ماده ۸۱ نادیده گرفتن عدم رعایت قواعد راجع به ابلاغ

هرگاه الزامات مذکور در مواد ۷۴ تا ۷۹ در ابلاغ اوراق دادرسی رعایت نشده باشد اما رفتار مخاطب ابلاغ در جریان دادرسی به گونه‌ای باشد که تایید کند مخاطب، اوراق دادرسی را شخصا دریافت کرده و مهلت کافی نیز برای تدارک دفاع خود یا پاسخ دادن به هر نحو دیگری متناسب با ماهیت اوراق، در اختیار داشته است، رعایت نکردن الزامات پیش گفته نادیده گرفته خواهد شد.

فصل سوم- ابلاغ فراملی

بند یکم- در اتحادیه اروپا

ماده ۸۲ شرایط مربوط به زبان

(۱) در صورتی که مخاطب شخص حقیقی بوده و به فعالیت حرفه‌ای مستقل اشتغال نداشته باشد، اوراق دادرسی مذکور در ماده ۶۸ و اطلاعات مندرج در ماده ۶۹ باید به زبان دادرسی و نیز زبان کشور عضو اتحادیه اروپا که محل سکونت اصلی مخاطب در آنجاست، تنظیم شود، مگر اینکه مخاطب به گونه‌ای روشن قادر به درک زبان کشور دادگاه رسیدگی کننده باشد.

(۲) هرگاه مخاطب شخص حقوقی باشد، اوراق دادرسی مذکور در ماده ۶۸ و اطلاعات مندرج در ماده ۶۹ باید به زبان دادرسی و نیز زبان کشور عضو اتحادیه اروپا که اقامتگاه یا مرکز اصلی فعالیت‌های شخص حقوقی در آنجا قرار دارد یا به زبان مدارک اصلی مربوط به فعالیت‌های مورد اختلاف تنظیم شود.

ماده ۸۳ عدم اعمال ماده ۸۱

هرگاه الزامات مربوط به زبان، مذکور در ماده ۸۲ در ابلاغ اوراق دادرسی رعایت نشده باشد، ماده ۸۱ اعمال نخواهد شد.

ماده ۸۴ مهلت برای بُعد مسافت

چنانچه مخاطب در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، غیر از کشور دادگاه رسیدگی کننده به دعوا سکونت داشته باشد، مهلت پیش‌بینی شده در بند (۳) ماده ۸۰ از دو هفته به چهار هفته افزایش خواهد یافت.

۱۱۴ ■ قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی

بند دوم- خارج از اتحادیه اروپا

ماده ۸۵ مقررات کلی

قواعد پیش گفته درباره مخاطبی نیز که اقامتگاه و محل سکونت معمول او در اتحادیه اروپا قرار ندارد، با رعایت ماده ۸۶ اعمال می شود.

ماده ۸۶ ارتباط با کنوانسیون لاهه درباره ابلاغ

مقررات پیش گفته در خصوص اوراق قضایی یا غیر قضایی که خارج از اتحادیه اروپا ابلاغ می شود، اعمال خواهد شد. اعمال این مقررات نافی اجرای کنوانسیون لاهه، مورخ ۱۵ نوامبر ۱۹۶۵، مرتبط با ابلاغ اوراق قضایی و غیرقضایی در امور مدنی و بازرگانی در خارج نخواهد بود.

بخش هفتم
دست‌رسی به اطلاعات و دلایل

فصل یکم - بخش کلیات

بند یکم - مقررات کلی درباره دلیل

ماده ۸۷ معیار قدرت اثباتی

هرگاه دادگاه نسبت به انطباق امر موضوعی مورد اعتراض با واقعیت، به نحو معقول اکتناع وجدانی حاصل کند، آن امر اثبات شده محسوب می شود.

ماده ۸۸ معافیت از اقامه دلیل

(۱) در موارد زیر، ارائه دلیل اثباتی ضروری نیست:

الف) جهات موضوعی پذیرفته شده؛

ب) جهات موضوعی که مورد اعتراض واقع نشده اند؛

پ) جهات موضوعی که وقوع آنها از نظر دادگاه مسلم است.

(۲) جهات موضوعی ممکن است بر مبنای سایر امور موضوعی مسلم، احراز شده تلقی شود.

(۳) هرگاه دلایل اثباتی مرتبط با جهات موضوعی دعوا در اختیار یکی از طرفین یا تحت کنترل او باشد و بدون دلیل موجه از ارائه آنها خودداری کند، دادگاه می تواند جهت موضوعی مزبور را احراز شده تلقی کند.

ماده ۸۹ موثر بودن دلیل

(۱) هر دلیلی که موثر در دعوا باشد، پذیرفته می شود.

(۲) دادگاه رأساً یا به درخواست یکی از طرفین، دلایل غیرموثر در دعوا را از رسیدگی خارج می‌کند. موثر بودن دلیل در دعوا بر اساس لوایح طرفین و توسط دادگاه تعیین می‌شود.

ماده ۹۰. دلایل تحصیل شده به شیوه غیرقانونی

(۱) دلایلی که به طور غیرقانونی تحصیل شده اند، با رعایت بند بعدی این ماده، از دادرسی خارج می‌شوند.

(۲) چنانچه دلیلی که به طور غیرقانونی تحصیل شده، تنها راه احراز جهات موضوعی باشد، دادگاه در موارد استثنایی، می‌تواند آن را قابل پذیرش اعلام کند. هنگام اتخاذ تصمیم در خصوص قابلیت پذیرش دلیل، دادگاه رفتار طرف مقابل یا شخص ثالث و نیز درجه نقض قانون را مدنظر قرار می‌دهد.

ماده ۹۱. محرمانگی، عدم افشا و مصونیت

(۱) هر شخصی که اظهارات او به منظور کسب اطلاع، اقامه دلیل یا سایر اهداف شنیده می‌شود، می‌تواند در صورت لزوم به قواعد مرتبط با محرمانگی، عدم افشا و مصونیت و سایر حمایت‌های مشابه استناد کند.

(۲) تحصیل دلیل به ویژه با نقض موارد زیر ممنوع است:

الف) حق یکی از زوجین یا شریک زندگی (مشابه با همسر)، یا حق نزدیکان یکی از طرفین دعوا در خودداری از ارائه شهادت؛

ب) حق سکوت شخص^۱؛

پ) اسرار شغلی وکیل، سایر حقوق یا تعهدات شغلی محرمانه، اسرار تجاری یا سایر منافع مشابه مطابق شرایط پیش‌بینی شده در قانون حاکم؛

ت) تعهد به حفظ محرمانگی^۲ نسبت به اطلاعات مبادله شده در چارچوب مذاکرات حل و فصل دوستانه، مگر اینکه مذاکرات در جلسه رسیدگی علنی انجام شده باشد یا منافع عمومی مهمی آن را ایجاب کند؛

ث) منافع امنیت ملی، اسرار دولتی یا سایر موضوعات مشابه با منفعت عمومی.

(۳) هر گاه دادگاه بخواهد نسبت به پیامدها یا سایر ضمانت اجرای نقض محرمانگی علیه یکی از طرفین اتخاذ تصمیم کند، به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا این حمایتها از چنان ماهیتی برخوردار است که عدم افشای دلایل یا سایر اطلاعات از سوی طرف مزبور را توجیه کند.

۱. حق سکوت متهم در امور کیفری.

۲. یا تعهد طرفین به عدم افشای اطلاعات، مدارک و مستندات.

(۴) هرگاه دادگاه بخواهد نسبت به اعمال ضمانت اجرا علیه یکی از طرفین یا شخص ثالث اقدام و آنها را به ارائه دلایل یا سایر اطلاعات ملزم نماید، باید حمایت‌های پیش گفته را مدنظر قرار دهد.

(۵) هر شخصی که در خصوص برخی از مدارک، به محرمانگی، عدم افشا، مصونیت و سایر حمایت‌های مشابه استناد می‌کند، باید حمایت‌های مزبور را با جزئیات کافی تشریح نماید تا امکان اعتراض برای طرف مقابل فراهم شود.

بند دوم - اقامه دلیل

ماده ۹۲. اقامه و ارائه دلایل

(۱) دادگاه در موارد ضروری و مناسب، دستور ارائه دلایل موثر در دعوا را که مورد استناد هر یک از طرفین قرار گرفته است، صادر می‌کند. در این صورت، دادگاه می‌تواند درباره ترتیب و زمان ارائه دلایل اتخاذ تصمیم کند. همچنین، او می‌تواند، در صورت لزوم، درباره شکل ارائه دلیل تصمیم‌گیری کند. بندهای (۹) و (۱۱) ماده ۴۹، مواد ۵۰، ۶۲، بند (۳) تا (۶) ماده ۶۴ و ماده ۱۰۷ در این باره اعمال می‌شود.

(۲) دادگاه می‌تواند پس از اعطای فرصت به طرفین جهت ارائه توضیح، رسیدگی به دلیلی را پیشنهاد کند که طرفین آن را ارائه نکرده‌اند اما به تشخیص دادگاه، با یکی از موضوعات مورد اختلاف مرتبط است. در صورت پذیرش این پیشنهاد توسط یکی از طرفین، دادگاه دستور رسیدگی به دلیل یادشده را که ممکن است در اثبات جهات موضوعی و حکمی طرف مزبور نیز موثر باشد، صادر می‌کند.

(۳) دادگاه می‌تواند در موارد استثنایی، پس از اعطای فرصت به طرفین جهت ارائه توضیح، دستور رسیدگی به دلیلی را که از سوی یکی از طرفین ارائه نشده است، صادر کند. (۴) دادگاه به هر یک از طرفین فرصت برابر و زمان مناسب برای پاسخ دادن به دلایل اقامه شده توسط طرف دیگر یا دلیلی که دستور رسیدگی به آن توسط دادگاه صادر شده است، اعطا می‌کند.

ماده ۹۳. پذیرش ادعا به دلیل عدم اعتراض

هرگاه یکی از طرفین بنا به دلایل ناموجه در زمان مناسب به ادعاهای طرف مقابل پاسخ ندهد، دادگاه می‌تواند آن را دلیل پذیرش یا وارد بودن ادعا تلقی نماید. دادگاه باید پیش از اتخاذ تصمیم، طرف مزبور را مطلع و فرصت ارائه توضیح به او اعطا کند.

ماده ۹۴. تبیین مقدماتی دلایل توسط طرفین

در جریان مرحله مقدماتی دادرسی، طرفین دلایل مورد نظر برای اثبات جهات موضوعی مذکور در لوایح خود را برابر مواد ۵۴ و ۵۵ تبیین می نمایند.

ماده ۹۵. تبادل دلایل

(۱) دلایل مستند و مادی در اختیار طرف مقابل قرار داده می شود.
(۲) هرگاه دلیل، شهادت شهود باشد، درخواست رسیدگی به آن تنها در صورتی به دادگاه ارائه می شود که همه طرف های دعوا [پیش از آن] از هویت گواه و موضوع دلیل پیشنهادی مطلع شده باشند.
(۳) دادگاه می تواند به طرفین دستور دهد که از افشای دلایلی که از آنها آگاه شده اند، خودداری کنند.

ماده ۹۶. دلیل تکمیلی ناشی از اصلاح ادعاها

دادگاه می تواند پس از اعطای فرصت به اصحاب دعوا جهت ارائه توضیح، به هریک از طرفین اجازه دهد یا از ایشان بخواهد تا جهات موضوعی دعوا را تبیین یا تصحیح نماید یا دلایل تکمیلی مربوط به آن را ارائه دهد.

بند سوم- ارائه و ارزیابی دلایل

ماده ۹۷. اداره جلسه رسیدگی به دلایل

(۱) دادرس در جلسه یا جلسات رسیدگی که با حضور طرفین برگزار می شود، شخصا به دلایل رسیدگی یا آنها را استماع می کند مگر اینکه، در موارد استثنایی، رسیدگی به دلایل را در مکان دیگر یا توسط شخص دیگری که از طرف دادگاه اقدام می کند، مجاز اعلام نماید.
(۲) در صورت دسترسی به تجهیزات فنی کافی، جلساتی که در آن به دلایل رسیدگی می شود، به صورت صوتی و تصویری ضبط می شود. جلسات ضبط شده با نظارت مرجع قضایی نگهداری می شود.
(۳) رسیدگی به دلایل، در جلسه علنی یا غیرعلنی، ممکن است با استفاده از تکنولوژی هایی مانند ویدئو کنفرانس یا سایر تکنولوژی های مشابه برای برقراری ارتباط از راه دور انجام شود.

ماده ۹۸. ارزیابی دلایل

دادگاه دلایل را با آزادای کامل ارزیابی می کند.

ماده ۹۹. ضمانت اجراها در خصوص قدرت اثباتی دلایل

در موارد زیر، دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست هر یک از طرفین، ضمانت اجرای مذکور در ماده ۲۷ را اعمال کند:

- الف) هرگاه شخص بدون دلیل موجه از حضور در جلسه رسیدگی برای ارائه شهادت یا پاسخ دادن به پرسش‌های مطروحه یا ارائه مدارک یا سایر ادله خودداری کند؛
- ب) هرگاه شخص، با توسل به سایر اقدامات، در اجرای صادقانه قواعد مرتبط با ادله مانع ایجاد کند.

فصل دوم- تصمیمات دادگاه در پیوند با ادله

ماده ۱۰۰. چارچوب کلی

هرگاه دادگاه در اجرای مقررات این بخش اتخاذ تصمیم کند، اصول زیر را اعمال خواهد کرد:

الف) به عنوان قاعده کلی، هر یک از طرفین به اشکال مختلف دلایل مرتبط با دعوا که مشمول محرمانگی یا سایر حمایت‌های مشابه نباشد، دسترسی خواهد داشت.

ب) با درخواست هر یک از طرفین بر مبنای ماده ۱۰۱، چنانچه دادگاه درخواست را وارد تشخیص دهد و دلایل درخواست شده مشمول محرمانگی یا سایر حمایت‌های مشابه نباشد، دستور ارائه دلایل مرتبط با دعوا را که به اندازه کافی تشریح شده‌اند و حسب مورد در اختیار یا کنترل طرف دیگر یا شخص ثالث قرار دارد، صادر می‌کند، حتا اگر اقامه دلایل به زیان طرف مقابل یا شخص ثالث باشد.

ماده ۱۰۱. درخواست دسترسی به دلایل

(۱) مطابق معیارها و تشریفات پیش‌بینی شده در این قواعد، خواهان و خوانده و نیز هر خواهان احتمالی که در نظر دارد دعوایی در دادگستری اقامه کند، می‌تواند از دادگاه تقاضا نماید تا دستور دسترسی به دلایل موثر در دعوا را که مشمول محرمانگی یا سایر حمایت‌های مشابه نمی‌باشد، و در اختیار طرف دیگر یا شخص ثالث یا تحت کنترل او قرار دارد، صادر نماید.

(۲) درخواست دسترسی به دلایل ممکن است شامل تقاضای انجام تمهیداتی برای حفظ یا نگهداری دلایل و نیز تقاضای صدور اقدامات موقتی یا تأمینی مطابق با بخش دهم باشد.

(۳) مدارک مادی یا اطلاعات به دست آمده در اجرای مقررات این ماده در صورتی دلیل محسوب می‌شوند که در جریان دادرسی و توسط یکی از طرفین یا در موارد استثنایی، توسط دادگاه مطابق بند (۳) ماده ۲۵، بندهای (۲) و (۳) ماده ۹۲ و بند (۲) ماده ۱۰۷ ارائه شده باشند.

ماده ۱۰۲. معیارهای موثر بودن دلیل

(۱) هر یک از طرفین دعوا یا هر طرفی که در نظر دارد با اقامه دعوا، صدور دستور دسترسی به دلایل را درخواست کند، باید:

الف) ویژگی‌های خاص دلایلی که دسترسی به آنها درخواست شده را با توجه به اوضاع و احوال دعوا و تا حد ممکن به طور واضح تبیین کند، یا
ب) دسته بندی دقیقی از دلایل [درخواستی] را با ارجاع به ماهیت، محتوا یا تاریخ آنها ارائه دهد.

(۲) درخواست باید دادگاه را در خصوص وارد بودن تقاضا یا دفاع متقاضی اقناع نماید و حاوی نکات زیر باشد:

الف) دلیل درخواست شده برای اثبات جهات مورد اختلاف در دادرسی در جریان یا دعوی آتی ضرورت داشته باشد؛

ب) خواهان نمی‌تواند بدون مداخله دادگاه به دلیل مزبور دسترسی داشته باشد؛ و
پ) نوع و اهمیت دلیل درخواستی معقول و متناسب باشد. در این راستا، دادگاه منافع مشروع همه طرف‌های دعوا و اشخاص ثالث مرتبط را مدنظر قرار می‌دهد.

(۳) چنانچه دسترسی به دلایل پیش از طرح دعوا درخواست شده باشد، خواهان باید به نحو کامل به تمامی اطلاعات ضروری اشاره نماید تا امکان ارزیابی دعوی آتی خواهان برای دادگاه وجود داشته باشد.

(۴) دادگاه درخواستی را که متضمن دسترسی به اطلاعات مبهم یا انتزاعی بوده یا ضرورت آن توجیه نشده باشد، رد خواهد کرد.

ماده ۱۰۳. اطلاعات محرمانه

(۱) دادگاه درخواستی را که برای دسترسی به دلایل و بر اساس ماده ۱۰۱ تقدیم شده است، از منظر محرمانه بودن دلیل درخواستی یا شمول آن نسبت به دلایل محرمانه به ویژه نسبت به شخص ثالث، ارزیابی می‌نماید. بدین منظور، کلیه قواعد مرتبط با حمایت از اطلاعات محرمانه را مدنظر قرار می‌دهد.

(۲) در صورت لزوم، دادگاه می‌تواند با در نظر گرفتن اوضاع و احوال حاکم بر دعوا، دستور دسترسی به دلایل حاوی اطلاعات محرمانه را با رعایت تعهد به عدم افشای اطلاعات محرمانه و با لحاظ یک یا چند روش زیر صادر کند:

الف) با ایجاد تغییر در برخی عبارات محرمانه اسناد که به دلیل محرمانه بودن نباید افشا شوند؛

ب) با برگزاری جلسات رسیدگی به صورت غیر علنی؛

پ) با محدود کردن تعداد اشخاصی که می‌توانند به دلایل دسترسی داشته و آنها را بررسی کنند؛

ت) با ارجاع امر به کارشناسی جهت تهیه خلاصه‌ای از اطلاعات به شکل کلی یا غیر محرمانه؛

ث) انشای تصمیم قضایی به صورت غیر محرمانه که عبارات متضمن اطلاعات محرمانه از آن حذف شده باشد؛

ج) محدود کردن وکلای طرفین و نیز کارشناسان در دسترسی به برخی از دلایل با اخذ تعهد به عدم افشای اطلاعات محرمانه.

ماده ۱۰۴. ضمانت اجرای نقض تعهد عدم افشای اطلاعات محرمانه

(۱) در صورت نقض تعهد عدم افشای اطلاعات محرمانه توسط شخصی که متعهد به عدم افشا بوده است، شخص زیان دیده از این عمل می‌تواند اعمال یک یا چند مورد از ضمانت اجرای زیر را از دادگاه درخواست کند:

الف) رد تمام یا بخشی از درخواست شخص مقصر، مشروط به اینکه رسیدگی به دعوای اصلی همچنان در جریان باشد؛

ب) اعلام مسئولیت طرف دعوا یا هر شخص دیگری که عامل این نقض تعهد بوده و محکومیت وی به جبران خسارت؛

پ) محکومیت شخص مسئول نقض تعهد به پرداخت هزینه‌های دادرسی، صرف نظر از نتیجه نهایی دادرسی؛

ت) محکومیت طرف دعوا یا شخص مسئول نقض تعهد به مجازات جزای نقدی متناسب با نقض؛

ث) محکومیت وکیل یا وکلای طرف دعوا یا شخص مسئول نقض تعهد به مجازات جزای نقدی متناسب با نقض.

(۲) هر ضمانت اجرایی که توسط دادگاه و بر مبنای بند قبلی اتخاذ شود، باید با شدت نقض تعهد تناسب داشته باشد. دادگاه در ارزیابی ویژگی تناسب در تعیین ضمانت اجرا، در صورت لزوم و به ویژه، این امر را که تعهد پیش از رسیدگی به ماهیت دعوا نقض شده است، مدنظر قرار می‌دهد.

ماده ۱۰۵. دسترسی به دلایلی که در اختیار مقامات عمومی است

(۱) تصمیماتی که مطابق این قواعد و برای دسترسی به دلایل اتخاذ می‌شود، نسبت به دولت و سایر نهادهای عمومی مجرا خواهد بود؛ مگر اینکه افشای اطلاعات به دلیل منفعت عمومی ممکن نباشد.

(۲) مخالفت با دسترسی به دلایل باید به همراه جهات توجیه کننده مبنای مخالفت و با رعایت شرایط پیش‌بینی شده در بند (۵) ماده ۹۱ به دادگاه اعلام شود.

ماده ۱۰۶. زمان درخواست دسترسی به دلایل

(۱) درخواست دسترسی به دلایل ممکن است پیش از طرح دعوا، ضمن اقامه دعوا یا در جریان دادرسی طرح شود.

(۲) هرگاه تصمیم دسترسی به دلایل پیش از طرح دعوا در ماهیت صادر شود، خواهان و ذینفع تصمیم مزبور ممکن است به اقامه دعوا در مهلت معقول و معین ملزم شود. در صورتی که خواهان از اجرای این دستور خودداری کند، دادگاه می‌تواند از تصمیم خود عدول کند؛ دستور استرداد دلایلی را که پس از تصمیم دسترسی به دلایل به دست آمده است، صادر نماید یا ضمانت اجرای متناسبی را علیه طرف مقصر تعیین یا هر تصمیم مقتضی دیگر اتخاذ کند.

ماده ۱۰۷. آیین صدور تصمیم دسترسی به دلایل

(۱) نسبت به درخواست دسترسی به دلایل که مطابق بند (۱) ماده ۱۰۱ طرح شده است، دادگاه بر اساس ماده ۵۰ اتخاذ تصمیم می‌کند.

(۲) دادگاه در صورتی می‌تواند در موارد استثنایی، راسا به استناد بند (۱) ماده ۱۰۱ دستور دسترسی به دلایل را صادر کند که فرصت ارائه توضیح به طرفین و اشخاص ثالث مرتبط داده شده باشد.

(۳) هرگاه دسترسی به دلایل پیش از اقامه دعوا تقاضا شود، دادگاه علی‌الاصول تنها در صورتی نسبت به درخواست اتخاذ تصمیم می‌کند که پیش از آن، در خصوص اقدام

درخواست شده، اهمیت و شیوه اجرای آن، فرصت ارائه توضیح به طرفین و اشخاص ثالث مرتبط داده شده باشد.

(۴) طرف دعوا یا شخص ثالث مخاطب درخواست دسترسی به دلایل می‌تواند از دادگاه تقاضا کنند که رسیدگی به دلیل به شکل یا شیوه متفاوتی انجام شود، مشروط به اینکه این تغییر در نتیجه رسیدگی تأثیری نداشته باشد. متقاضی باید اثبات کند که شیوه جایگزین پیشنهادی، محدودیت کمتری برای مخاطب درخواست دسترسی به دلایل ایجاد می‌کند.

ماده ۱۰۸. هزینه‌ها و تضمین

(۱) تمامی هزینه‌های مرتبط با اجرای تصمیم دسترسی به دلایل به عهده خواهان است. دادگاه می‌تواند، در صورت لزوم، دستور پرداخت فوری هزینه‌های پیش گفته را در وجه طرف مقابل یا شخص ثالث صادر کند.

(۲) دادگاه می‌تواند به درخواست شخصی که تصمیم دسترسی به دلایل علیه او صادر شده است، ذینفع دسترسی به دلایل را ملزم به سپردن تضمین کند. این تضمین به میزان هزینه‌های پیش‌بینی پذیر در اجرای تصمیم دسترسی به دلایل خواهد بود. در صورتی که دادگاه سپردن تضمین را ضروری تشخیص دهد، خواهان باید آن را پیش از اجرای تصمیم ایداع کند.

(۳) دادگاه می‌تواند در تصمیمی که در پایان دادرسی نسبت به هزینه‌ها صادر می‌کند، از قاعده کلی در این زمینه عدول و به نحو دیگری اتخاذ تصمیم کند.

ماده ۱۰۹. اجرای تصمیم دسترسی به دلایل

دادگاه مکلف است تمامی تمهیدات عملی ضروری را با هدف تضمین اجرای موثر و منصفانه تصمیم دسترسی به دلایل اتخاذ کند. دادگاه به ویژه می‌تواند:

الف) دستورهای لازم نسبت به مکان و شیوه مناسب اجرای تصمیم را صادر کند؛

ب) در خصوص استفاده خواهان از کارشناس اتخاذ تصمیم کند؛

پ) هرگونه تصمیم مقتضی را که در بخش دهم این قواعد پیش‌بینی شده، صادر کند.

ماده ۱۱۰. تضمین اجرای تصمیم دسترسی به دلایل

(۱) هرگاه یکی از طرفین یا شخص ثالثی که تصمیم دسترسی به دلایل مطابق این قواعد علیه آنها صادر شده، علیرغم آگاهی از تصمیم دادگاه، دلایل مرتبط با دعوا را از بین

ببرد یا کتمان کند یا به هر نحو دیگری، اجرای تصمیم را ناممکن سازد، دادگاه می‌تواند یک یا چند مورد از ضمانت اجراهای زیر را اعمال کند:

- الف) جهات موضوعی مبنای تصمیم دسترسی به دلایل را احراز شده تلقی کند؛
- ب) اقدام خوانده یا خوانده دعوای آتی را به منزله وارد بودن دعوای اقامه شده یا دعوای آتی متقاضی دسترسی به دلایل محسوب نماید؛
- پ) بر اساس اختیارات اداره قضایی پیش‌بینی شده برای دادگاه، طرف دعوا یا شخص ثالث مخاطب تصمیم را به پرداخت خسارت تاخیر در اجرای رای متناسب با هر روز تاخیر در اجرای تصمیم ملزم نماید.

- (۲) تصمیمی که بر اساس بند پیشین صادر می‌شود، باید با ماهیت تخلف متناسب باشد و تنها در صورتی صادر می‌شود که ذینفع تصمیم دسترسی به دلایل آن را درخواست کند.
- (۳) اجرای این مقررات نافی تمهیدات پیش‌بینی شده در مواد ۲۷ و ۹۹ و اختیار دادگاه در اعمال سایر ضمانت اجراها یا اقدامات آیینی نخواهد بود.

فصل سوم - انواع دلیل

بند یکم - اسناد

ماده ۱۱۱. دلیل مستند و الکترونیکی

- (۱) طرفین می‌توانند هر نوع مستند مربوط به دعوا را به عنوان دلیل ارائه کنند.
- (۲) سند هر مدرکی است که اطلاعات به شیوه‌های مختلف، به ویژه و نه منحصر، به صورت کاغذی یا الکترونیکی روی آن ثبت یا ضبط شده است. اطلاعات ممکن است به صورت نوشته، تصویر، طرح، برنامه، پیام صوتی یا داده‌های الکترونیکی از جمله رایانامه، شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های فوری، فراداده و سایر ابزارهای تکنولوژیکی ثبت شوند. سند ممکن است به شکل الکترونیک و به ویژه بر روی رایانه، وسایل الکترونیکی قابل حمل، فضای مجازی ثبت داده‌ها یا سایر ابزار ذخیره اطلاعات نگهداری شوند.
- (۳) مدارکی که به شکل الکترونیکی در اختیار یکی از طرفین قرار دارد، علی‌الاصول به صورت الکترونیکی ارائه یا تقدیم می‌شوند، مگر اینکه دادگاه به نحو دیگری تصمیم‌گیری نماید.
- (۴) طرفین می‌توانند به اسنادی که طرف مقابل ارائه کرده است، اعتراض کنند. در این صورت، دادگاه دستور انجام اقدامات لازم را به منظور احراز اعتبار اسناد صادر می‌کند.

ماده ۱۱۲. اسناد رسمی

- (۱) هر سندی که مقام رسمی، با رعایت تشریفات قانونی، تنظیم یا رسمیت آن را تایید کرده باشد، سند رسمی محسوب می‌شود.

(۲) اسناد رسمی که به شکل الکترونیک ثبت شده اند، از همان قدرت اثباتی اسناد کاغذی برخوردارند.

ماده ۱۱۳. اسناد: زبان و ترجمه

(۱) دادگاه می‌تواند راسا یا به درخواست هر یک از طرفین، دستور ارائه یا ترجمه اسناد را به زبان کشور مرجع قضایی رسیدگی کننده صادر کند.

(۲) ترجمه اسناد حجیم یا چند جلدی ممکن است بر اساس بند (۲) ماده ۲۰ محدود شود.

بند دوم - گواهی

ماده ۱۱۴. گواهان

(۱) هر یک از طرفین می‌تواند استماع شهادت شهود نسبت به جهات مورد اختلاف را با در نظر گرفتن ارتباط آن با دعوا، قابلیت پذیرش شهادت، نتایج ناشی از تحقیقات و نیز محرمانگی، تعهد به عدم افشا یا مصونیت، درخواست کند.

(۲) دادگاه می‌تواند هر شاهده‌ی را که شهادت او واجد شرایط مذکور در بند پیشین باشد و به طور کلی یا جزیی از ادای شهادت خودداری کند، برای ادای شهادت احضار کند.

(۳) گواه به هنگام ادای شهادت ملزم به گفتن حقیقت است. دادگاه می‌تواند ادای شهادت را به اتیان سوگند منوط کند. بدین منظور، دادگاه اطلاعات لازم را پیش از ادای شهادت در دسترس گواه قرار می‌دهد.

ماده ۱۱۵. شهادت

(۱) شهادت، علی‌الاصول، به صورت شفاهی استماع می‌شود. اما دادگاه می‌تواند، پس از دریافت ملاحظات طرفین، دستور دهد که شهادت مقدماتی به صورت مکتوب ارائه و به طرفین ابلاغ شود. شهادت مکتوب، پیش از جلسه رسیدگی‌ای که در آن اظهارات گواه شنیده خواهد شد، به سایر طرف‌های دعوا ارسال می‌شود. پس از ارائه شهادتنامه کتبی، شهادت شفاهی در جلسه رسیدگی ممکن است به پرسش‌های تکمیلی محدود شود.

(۲) ادای شهادت با حضور گواه استماع می‌شود. اما دادگاه می‌تواند دستور استفاده از ویدئو کنفرانس یا سایر تکنولوژی‌های مشابه را برای شنیدن اظهارات گواه صادر کند.

(۳) گواه ممکن است ابتدا توسط دادگاه یا شخصی که به شهادت استناد کرده، مورد پرسش قرار گیرد. چنانچه گواه ابتدا توسط دادگاه یا طرف مقابل مورد پرسش قرار گیرد، طرفی که به شهادت استناد کرده می‌تواند سوالات تکمیلی را به طور مستقیم از گواه بپرسد. (۴) طرفین می‌توانند به اعتبار شهادت اعتراض کنند.

ماده ۱۱۶. گواهان: زبان و ترجمه

(۱) چنانچه گواه به زبان یا زبانهای رسمی که دادرسی مطابق آنها اداره می‌شود یا ممکن است اداره شود، تسلط نداشته باشد، مرجع قضایی امکانات ترجمه شفاهی و کتبی را فراهم می‌نماید. (۲) گواه می‌تواند در صورت ضرورت و با موافقت دادگاه و طرفین، اظهارات خود را به زبانی غیر از زبان رسمی دادرسی بیان کند.

ماده ۱۱۷. شهادتنامه

(۱) هر یک از طرفین می‌تواند در صورت موافقت دادگاه، شهادتنامه (مکتوب) هر شخصی را که متضمن شهادت با ذکر سوگند است، ارائه نماید. شهادتنامه شخصا توسط گواه نوشته و در آن، جهات موضوعی مربوط به دعوا که شاهد آن بوده تبیین می‌شود. (۲) دادگاه می‌تواند به تشخیص خود، به شهادتنامه (مکتوب) همانند شهادت شفاهی که در جلسه رسیدگی دادگاه ادا می‌شود، ترتیب اثر دهد. (۳) هر یک از طرفین می‌تواند احضار امضاکننده شهادتنامه را از دادگاه تقاضا نماید. در صورت پذیرش درخواست توسط دادگاه، تحقیق از گواه ممکن است شامل پرسش‌های تکمیلی دادگاه یا طرف مقابل باشد.

بند سوم- حضور شخص طرفین در دادگاه

ماده ۱۱۸. حضور طرفین در دادگاه و پیامدهای حاضر نشدن یا پاسخ ندادن

(۱) دادگاه می‌تواند به اظهارات هر یک از طرفین که شخصا نزد دادگاه حاضر شده است، به عنوان دلیل ترتیب اثر دهد. بند (۳) ماده ۱۱۴ در این باره مجرا خواهد بود. (۲) هریک از طرفین می‌تواند، در برابر دادرس، پرسش‌های مرتبط با جهات موضوعی راجع به دعوا را از طرف مقابل بپرسد.

(۳) دادگاه می‌تواند از عدم حضور موجه هر یک از طرفین یا پاسخ ندادن به پرسش‌های معقول طرف مقابل یا دادگاه یا سوگند یاد نکردن، هرگونه نتیجه منطقی را استنباط کند.

(۴) هرگاه طرف دعوا که به دادگاه فراخوانده شده، شخص حقوقی باشد، هویت شخص یا اشخاص حقیقی را که به طور مستقیم و به نام شخص حقوقی در وقایع مربوط به دعوا حضور داشته‌اند [به دادگاه] اعلام می‌کند تا اظهاراتشان شنیده شود، مشروط به اینکه همچنان نماینده قانونی شخص حقوقی محسوب شوند. در صورت امتناع ناموجه شخص حقوقی از ارائه اطلاعات پیش گفته، دادگاه می‌تواند هر نتیجه‌ای را استنباط کند.

بند چهارم - کارشناسی

ماده ۱۱۹. کارشناس منتخب طرفین

طرفین می‌توانند در خصوص هر موضوع مربوط به دعوا که کارشناسی درباره آن ضرورت داشته باشد، گزارش کارشناس منتخب خود را ارائه نمایند.

ماده ۱۲۰. کارشناس منتخب دادگاه

(۱) دادگاه می‌تواند یک یا چند کارشناس را به منظور ارائه دلیل در مورد هر موضوع مرتبط با دعوا که کارشناسی درباره آن ضرورت دارد، از جمله قانون خارجی، تعیین کند.

(۲) کارشناسان ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشند. در صورتی که کارشناس شخص حقوقی باشد، حداقل یک شخص حقیقی باید مسئولیت گزارش کارشناسی را به عهده بگیرد.

(۳) چنانچه طرفین نسبت به کارشناس معینی توافق داشته باشند، دادگاه علی‌الاصول همان کارشناس را تعیین می‌کند.

(۴) طرفین می‌توانند به کارشناس منتخب دادگاه به دلیل جهات رد اعتراض کنند. در مواردی که جهات معقول رد کارشناس وجود دارد، دادگاه باید حسب مورد از تعیین کارشناس مورد نظر خودداری یا دستور متضمن کارشناس منتخب یا گزارش کارشناسی را ملغا اعلام کند.

ماده ۱۲۱. تحقیقات محول شده به کارشناس رسمی دادگستری (موضوع کارشناسی)

- (۱) دادگاه محدوده مأموریت کارشناس و مدت زمان معقول ارائه نظریه مکتوب کارشناسی را تعیین می‌کند.
- (۲) دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت، محدوده مأموریت کارشناس را کاهش یا افزایش دهد. دادگاه همچنین می‌تواند مهلت تعیین شده برای تقدیم نظریه مکتوب کارشناسی را تغییر دهد.
- (۳) طرفین دعوا، مطابق تشریفات قانونی، از تصمیمات مربوط به کارشناسی و تغییرات احتمالی آن از سوی دادگاه، مطلع می‌شوند.
- (۴) هرگاه یکی از طرفین نسبت به محتوای یا دامنه تحقیقات کارشناس اعتراض داشته باشد، می‌تواند ارائه نظریه تکمیلی را از دادگاه درخواست کند.

ماده ۱۲۲. تکالیف کارشناس

- (۱) کارشناس منتخب دادگاه یا طرفین ملزم است ارزیابی کامل، نوعی و بی‌طرفانه خود نسبت به موضوع کارشناسی را به دادگاه ارائه نماید.
- (۲) کارشناس نمی‌تواند خارج از صلاحیت خود اظهار نظر کند. همچنین کارشناس می‌تواند به استناد همان جهاتی که شخص از ارائه شهادت خودداری می‌کند، از انجام کارشناسی امتناع نماید.
- (۳) کارشناس نمی‌تواند مأموریت خود را به دیگران محول نماید مگر با اجازه دادگاه.
- (۴) هرگاه کارشناس بدون عذر موجه، گزارش خود را در مدت تعیین شده توسط دادگاه تقدیم نکند، دادرس می‌تواند دستور اعمال ضمانت اجرای متناسب را صادر کند.

ماده ۱۲۳. دسترسی کارشناس به اطلاعات

- (۱) کارشناس منتخب دادگاه به کلیه اطلاعات غیرمحرمانه مربوط به دعوا که برای تهیه گزارش کارشناسی ضروری است، دسترسی خواهد داشت.
- (۲) کارشناس منتخب دادگاه می‌تواند تا جایی که برای تحقیقات لازم و ضروری است به ویژه از هر یک از طرفین بخواهد تا ضمن ارائه اطلاعات مورد نیاز، زمینه دسترسی به مدارک، بررسی اموال یا ورود به محل با هدف بازرسی را برای کارشناس فراهم کنند.
- (۳) کارشناس می‌تواند در صورتی که اوضاع و احوال ایجاب کند، شخص را مورد معاینه قرار دهد یا به اطلاعات ناشی از معاینه جسمی یا روانی شخص دسترسی داشته باشد.

ماده ۱۲۴. گزارش کارشناسی و شنیدن اظهارات کارشناس

(۱) گزارش کارشناسی، علی‌الاصول، به صورت مکتوب تقدیم می‌شود. در دعاوی ساده، دادگاه می‌تواند دستور دهد که کارشناس گزارش خود را به صورت شفاهی ارائه نماید.

(۲) به دستور دادگاه یا درخواست یکی از طرفین دعوا، کارشناس گزارش مکتوب خود را به صورت شفاهی توضیح می‌دهد. اظهارات کارشناس ممکن است در جلسه رسیدگی که در صورت ضرورت و برابر مقررات قانونی قابل اعمال، با وسایل ارتباط از راه دور امن مانند ویدئو کنفرانس برگزار می‌شود، شنیده شود.

(۳) دادگاه می‌تواند به کارشناس دستور دهد که به هنگام تقدیم گزارش مکتوب کارشناسی یا بیان اظهارات سوگند یاد کند.

(۴) به هنگام استماع اظهارات کارشناس، طرفین صرفاً می‌توانند پرسش‌های مرتبط با گزارش کارشناسی را از کارشناس مطرح نمایند.

(۵) هرگاه کارشناس منتخب یکی از طرفین که برابر مقررات به جلسه رسیدگی دعوت شده است، بدون عذر موجه در جلسه حاضر نشود، دادگاه می‌تواند گزارش مکتوب کارشناس را از عداد دلایل خارج کند.

ماده ۱۲۵. دستمزد و هزینه‌ها

(۱) دستمزد و هزینه کارشناس منتخب دادگاه، جزء هزینه‌های دادرسی محسوب می‌شود. دادگاه می‌تواند دستور دهد که متقاضی کارشناسی این هزینه‌ها را پیش از انجام کارشناسی پرداخت کند.

(۲) دستمزد و هزینه کارشناس منتخب یکی از طرفین را نمی‌توان به عهده طرف مقابل قرار داد مگر به دستور دادگاه.

بند پنجم - ارزیابی دادگاه

ماده ۱۲۶. قواعد کلی

(۱) هر یک از طرفین می‌تواند بررسی اموال یا معاینه شخص را از دادگاه درخواست کند. به منظور تضمین بررسی دقیق، دادگاه ممکن است برابر قانون حاکم، اجرای درخواست را به شرایطی که مطابق اوضاع و احوال منصفانه تشخیص می‌دهد، منوط کند.

- (۲) هر یک از طرفین می‌تواند مجوز معاینه جسمی یا روانی شخص را درخواست کند. دادگاه می‌تواند پس از اخذ توضیحات طرفین، تاریخ و شیوه‌های معاینه را تعیین نماید.
- (۳) در صورت ضرورت، دادگاه می‌تواند شخصا به معاینه مبادرت کند یا دستور معاینه توسط کارشناس منتخب دادگاه یا یکی از طرفین را صادر کند.
- (۴) طرفین و نمایندگان آنها می‌توانند در زمان بررسی یا معاینه که انجام آن مطابق این ماده دستور داده شده حضور یابند، مگر اینکه دادگاه به نحو دیگری اتخاذ تصمیم کند. دادگاه می‌تواند پس از اخذ توضیحات طرفین، زمان و شیوه‌های بررسی را تعیین نماید.
- (۵) اصطلاح «اموال» در این ماده و بند (۱) ماده ۱۲۷ به هر چیز مادی یا غیر مادی، به طور کلی یا اجزای سازنده آن اطلاق می‌شود.

ماده ۱۲۷. ثالث و بررسی قضایی

- (۱) دادگاه می‌تواند به اشخاص ثالث دستور دهد که اموال را به منظور ملاحظه دادگاه یا یکی از طرفین ارائه نمایند.
- (۲) مقررات فصل دوم از بخش هفتم این قواعد نسبت به کلیه تصمیماتی که بر اساس بند پیشین صادر شده یا ممکن است صادر شود، مجرا خواهد بود.

فصل چهارم - موقعیت‌های فراملی

بند یکم - در اتحادیه اروپا

ماده ۱۲۸. دسترسی به دلایل در اتحادیه اروپا

(۱) هرگاه دلایلی که باید تحصیل شود در قلمرو یکی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا واقع شده و دسترسی به این دلایل ضروری باشد، دادگاه و طرفین می‌توانند به مقررات شماره ۱۲۰۶-۲۰۰۱ شورای اتحادیه اروپا مورخ ۲۸ ماه می ۲۰۰۱ مرتبط با همکاری بین مراجع قضایی دولت‌های عضو در زمینه دسترسی به دلایل در امور مدنی یا بازرگانی استناد کنند.

(۲) علاوه بر اجرای مقررات شماره ۱۲۰۶-۲۰۰۱ شورای اتحادیه اروپا مورخ ۲۸ ماه می ۲۰۰۱ مرتبط با همکاری بین مراجع قضایی دولت‌های عضو در زمینه دسترسی به دلایل در امور مدنی یا بازرگانی:

الف) دادگاه می‌تواند شهادتی را که در قلمرو یکی دیگر از دولتهای عضو سکونت دارد، به طور مستقیم به دادگاه فرابخواند؛

ب) دادگاه می‌تواند کارشناس را به منظور ارائه گزارش کارشناسی تعیین نماید هر چند اقدامات کارشناسی مانند معاینه شخص یا بازدید محل در یکی دیگر از دولتهای عضو قابل انجام باشد.

پ) هر یک از طرفین یا شخص ثالثی که دستور دسترسی به دلایل علیه او صادر شده و اقامتگاه یا محل سکونت او در قلمرو کشور متبوع دادگاه رسیدگی کننده قرار دارد، ملزم به

۱۳۶ ■ قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی

ارائه اسناد و مدارک اثباتی ضروری می‌باشد هر چند این اسناد و مدارک در قلمرو کشور متبوع مرجع قضایی صادر کننده دستور دسترسی به دلایل واقع نشده باشند. (ت) دادگاه می‌تواند دستور دسترسی به دلایل را علیه طرفین دعوایی که ممکن است در آینده اقامه شود یا اشخاص ثالثی که در یکی از دولت‌های عضو اقامت دارند، صادر کند.

بند دوم- خارج از اتحادیه اروپا

ماده ۱۲۹. دسترسی به دلایل خارج از اتحادیه اروپا

چنانچه دلایلی که دسترسی به آنها ضروری است، خارج از اتحادیه اروپا قرار داشته باشند یا مخاطب دستور دسترسی به دلایل، در اتحادیه اروپا اقامتگاه و محل سکونت دائمی نداشته باشد، دادگاه و طرفین می‌توانند به کنوانسیون لاهه مورخ ۱۸ مارس ۱۹۷۰ درباره دسترسی به دلایل خارج از کشور در امور مدنی و بازرگانی یا سایر کنوانسیون‌های قابل اعمال استناد کنند.

بخش هشتم

رای، ارتباط و اعتبار امر قضاوت شده

فصل یکم- بخش کلیات

ماده ۱۳۰. انواع رای

(۱) دادگاه می تواند تصمیمات زیر را صادر کند:

الف) رای قاطع دعوا، رایی است که قاطع تمامی اجزای ادعاست؛

ب) رای نسبت به بخشی از ادعا، رایی که قاطع بخشی از ادعاست؛

پ) در فرض تعدد خواسته ها، رای ممکن است نسبت به یک یا چند مورد از خواسته ها صادر شود؛

ت) صدور رای نسبت به موضوعات آیینی مقدماتی یا موضوعات ماهوی ویژه بر اساس ماده ۶۶؛

ث) رای غیابی.

(۲) چنانچه دادگاه در رأی صادره نسبت به همه ادعاها اتخاذ تصمیم نکرده باشد، رسیدگی نسبت به ادعای حل و فصل نشده، ادامه می یابد. اگر رای نسبت به بخشی از ادعا یا نسبت به موضوعی آیینی یا برخی از موضوعات ماهوی صادر شده و این رای پژوهش پذیر باشد، دادگاه به تشخیص خود و با لحاظ اوضاع و احوال پرونده در خصوص ادامه یا توقف رسیدگی اتخاذ تصمیم می کند.

ماده ۱۳۱. مندرجات رای

در رای به موارد زیر اشاره می شود:

الف) دادگاه و ترکیب هیات قضایی صادر کننده رای؛

- ب) مکان و تاریخ صدور رای؛
- پ) مشخصات طرفین و در صورت ضرورت، مشخصات وکلای آنها؛
- ت) موضوع دعوا؛
- ث) تصمیم دادگاه؛
- ج) جهات موضوعی و حکمی رای؛
- چ) در صورت لزوم، امضای دادرس یا دادرسان؛
- ح) در صورت لزوم، امضای مدیر دفتر؛ و
- خ) در صورت ضرورت، اشاره به طرق شکایت از رای و شیوه‌های اعمال آنها.

ماده ۱۳۲. محتوای رای

- (۱) رای با لحاظ موضوع دعوا ممکن است متضمن موارد زیر باشد:
 - الف) دستور انجام یا خودداری از انجام امری توسط خوانده؛
 - ب) ایجاد^۱ یا اصلاح یک رابطه حقوقی یا پایان بخشیدن به آن؛
 - پ) اعلام وجود یا عدم یک موقعیت حقوقی، یا
 - ت) رد دعوا به دلایل آیینی یا به دلیل غیر وارد بودن آن.
- (۲) دادگاه تنها در صورتی می‌تواند رای اعلامی از جمله رای اعلامی سلبی صادر کند که خواهان وجود نفع مشروع خود در صدور چنین رای را اثبات نماید.

ماده ۱۳۳. شرایط پیشینی صدور رای در ماهیت

- دادگاه در صورتی رای در ماهیت صادر می‌کند که شرایط زیر فراهم باشد:
 - الف) طرفین برابر بند (۲) ماده ۲۹ تا ماده ۳۱ و مواد ۳۴، ۳۵، ۴۵ و ۴۶ اهلیت اقامه دعوا داشته باشند؛
 - ب) دادگاه صلاحیت ذاتی و محلی داشته باشد؛
 - پ) با رعایت مقررات راجع به امر مطروحه، دعوای دیگری مرتبط با همان اصحاب دعوا و با موضوع و سبب یکسان نزد مرجع دیگری مطرح نباشد؛
 - ت) هیچ رایی بین طرفین و درباره همان موضوع و با همان سبب، به گونه‌ای که مشمول اعتبار امر قضاوت شده باشد، صادر نشده باشد؛
 - ث) خواهان نفع مشروع خود در اقامه دعوا را اثبات کرده باشد؛ و

۱. اعلام.

بخش هشتم- رای، ارتباط و اعتبار امر قضاوت شده ■ ۱۴۱

ج) سایر شرایط آیینی پیش‌بینی شده در این قواعد رعایت شده باشد.

ماده ۱۳۴. ابلاغ رای

رای باید مطابق بخش ششم این قواعد به همه طرف‌های دعوا ابلاغ شود.

فصل دوم- بخش ویژه

بند یکم- رای غیابی

ماده ۱۳۵. صدور رای غیابی علیه خواهان

(۱) دادگاه در موارد زیر با صدور رای غیابی دعوا را رد خواهد کرد:

الف) خواهان در جلسه رسیدگی که به حضور در آن فراخوانده شده است، حاضر نشود؛ و

ب) خواننده صدور رای غیابی را درخواست کرده باشد.

(۲) دادگاه نمی تواند راسا و به استناد این ماده رای غیابی صادر کند.

ماده ۱۳۶. صدور رای غیابی علیه خواننده

(۱) دادگاه در موارد زیر مبادرت به صدور رای غیابی علیه خواننده می نماید:

الف) هرگاه خواننده در مهلت تعیین شده به لوایح خواهان پاسخ نداده باشد؛ یا

ب) خواننده در جلسه رسیدگی که به حضور در آن فراخوانده شده است، حاضر نشود؛

و

پ) هرگاه خواهان صدور رای غیابی را درخواست کرده باشد.

(۲) دادگاه در رایی که نسبت به دعوای خواهان صادر می کند، به شرح زیر اتخاذ

تصمیم می نماید:

الف) چنانچه امور موضوعی مورد استناد خواهان مثبت ادعا باشد، رای به وارد بودن

ادعا صادر می کند، و

ب) در غیر این صورت، دعوا را در ماهیت رد می‌کند.

ماده ۱۳۷. رای غیابی نسبت به بخشی از ادعا یا نسبت به یکی از خواسته‌ها

(۱) در موارد زیر دادگاه می‌تواند نسبت به بخشی از خواسته یا درباره یکی از خواسته‌ها رای غیابی صادر کند:

الف) هرگاه یکی از طرفین در جلسه دادرسی که منحصرأً برای رسیدگی به همان بخش از خواسته یا یکی از خواسته‌ها تشکیل شده است، حاضر نشود، یا
ب) خوانده از پاسخ دادن به لوایح خواهان درباره همان بخش از خواسته یا یکی از خواسته‌ها خودداری کند.

(۲) در صورتی که یکی از طرفین غایب بوده و صدور رای نسبت به بخشی از خواسته یا یکی از خواسته‌ها مطابق ماده ۱۳۰ امکان پذیر باشد، دادگاه باید به شرح زیر عمل کند:
الف) نسبت به همان بخش از خواسته یا یکی از خواسته‌ها رای صادر کند، و
ب) نسبت به سایر قسمت‌های خواسته یا سایر خواسته‌ها رای غیابی صادر کند.

ماده ۱۳۸. شرایط مقدماتی [صدور رای غیابی]

(۱) هرگاه یکی از طرفین در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه صرفاً در موارد زیر می‌تواند رای غیابی صادر کند:

الف) ابلاغیه حاوی تاریخ و ساعت جلسه رسیدگی برابر شیوه‌های پیش‌بینی شده در این قواعد به طرف ابلاغ شده باشد، و

ب) به تشخیص دادگاه، بین ابلاغ و جلسه رسیدگی مهلت کافی وجود داشته باشد.

(۲) نسبت به خوانده‌ای که دفاعی به عمل نیاورده، دادگاه تنها در صورت وجود شرایط زیر رأی غیابی صادر می‌کند:

الف) اوراق دعوای طرح شده مطابق شیوه‌های پیش‌بینی شده در این قواعد به خوانده ابلاغ شده باشد،

ب) مهلت پیش‌بینی شده برای تقدیم دفاعیات خوانده سپری شده باشد، و

پ) هیچ گونه مهلت [دیگری] در قانون پیش‌بینی نشده باشد، مشروط به اینکه ابلاغ در مهلتی کافی که خوانده بتواند دفاع خود را تدارک ببیند، انجام شده باشد.

(۳) در صورت نبود مستند دریافت ابلاغ، دادگاه می‌تواند با وجود شرایط زیر نسبت به خوانده رای غیابی صادر کند:

الف) علیرغم انجام اقدامات کافی به منظور اثبات آنکه خواننده به نحو مؤثری سند آغازگر دعوا را دریافت کرده، آگاهی خواننده از ابلاغ اوراق محرز نباشد، و
ب) مهلتی که نباید کمتر از سه ماه باشد و به تشخیص دادگاه، برای تدارک دفاع توسط خواننده کافی باشد، از تاریخ ابلاغ سپری شود؛
۴) علیرغم قسمت‌های الف) و ب) بند پیشین، دادگاه می‌تواند، در موارد فوری، دستور انجام هر گونه اقدام فوری یا تأمینی را صادر نماید.

ماده ۱۳۹. واخواهی

طرفی که رای غیابی علیه او صادر شده است، می‌تواند در موارد زیر درخواست واخواهی کند:
الف) یکی از شرایط مقدماتی صدور رأی غیابی فراهم نباشد، یا
ب) غیبت منتسب به او نباشد یا غیبت او با دلیل موجه توجیه شود.

ماده ۱۴۰. مهلت واخواهی

۱) واخواهی باید در مهلت سی روز از تاریخ ابلاغ رای تقدیم شود. در دعاوی فراملی، واخواهی باید ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی غیابی درخواست شود.
۲) چنانچه خواننده برای عدم اقدام خود در مهلت پیش‌بینی شده عذر موجهی داشته باشد، دادگاه می‌تواند مهلت مذکور در بند پیشین را تمدید کند. در هر حال، واخواهی را نمی‌توان در مدتی بیش از یکسال، و در دعاوی فراملی در مدتی بیش از دو سال از تاریخ اعلان رای غیابی تقدیم کرد.

بند دوم- سازش قضایی

ماده ۱۴۱. سازش قضایی

۱) هرگاه طرفین پیش از اقامه دعوا یا در اثنای دادرسی به توافقی دست یابند که پایان بخش اختلاف باشد، می‌توانند از دادگاه درخواست کنند که به توافق آنها ترتیب اثر دهد.
۲) چنانچه توافق طرفین مغایر با قانون باشد یا موضوع آن را نتوان به عنوان تصمیم دادگاه پذیرفت، دادگاه از ترتیب اثر دادن به این توافق خودداری می‌کند.
۳) در صورتی که دادگاه از ترتیب اثر دادن به توافق طرفین خودداری کند، هر یک از طرفین می‌تواند از این تصمیم تجدیدنظر خواهی کند. مقررات راجع به تجدیدنظر خواهی در این باره اعمال خواهد شد (نگاه کنید به فصل دوم از بخش یازدهم).

فصل سوم- آثار امر مطروحه و رای

بند یکم- امر مطروحه و ارتباط [بین دعاوی]

ماده ۱۴۲. امر مطروحه

(۱) هرگاه دعای مطروحه دارای موضوع و سبب یکسان بوده و بین همان اصحاب دعا و نزد مراجع قضایی مختلف اقامه شده باشند، همه مراجع قضایی، به استثنای مرجعی که دعا نخستین بار نزد آن طرح شده، رسیدگی را راسا و تا زمانی که صلاحیت مرجع قضایی که دعا نخستین بار نزد آن اقامه شده احراز شود، متوقف خواهند کرد (اصل تقدم).

(۲) در موارد مذکور در بند پیشین، هر یک از مراجع قضایی رسیدگی کننده به دعا می‌تواند از سایر مراجعی که دعا نزد آنها طرح شده است، اطلاعات مربوط به دعاوی مطروحه نزد آن مراجع و تاریخ اقامه دعا را بر اساس ماده ۱۴۵ درخواست کند. مرجع قضایی اخیر اطلاعات درخواستی را بدون تاخیر به مرجع درخواست کننده ارسال می‌کند.

(۳) در صورت احراز صلاحیت مرجع قضایی‌ای که دعا نخستین بار نزد آن اقامه شده است، این مرجع قضایی دستور رسیدگی توأمان به همه دعاوی را مطابق ماده ۱۴۶ صادر می‌کند. در این صورت، سایر مراجع قضایی از رسیدگی خودداری و پرونده را به مرجع مزبور ارسال می‌نمایند. هرگاه شرایط رسیدگی توأمان فراهم نباشد، همه مراجع قضایی، به استثنای مرجعی که دعا نخستین بار نزد آن طرح شده است، حسب مورد و به تشخیص خود از رسیدگی خودداری و پرونده را به مرجع مزبور ارسال یا رسیدگی را متوقف خواهند کرد.

ماده ۱۴۳. استثنائات اصل تقدم در رسیدگی

- (۱) چنانچه دعاوی طرح شده در صلاحیت اختصاصی مرجع قضایی ای باشد که دعوا ابتدا نزد آن اقامه نشده است، مرجعی که نخستین بار دعوا نزد آن طرح شده، از رسیدگی خودداری و پرونده را به مرجع مزبور ارسال می‌نماید. در این صورت، مرجع قضایی واجد صلاحیت اختصاصی، رسیدگی را متوقف نخواهد کرد.
- (۲) در صورتی که هر دو مرجع قضایی رسیدگی کننده دارای صلاحیت اختصاصی باشند، بند پیشین اعمال نخواهد شد.
- (۳) افزون بر اجرای مقررات راجع به حمایت از طرف‌های ضعیف و نیز صلاحیت مرجع قضایی محل حضور خوانده، هرگاه دعوا نزد مرجعی اقامه شود که مطابق موافقتنامه توسعه صلاحیت، برای رسیدگی واجد صلاحیت اختصاصی باشد، سایر مراجع قضایی، رسیدگی به دعوا را تا زمانی که مرجع قضایی رسیدگی کننده بر اساس موافقتنامه، عدم صلاحیت خود را اعلام نکرده، متوقف خواهند کرد.
- (۴) هرگاه مرجع قضایی تعیین شده در موافقتنامه، خود را مطابق موافقتنامه صالح تشخیص دهد، سایر مراجع قضایی از رسیدگی خودداری و پرونده را به مرجع اخیر ارسال خواهند کرد.

ماده ۱۴۴. ارتباط بین دعاوی

- (۱) هرگاه دعاوی مرتبط نزد مراجع قضایی مختلف مطرح باشد، سایر مراجع قضایی، به استثنای مرجعی که دعوا نخستین بار نزد آن طرح شده است، می‌توانند رسیدگی را متوقف نمایند.
- (۲) هرگاه مرجعی که دعوا نخستین بار نزد آن طرح شده، مرجع رسیدگی در مرحله نخستین باشد و دستور رسیدگی توأمان به دعاوی را مطابق ماده ۱۴۶ صادر کند، سایر مراجع قضایی از رسیدگی خودداری خواهند کرد.
- (۳) دعاوی مرتبط، مطابق این ماده، به دعاوی گفته می‌شود که موضوع و سبب آنها با یکدیگر پیوند داشته باشد؛ به گونه‌ای که رسیدگی توأمان و صدور رای به این دعاوی همسو با منافع دادگستری است.

ماده ۱۴۵. تاریخ اقامه دعوا برای بررسی امر مطروحه و ارتباط بین دعاوی

- (۱) دعوا در مرجع قضایی [در تاریخ‌های زیر] اقامه شده قلمداد می‌شود:

الف) در تاریخی که دادخواست^۱ یا سایر اوراق مشابه به مرجع قضایی تقدیم می‌شود، مشروط به اینکه خواهان متعاقباً در ابلاغ دادخواست به خواننده بر اساس این قواعد کوتاهی نکرده باشد، یا

ب) اگر دادخواست یا اوراق مشابه باید پیش از تقدیم به مرجع قضایی ابلاغ شود، از تاریخ دریافت توسط مقام مسئول ابلاغ، مشروط به اینکه خواهان در انجام اقدامات لازم بعدی مبنی بر تقدیم دادخواست به مرجع قضایی کوتاهی نکرده باشد. مقام مسئول ابلاغ به شرح مذکور در این بند (ب)، نخستین مقامی است که اوراق را برای ابلاغ دریافت می‌کند.

(۲) هرگاه در اثنای دادرسی دعوایی اقامه شود، این دعوا در زمان طرح آن در جلسه رسیدگی یا زمان تقدیم لوایح کتبی به مرجع قضایی یا به هنگام ابلاغ آن به طرف مقابل، اقامه شده محسوب می‌شود.

(۳) مرجع قضایی یا مقام مسئول ابلاغ به شرح بند (۱) پیشین، تاریخ تقدیم دادخواست یا اوراق مشابه یا تاریخ دریافت اوراق را گواهی می‌نمایند.

ماده ۱۴۶. رسیدگی توأمان به دعاوی

(۱) هرگاه صلاحیت مرجعی که دعوا ابتدا نزد آن اقامه شده، احراز شود، این مرجع می‌تواند به درخواست هر یک از طرفین دستور رسیدگی توأمان به دعاوی متعدد را در موارد مذکور در مواد ۱۴۲ و ۱۴۴ صادر کند.

(۳) مرجعی که دعوا ابتدا نزد آن اقامه شده است، تنها در صورتی می‌تواند دستور رسیدگی توأمان به دعاوی را صادر کند که صلاحیت رسیدگی به همه دعاوی را داشته باشد و دعاوی نیز در مرحله نخستین در حال رسیدگی باشند.

(۳) پیش از صدور دستور رسیدگی توأمان به دعاوی، مرجع قضایی اظهارات اصحاب دعوا را استماع و با مرجع یا سایر مراجع قضایی رسیدگی کننده مکاتبه می‌کند.

(۴) هرگاه مرجعی که دعوا ابتدا نزد آن اقامه شده است، خود را برای رسیدگی به دعاوی صالح اعلام و دستور رسیدگی توأمان را صادر کند، سایر مراجع قضایی از رسیدگی خودداری می‌نمایند.

(۵) رسیدگی توأمان به دعاوی، نافی اعمال سایر پیامدهای آیینی یا ماهوی مرتبط با طرح این دعاوی نیست.

۱. سند آغازگر دادرسی.

(۶) هرگاه رسیدگی توأمان توسط مرجعی که دعوا ابتدا نزد آن اقامه شده است، امکان پذیر نباشد، مرجعی که دعوا متعاقباً نزد آن اقامه شده، می‌تواند به درخواست هر یک از طرفین و در صورت لزوم بر اساس بند (۱) تا (۵) این ماده، به صورت توأمان به دعاوی رسیدگی کند.

بند دوم- اعتبار امر قضاوت شده

ماده ۱۴۷. آرای واجد اعتبار امر قضاوت شده

(۱) آرای قاطع دعوا که در ماهیت دعوا صادر شده‌اند و نیز آرای غیابی و آرای که نسبت به بخشی از دعوا در ماهیت صادر می‌شوند، همچنین آرای صادره نسبت به موضوعات مقدماتی دادرسی یا موضوعات خاص ماهوی از اعتبار امر قضاوت شده برخوردارند.

(۲) تصمیم متضمن دستور اقدامات موقتی تأثیری در ماهیت دعوا ندارد.

ماده ۱۴۸. آرای قطعی

در صورتی که اعمال طرق عادی شکایت از رای به طور کلی یا به دلیل سپری شدن مهلت ممکن نباشد، رای قطعی محسوب می‌شود.

ماده ۱۴۹. قلمرو مادی اعتبار امر قضاوت شده

(۱) قلمرو مادی اعتبار امر قضاوت شده بر اساس ادعاهای مطروحه در لوایح طرفین و نیز لوایح تکمیلی آنها که در رای حل و فصل شده است، تعیین می‌شود.

(۲) موضوعات حقوقی مقدماتی نیز که در رای به صراحت نسبت به آنها تعیین تکلیف شده است، دارای اعتبار امر قضاوت شده خواهند بود، مشروط به اینکه طرفین دعوای جدید همان اصحاب دعوای پیشین باشند و دادگاه صادر کننده رای در دعوای پیشین، از صلاحیت رسیدگی نسبت به موضوعات حقوقی مقدماتی برخوردار بوده باشد.

(۳) در صورتی که خوانده در مقام دفاع به تهاثر استناد کند، اعتبار امر قضاوت شده شامل تهاثر نیز خواهد بود، چنانچه:

الف) دادگاه، دعوا و جهت دفاعی را همزمان وارد اعلام کند، یا

ب) دعوا وارد اعلام و جهت دفاعی مبتنی بر تهاثر رد شود.

(۴) در صورتی که دعوا به دلایلی غیر از تهاثر رد شود، رای تنها نسبت به دعوای خواهان واجد اعتبار امر قضاوت شده است و جهت دفاعی مبتنی بر تهاثر از شمول آن خارج خواهد بود.

بخش هشتم- رای، ارتباط و اعتبار امر قضاوت شده ■ ۱۴۹

ماده ۱۵۰. اصلاح رای متضمن حکم به پرداخت مبلغی معین در دوره زمانی مشخص

(۱) دادگاه می‌تواند به درخواست یکی از طرفین، تصمیم قبلی را که واجد اعتبار امر قضاوت شده و متضمن حکم به پرداخت مبلغی معین در دوره زمانی مشخص بوده است، نسبت به آینده اصلاح کند.

(۲) اصلاح رای بر مبنای این ماده تنها در فرض تغییر بنیادین اوضاع و احوال، امکان پذیر است.

ماده ۱۵۱. اشخاصی که اعتبار امر قضاوت شده نسبت به آنها اعمال می‌شود.

اعتبار امر قضاوت شده مفاد رای صرفاً شامل طرفین دعوا، قائم مقام قانونی یا قراردادی آنها خواهد بود.

ماده ۱۵۲. استناد مستقیم دادگاه به اعتبار امر قضاوت شده [بدون درخواست طرفین]

دادگاه راساً و بدون درخواست طرفین به ایراد ناشی از اعتبار امر قضاوت شده استناد می‌کند.

بخش نهم
شیوه‌های شکایت از آرا

فصل یکم - بخش کلیات

ماده ۱۵۳. حق بر شکایت از رای

هر یک از طرفین یا، در موارد استثنایی، شخص ثالثی که دارای نفع حقوقی است، می‌تواند، برابر مقررات این بخش، یکی از شیوه‌های شکایت از رای را اعمال کند.

ماده ۱۵۴. انصراف از شکایت از رای [اسقاط شکایت از رای]

(۱) هر یک از طرفین می‌تواند از حق اعمال شکایت از رای انصراف دهد. این انصراف باید آزادانه، روشن و صریح باشد. انصراف از شکایت از رای ممکن است به صورت کتبی و پیش از جلسه رسیدگی یا در اثنای جلسه به مرجع قضایی تقدیم شود. انصراف ممکن است به صورت شفاهی نیز در جلسه رسیدگی اعلام شود.

(۲) انصراف از شکایت از رای پیش از صدور رای امکان پذیر است. این شیوه انصراف تنها با موافقت همه طرف‌های دعوا شدنی است.

(۳) مصرف کننده‌ای که در دادرسی خواهان یا خوانده است، نمی‌تواند پیش از صدور رای از حق شکایت از رای خود صرف نظر کند.

(۴) مرجع قضایی، انصراف از شکایت از رای را در متن رای یا، در صورت لزوم، در سایر دفاتر ثبت رسمی درج می‌نماید.

فصل دوم- پژوهش و فرجام نهایی

ماده ۱۵۵. درخواست پژوهش یا فرجام- کلیات

- (۱) تجدیدنظر یا فرجام خواهی با تقدیم درخواست به مرجع قضایی صالح برای رسیدگی به اعتراض انجام می‌گیرد.
- (۲) درخواست تجدیدنظر یا فرجام به محض تقدیم به مرجع قضایی صلاحیت دار، مطابق مقررات بخش ششم این قواعد به خواننده درخواست ابلاغ می‌شود.

ماده ۱۵۶. مهلت شکایت از رای

- (۱) مهلت تقدیم درخواست تجدید نظرخواهی یک ماه از تاریخ ابلاغ رای مورد اعتراض است.
- (۲) مهلت تقدیم درخواست فرجام خواهی دو ماه از تاریخ ابلاغ رای مورد اعتراض است.

ماده ۱۵۷. مندرجات درخواست تجدیدنظر خواهی و لوایح دفاعی

- (۱) در درخواست تجدیدنظر، به پژوهش خواهی از رای تصریح و مشخصات رای مورد اعتراض در آن درج می‌شود. همچنین، در درخواست تجدیدنظر ممکن است به جهات مبنای پژوهش خواهی نیز اشاره شود. در صورتی که درخواست تجدیدنظر خواهی متضمن جهات پیش گفته نباشد، در لوایح جداگانه تبیین خواهد شد.
- (۲) در لوایح تقدیمی به موارد زیر اشاره می‌شود:
- الف) ادعاهای پژوهش خواه؛

(ب) جهات دفاعی ماهوی و آیینی مثبت تجدیدنظر خواهی؛
(پ) در صورت لزوم، اشاره به جهاتی که نشان می‌دهد ارزیابی دلایل به شدت مخدوش بوده است؛
(ت) در صورت ضرورت، امور موضوعی جدید مورد استناد و ادله جدید اقامه شده برای اثبات امور موضوعی مزبور و نیز جهاتی که پذیرش امور موضوعی و دلایل اثباتی جدید را توجیه می‌نماید.
(۳) در صورتی که جهات مبنای تجدیدنظر خواهی در لوایحی مجزای از درخواست تجدیدنظر تبیین شده باشد، این جهات باید ظرف مهلت دو ماه از تاریخ ابلاغ رای [به طرف مقابل] ابلاغ شود، مگر اینکه مرجع تجدیدنظر مهلت دیگری را تعیین نماید.

ماده ۱۵۸. مندرجات درخواست فرجام خواهی و لوایح دفاعی

(۱) در درخواست فرجامی به فرجام خواهی از رای تصریح و مشخصات رای مورد اعتراض در آن درج می‌شود. در درخواست به جهاتی که مبنای فرجام خواهی است، اشاره خواهد شد.
(۲) در لوایح فرجام خواهی به موارد زیر اشاره می‌شود:
الف) ادعاهای فرجام خواه؛
ب) جهات آیینی و ماهوی^۱ مبنای فرجام خواهی.

ماده ۱۵۹. پاسخ به درخواست پژوهش یا فرجام خواهی - کلیات

(۱) تجدیدنظر خوانده یا فرجام خوانده دو ماه از تاریخ ابلاغ درخواست تجدیدنظر یا فرجام مهلت دارد تا لوایح دفاعی خود را به مرجع قضایی تقدیم و به طرف مقابل ابلاغ کند. مرجع قضایی می‌تواند مهلت دیگری را تعیین کند.
(۲) معترض به رای دو هفته از تاریخ ابلاغ لوایح دفاعی مهلت دارد تا به آنها پاسخ دهد. مرجع قضایی می‌تواند مهلت دیگری را تعیین کند.

ماده ۱۶۰. مندرجات لوایح دفاعی تجدیدنظر خوانده یا فرجام خوانده

لوایحی دفاعی حاوی موارد زیر خواهد بود:
الف) جهات متضمن تایید رای مورد اعتراض؛ یا
ب) درخواست پژوهش خواهی تبعی یا درخواست فرجام تبعی و جهات مثبت درخواست به منظور تایید رای به دلایلی غیر از دلایل مذکور در رای. بند (۲) ماده ۱۵۷ و

۱. نک. مواد ۱۷۴ و ۱۷۵ قواعد اروپایی آ.د.م.

بند (۲) ماده ۱۵۸ حسب مورد نسبت به لوایح دفاعی تجدیدنظر یا فرجام خواهی اعمال خواهد شد.

ماده ۱۶۱. پژوهش و فرجام تبعی

(۱) هرگاه یکی از طرفین نسبت به رای تجدیدنظر یا فرجام خواهی کرده باشد، طرف مقابل از حق پژوهش تبعی یا فرجام تبعی برخوردار خواهد بود، هرچند مهلت پژوهش یا فرجام خواهی پیش‌بینی شده در بند (۲) ماده ۱۵۶ نسبت به او سپری شده باشد.

(۲) درخواست پژوهش یا فرجام تبعی توسط پژوهش خواه یا فرجام خواه تبعی به طرف مقابل ابلاغ خواهد شد. مواد ۱۵۶ تا ۱۵۹ در این خصوص اعمال می‌شود.

(۳) اگر پژوهش یا فرجام خواهی اصلی رد شود، پژوهش یا فرجام تبعی بلااثر می‌گردد.

(۴) پژوهش خواه یا فرجام خواه اصلی می‌تواند به لوایح پژوهش یا فرجام تبعی پاسخ دهد. مواد ۱۵۹ و ۱۶۰ در این خصوص اعمال خواهد شد.

ماده ۱۶۲. اجرای موقت

(۱) هر رای قاطع دعوا، علیرغم تجدیدنظر یا فرجام خواهی، فوراً قابل اجرا خواهد بود، مگر اینکه در قانون به نحو دیگری پیش‌بینی شده باشد.

(۲) هرگاه پیامدهای اجرای رای به نحو بارزی جبران ناپذیر باشد، معترض می‌تواند ضمن تجدیدنظر یا فرجام خواهی، توقف اجرای رای مورد اعتراض را از مرجع رسیدگی کننده درخواست کند.

(۳) توقف اجرای رای را می‌توان به اخذ تامین از معترض منوط کرد. [همچنین] می‌توان با اخذ تامین از تجدیدنظر خوانده یا فرجام خوانده، درخواست توقف اجرای رای را رد کرد.

ماده ۱۶۳. استرداد درخواست

(۱) هر یک از طرفین می‌تواند در هر زمان درخواست تجدیدنظر خواهی خود را مسترد کند.

(۲) هیچ یک از طرفین نمی‌تواند درخواست فرجام خواهی خود را مسترد کند مگر با موافقت طرف مقابل و مرجع قضایی.

(۳) طرفی که درخواست تجدیدنظر یا فرجام خواهی خود را مسترد می‌کند، مسئول پرداخت هزینه‌های دادرسی از جمله هزینه‌هایی خواهد بود که طرف‌های دیگر به دلیل اعتراض به رای متحمل شده‌اند.

ماده ۱۶۴. وکالت نزد مرجع تجدیدنظر و دیوان عالی

(۱) علاوه بر مواردی که داشتن وکیل به موجب قانون حاکم الزامی است، هرگاه یکی از طرفین نتواند اعتراض خود را به گونه‌ای قابل فهم تنظیم کند یا داشتن وکیل به منظور حسن اداره دادگستری ضروری باشد، مرجع تجدیدنظر می‌تواند داشتن وکیل را برای آن طرف الزامی اعلام کند.

(۲) داشتن وکیل نزد مرجع رسیدگی فرجامی الزامی است.

ماده ۱۶۵. مهلت برای بعد مسافت

چنانچه اقامتگاه هر یک از طرفین در کشور مقر مرجع قضایی رسیدگی کننده نباشد، به کلیه مهلت‌های مربوط به تجدیدنظر یا فرجام یک ماه افزوده خواهد شد، مگر اینکه دادگاه تصمیم دیگری اتخاذ کند.

فصل سوم- تجدید نظر نسبت به آرای مرحله نخستین

ماده ۱۶۶. حق پژوهش خواهی

- (۱) هر یک از طرفین حق تجدیدنظر خواهی از رای نخستین را دارد، چنانچه:
- الف) ارزش ادعای موضوع تجدیدنظر خواهی بیش از حداقل نصاب پیش‌بینی شده در قانون حاکم باشد، مانند میانگین حقوق دو ماه در کشور مقر مرجع قضایی رسیدگی کننده؛ یا
- ب) دادگاه تجدیدنظر رسیدگی پژوهشی را با توجه به درخواست تجدیدنظر و جهات مورد استناد و مثبت درخواست تجویز کند.
- (۲) مرجع تجدیدنظر برای اتخاذ تصمیم درباره تجویز تجدیدنظر خواهی، موارد زیر را مد نظر قرار می‌دهد:
- الف) مسئله حقوقی پرونده دارای اهمیت اساسی باشد؛ یا
- ب) توسعه حقوق یا تضمین وحدت رویه قضایی مستلزم اتخاذ تصمیم دادگاه تجدیدنظر باشد؛ یا
- پ) اصول بنیادین دادرسی نقض شده باشد.
- (۳) مرجع تجدیدنظر راسا و بدون درخواست طرفین، تحقق شرایط مذکور در بندهای پیش گفته را بررسی می‌نماید.

ماده ۱۶۷. دامنه تجدیدنظر خواهی

- (۱) تجدیدنظر خواهی ممکن است نسبت به تمام یا بخشی از رای مرحله نخستین اعمال شود.

(۲) ادعاهای مطروحه در مرحله تجدیدنظر، علی‌الاصول، به دعاوی اصلی و طاری مرحله نخستین محدود می‌شوند.

(۳) ادعاها ممکن است در مرحله تجدیدنظر افزایش یابد یا اصلاح شود، مشروط به اینکه:

- الف) همه طرف‌های دعوا با آن موافق باشند؛ یا
- ب) مرجع تجدیدنظر آن را مطابق با حسن اداره دادگستری تشخیص دهد.

ماده ۱۶۸. امور موضوعی جدید و اداره دلیل

(۱) مرجع تجدیدنظر به امور موضوعی جدیدی که طرفین دعوا به آنها استناد می‌کنند، در محدوده ادعاهای مطروحه ترتیب اثر خواهد داد مشروط به اینکه:

الف) امکان استناد به امور موضوعی جدید نزد مرجع نخستین رسیدگی فراهم نشده باشد؛ یا

ب) مرجع نخستین از فراخواندن طرفین دعوا به دادگاه جهت تبیین یا تکمیل امور موضوعی‌ای که مطابق بند (۱) ماده ۲۴ و بند (۳) ماده ۵۳ و در دفاع از ادعاهای متقابل خود به آنها استناد کرده اند، خودداری کرده باشد.

(۲) مرجع تجدیدنظر دلایلی را که طرفین دعوا اقامه می‌کنند، در محدوده ادعاهای مطروحه مورد بررسی قرار می‌دهد مشروط به اینکه:

الف) اقامه دلیل نزد مرجع نخستین امکان پذیر نبوده باشد؛

ب) دلیل نزد مرجع نخستین اقامه شده اما بر خلاف قانون، به آن ترتیب اثر داده نشده یا به جهاتی خارج از اختیار طرفی که به دلیل استناد می‌کند، اقامه دلیل [نزد مرجع نخستین] امکان پذیر نبوده باشد؛ یا

پ) دلیل اقامه شده مربوط به جهات موضوعی جدیدی باشد که ارائه آنها مطابق بند پیشین مجاز است.

ماده ۱۶۹. دامنه نظارت مرجع تجدیدنظر

(۱) نظارت مرجع تجدیدنظر در محدوده ادعاهای مطروحه و شامل موارد زیر خواهد بود:

الف) جهات حکمی استناد شده در رای مورد اعتراض؛

ب) رعایت مقررات دادرسی در مرحله نخستین، مشروط به اینکه تجدیدنظر خواه، در صورت امکان، فوراً به عدم رعایت مقررات دادرسی نزد مرجع نخستین ایراد کرده باشد؛

پ) ارزیابی دلایل؛ در صورتی که مرجع تجدیدنظر آن را به منظور اجتناب از بی عدالتی آشکار ضروری تشخیص دهد.

(۲) مرجع تجدیدنظر تنها در صورتی رای مرجع نخستین را به دلیل عدم رعایت مقررات دادرسی نقض می‌کند که در رای صادره موثر بوده یا نقض مقررات دادرسی چنان آشکار باشد که اثبات آن ضروری نباشد.

ماده ۱۷۰. تصمیمات مرجع تجدیدنظر

(۱) مرجع تجدیدنظر، علی‌الاصول، راسا در ماهیت دعوا رای صادر می‌کند.

(۲) مرجع تجدیدنظر در صورتی می‌تواند پرونده را به مرجع نخستین ارجاع کند که این امر برای حل و فصل دعوا ضروری باشد.

(۳) در صورت توافق طرفین، مرجع تجدیدنظر باید راسا در ماهیت دعوا رای صادر کند.

ماده ۱۷۱. مندرجات رأی تجدیدنظر

در صورت تایید رای توسط مرجع تجدیدنظر، این مرجع می‌تواند جهات حکمی و موضوعی رای نخستین را عیناً تایید یا با استناد به جهات دیگر رای صادر نماید. در صورت اخیر، جهات حکمی و موضوعی رای نخستین که با جهات رای تجدیدنظر مغایر نیستند، تایید شده محسوب می‌شوند.

فصل چهارم - فرجام نهایی

ماده ۱۷۲. جهات فرجام خواهی

- (۱) فرجام خواهی نسبت به رای مورد اعتراض در صورتی پذیرفته می شود که این شیوه شکایت از رای مطابق جهات زیر ضروری باشد :
- الف) اعمال ضمانت اجرا نسبت به نقض حقوق بنیادین،
- ب) تضمین وحدت حقوق،
- پ) حل و فصل مسئله مهم حکمی، یا
- ت) توسعه حقوق.
- (۲) مرجع رسیدگی فرجامی درباره مطابقت درخواست فرجامی با شرایط مذکور در بند پیشین راسا اتخاذ تصمیم می کند.

ماده ۱۷۳. دامنه فرجام خواهی

- (۱) فرجام خواهی ممکن است نسبت به تمام یا بخشی از رای مورد اعتراض اعمال شود.
- (۲) جهات نقض صرفا نسبت به ادعاهای متقابل طرفین که نزد مرجع قضایی صادر کننده رای موضوع فرجام اقامه شده است، مطرح می شود.

ماده ۱۷۴. دامنه رسیدگی مرجع رسیدگی فرجامی

- (۱) در صورت پذیرفته شدن جهات فرجام خواهی، رسیدگی مرجع عالی در محدوده جهات مورد استناد که در دفاع از درخواست فرجامی ارائه شده، ناظر به موارد زیر خواهد بود:

الف) تفسیر و اجرای قانون^۱ در رای مورد اعتراض؛
ب) رعایت مقررات دادرسی، مشروط به اینکه فرجام خواه، فوراً به عدم رعایت مقررات دادرسی نزد مرجع صادر کننده رای موضوع فرجام خواهی اعتراض کرده باشد.
(۲) دیوان عالی تنها در صورتی رای موضوع فرجام خواهی را به دلیل عدم رعایت مقررات دادرسی نقض می کند که در رای صادره موثر بوده یا نقض مقررات دادرسی چنان مشهود باشد که اثبات آن ضروری نباشد.

ماده ۱۷۵. تصمیم دیوان عالی

(۱) دیوان عالی در موارد زیر راساً در ماهیت دعوا اتخاذ تصمیم می کند:
الف) نقض رای موضوع فرجام خواهی مبتنی بر عدم رعایت امور حکمی باشد؛ و
ب) حل و فصل نهایی دعوا برای دیوان امکان پذیر باشد.
(۲) جز در مواردی که در بند پیشین اشاره شد، دیوان عالی پرونده را به مرجع قضایی صادر کننده رای نقض شده ارجاع می دهد. دادگاه مرجوع الیه مکلف است از تصمیم دیوان عالی نسبت به امور حکمی تبعیت کند.

ماده ۱۷۶. مندرجات رای دیوان عالی

دیوان عالی جز در مواردی که به دلایل موجه مذکور در رای مرجع تجدیدنظر یا رای نخستین ارجاع می دهد، در رای صادره به جهات و دلایل ویژه مبنای تصمیم خود اشاره می کند.

ماده ۱۷۷. فرجام خواهی مستقیم

(۱) می توان با انصراف از تجدیدنظرخواهی، به طور مستقیم نزد دیوان عالی فرجام خواهی کرد.
(۲) دیوان عالی در صورتی فرجام خواهی را تجویز خواهد کرد که :
الف) فرجام خواه با تقدیم درخواست مستدل در مهلت تجدیدنظر، تجویز فرجام خواهی را تقاضا کرده باشد،
ب) درخواست فرجام خواه منطبق با شرایط مذکور در ماده ۱۵۸ باشد، و
پ) شرایط مذکور در بند (۱) ماده ۱۷۲ محقق شده باشد.
(۳) اعتراض موضوع این ماده فرجام خواهی نهایی محسوب و مشمول مقررات حاکم بر آن خواهد بود.

۱. قانون به معنای عام؛ حقوق یا امور حکمی.

فصل پنجم - سایر شیوه‌های شکایت از رای

ماده ۱۷۸. اعتراض فوری به عدم رعایت مقررات دادرسی

(۱) هرگاه یکی از طرفین یا شخص ثالثی که از تصمیم اتخاذ شده در مرحله تحقیقات متأثر شده بلافاصله به عدم رعایت مقررات دادرسی توسط مرجع قضایی یا طرف دعوا اعتراض نکند، اعتراض وی دیگر پذیرفته نخواهد شد.

(۲) در صورتی که معترض در زمان مناسب و مطابق با شرایط مذکور در ماده ۴۷ [به عدم رعایت مقررات دادرسی] اعتراض کرده باشد یا چنانچه قاعده آیینی نقض شده از جمله قواعدی نباشد که طرفین بتوانند از اجرای آن صرف نظر کنند، بند پیشین اعمال نخواهد شد. مقررات این بند نسبت به اشخاص ثالث نیز مجرا خواهد بود.

(۳) در صورت اعتراض به عدم رعایت مقررات دادرسی، مرجع قضایی می‌تواند پس از استماع اظهارات طرفین، رای به رد اعتراض، ابطال یا تصحیح تصمیم مورد اعتراض صادر کند. مواد ۴۹ و ۵۰ در این زمینه اعمال خواهد شد.

ماده ۱۷۹. اعتراض فوری به تصمیم مرجع قضایی در خصوص اعتراض به تصمیم آیینی

(۱) به استثنای موارد مغایری که در بند بعدی پیش‌بینی شده است، تصمیمی که پیرو اعتراض به عدم رعایت مقررات دادرسی اتخاذ می‌شود، مستقل از رای که در ماهیت دعوا صادر می‌شود، قابل اعتراض فوری نیست.

- (۲) علاوه بر مواردی که در مقررات ویژه پیش‌بینی شده است، اعتراض فوری در موارد زیر پذیرفته می‌شود:
- الف) تصمیمات مربوط به توقف رسیدگی؛
 - ب) تصمیمات متضمن ارسال پرونده به مرجع قضایی دیگر؛
 - پ) تصمیمات مربوط به سپردن تامین برای هزینه‌های دادرسی؛
 - ت) تصمیماتی که متضمن اخراج یکی از طرفین دعوا از جلسه رسیدگی یا دستور پرداخت جریمه نقدی مدنی است؛
 - ث) تصمیماتی که متضمن عدم پذیرش درخواست ردّ دادرسی یا رد کارشناس رسمی دادگستری است.
- (۳) اعتراض ظرف مدت دو هفته از تاریخ ابلاغ تصمیم، به مرجع قضایی صالح تقدیم می‌شود.

ماده ۱۸۰. اعتراض به تصمیمات آیینی مرتبط با اشخاص ثالث

- (۱) هرگاه تصمیم آیینی مرجع قضایی به طور مستقیم به حقوق شخص ثالث خللی وارد کند، شخص ثالث حق دارد به این تصمیم اعتراض کند.
- (۲) این اعتراض با رعایت شرایط مذکور در بند (۳) ماده ۱۷۹ اعمال می‌شود.

فصل ششم - طریق شکایت فوق العاده اعاده دادرسی

ماده ۱۸۱. دامنه اعاده دادرسی

(۱) اعاده دادرسی موجب رسیدگی دوباره به دعوایی است که با صدور حکم قطعی در مرحله نخستین، تجدیدنظر یا فرجام خاتمه یافته و از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار است.

(۲) اگر اعاده دادرسی وارد تشخیص داده شود، از حکم صادره عدول خواهد شد. در این صورت، دادگاه تصمیمات مقتضی برای رسیدگی به دعوا را اتخاذ خواهد کرد.

ماده ۱۸۲. جهات اعاده دادرسی

(۱) طریق شکایت فوق العاده اعاده دادرسی از رای تنها در صورت وجود جهات زیر امکان پذیر است :

الف) مقررات قانونی مربوط به تشکیلات دادگاه رعایت نشده باشد؛

ب) حق شنیده شدن یکی از طرفین دعوا به طور فاحش نقض شده باشد؛

پ) رای بر مبنای تقلب و تهدید به دست آمده باشد؛

ت) پس از صدور رای دلایل متقنی کشف یا به دست آمده باشد که پیش از آن به دلیل

قوه قهریه یا به دلایلی مستند به طرفی که رای به نفع او صادر شده، در دسترس نبوده اند؛

ث) دیوان اروپایی حقوق بشر رای صادر شده در فرآیند دادرسی ملی را مغایر با حقوق

تضمین شده در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین یا

پروتکل‌های الحاقی به این کنوانسیون اعلام کرده باشد؛ مشروط به اینکه پیامدهای نقض

کنوانسیون، به دلیل ماهیت یا شدت نقض آن، به گونه‌ای باشد که صرفاً با اعاده دادرسی بتوان به آنها پایان داد. با این وجود، اعاده دادرسی به هیچ وجه به حقوق مکتسب اشخاص ثالث با حسن نیت خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

(۲) در موارد مذکور در بندهای (الف)، (ب) و (پ) پاراگراف پیشین، اعاده دادرسی فقط در صورتی پذیرفته می‌شود که درخواست کننده اعاده دادرسی، بدون هیچ گونه تقصیری، نتوانسته باشد پیش از قطعی شدن رای، به جهت مورد نظر استناد کند.

ماده ۱۸۳. مهلت اعاده دادرسی و استرداد درخواست اعاده دادرسی

- (۱) مهلت تقدیم درخواست طریق شکایت فوق العاده اعاده دادرسی سه ماه می‌باشد. ابتدای مهلت از تاریخ اطلاع طرف دعوا از جهت اعاده دادرسی محاسبه می‌شود.
- (۲) چنانچه ده سال از تاریخ قطعی شدن رای سپری شده باشد، اعاده دادرسی به هیچ عنوان پذیرفته نخواهد شد.
- (۳) در هر مقطع از دادرسی می‌توان درخواست اعاده دادرسی را مسترد نمود.

بخش دهم
اقدامات موقتی و تأمینی

فصل یکم - بخش کلیات

ماده ۱۸۴. اقدامات موقتی و تأمینی

(۱) هر تصمیم موقتی که یک یا چند کارکرد زیر را دارا باشد، اقدام تأمینی و موقتی محسوب می‌شود:

الف) تضمین یا تسهیل اجرای تصمیمات نهایی که در ماهیت دعوا صادر می‌شود؛ صرف نظر از اینکه تعهد موضوع خواسته پولی یا غیر پولی باشد، مانند توقیف اموال و تحصیل یا حفظ اطلاعات مرتبط با بدهکار و اموال او؛ یا

ب) تمهید زمینه صدور رای کامل و مطلوب نسبت به دعوا، مانند تامین دلایل مربوط به دعوا با هدف صدور رای در ماهیت یا جلوگیری از از بین رفتن یا پنهان کردن دلایل؛
پ) نگاهداری و حفظ ارزش کالاها یا سایر اموال موضوع دعوای مطروحه یا دعوایی که در آینده در ماهیت اقامه خواهد شد؛

ت) جلوگیری از ورود زیان فوری یا آتی یا حل و فصل موضوعات مورد اختلاف تا زمان صدور رای در ماهیت.

(۲) اقدام موقتی و تأمینی باید با هدف مورد نظر تناسب داشته باشد.

ماده ۱۸۵. اصل تناسب

(۱) اقدام موقتی و تأمینی موضوع دستور دادگاه باید به گونه‌ای باشد که با در نظر گرفتن هدف مورد نظر، کمترین پیامد ممکن را به خواننده تحمیل کند.

(۲) نظارت بر وجود تناسب بین پیامدهای اقدام تأمینی و موقتی و منافعی که حمایت از آنها ضروری است، به عهده دادگاه است.

ماده ۱۸۶. رسیدگی غیر تقابلی

(۱) دادگاه در صورتی می‌تواند دستور اقدام تأمینی و موقتی را در غیاب طرف دعوا صادر کند که رسیدگی تقابلی، بر اساس اوضاع و احوال حاکم بر دعوا، حمایت موثر از منافع متقاضی را با دشواری مواجه نماید.

(۲) هرگاه دادگاه دستوری را در غیاب طرف دعوا صادر کند، خواننده در نزدیک‌ترین زمان ممکن از فرصت دفاع در تاریخی که در دستور تعیین می‌شود، برخوردار خواهد شد. دستور صادر شده و جهات موضوعی و حکمی که برای دفاع از درخواست نزد دادگاه مورد استناد قرار گرفته است، در اولین فرصت به خواننده ابلاغ می‌شود.

(۳) متقاضی دستور، کلیه جهات موضوعی و حکمی مربوط به دعوا را جهت صدور تصمیم قضایی به دادگاه تقدیم می‌کند تا امکان بررسی صدور دستور اقدام درخواستی و در صورت لزوم، نوع اقدام فراهم شود.

(۴) دادگاه در کمترین زمان ممکن، نسبت به اعتراضات مربوط به دستور اقدام تأمینی و موقتی یا نوع اقدام، تصمیم‌گیری می‌کند.

ماده ۱۸۷. تامین - تضمینات

(۱) هرگاه دادگاه دستور اقدام تأمینی و موقتی را صادر یا با تداوم اجرای آن موافقت کند، خواننده می‌تواند با سپردن تامین، از اقدام تأمینی و موقتی رفع اثر کند.

(۲) در صورتی که اوضاع و احوال ایجاب نماید، صدور یا حفظ دستور اقدام تأمینی و موقتی ممکن است به سپردن تامین متناسب توسط خواهان منوط شود.

(۳) دادگاه نمی‌تواند صرفاً به این دلیل که خواهان یا خواننده اتباع دولت متبوع مرجع رسیدگی‌کننده یا مقیم کشور مقرر دادگاه نمی‌باشند، آنها را ملزم به سپردن تامین کند.

ماده ۱۸۸. اقامه دعوا در ماهیت

(۱) هرگاه خواهان پیش از اقامه دعوا در ماهیت، تقاضای صدور دستور اقدام تأمینی و موقتی کرده باشد، دعوا باید پیش از تاریخی که دادگاه تعیین می‌کند، اقامه شود. متقاضی باید در مدت دو هفته از تاریخ صدور دستور اقدام تأمینی و موقتی، اقدام به اقامه دعوا در

ماهیت کند، مشروط به اینکه دادگاه تاریخی در این خصوص تعیین نکرده باشد یا در قانون حاکم مقرراتی مغایری وجود نداشته باشد. به درخواست یکی از طرفین، دادگاه می‌تواند مدت پیش گفته را تمدید کند.

(۲) چنانچه دعوای اصلی مطابق بند پیشین اقامه نشده باشد، دستور اقدام تأمینی و موقتی بلا اثر خواهد شد، مگر اینکه دادگاه به نحو دیگری اتخاذ تصمیم کند.

ماده ۱۸۹. بازنگری در دستور و شیوه‌های اعتراض به آن

(۱) دادگاه می‌تواند دستور اقدام تأمینی و موقتی را اصلاح یا اجرای آن را متوقف یا در صورتی که تغییر در اوضاع و احوال ایجاب نماید، از آن رفع اثر کند.

(۲) تصمیمات مربوط به صدور، رد درخواست، اصلاح، توقف اجرای اقدامات تأمینی و موقتی یا دستور رفع اثر از آنها قابل اعتراض می‌باشد. بند (۳) ماده ۱۷۹ در این باره اعمال می‌شود.

ماده ۱۹۰. مسئولیت متقاضی دستور

(۱) هرگاه دستور اقدام تأمینی یا موقتی لغو یا دعوای خواهان در ماهیت رد شود، دستور صادر شده بلا اثر خواهد شد و خواهان ملزم است منافع از دست رفته یا خسارتی را که از دستور تأمینی و موقتی به خوانده وارد شده است جبران کند.

(۲) متقاضی دستور ملزم است کلیه خسارات و هزینه‌هایی را که اشخاص ثالث در اجرای دستور تأمینی و موقتی متحمل شده‌اند، جبران کند.

ماده ۱۹۱. ضمانت اجرا

جز در مواردی که دستور اقدام تأمینی و موقتی متضمن پرداخت وجه می‌باشد، دادگاه در صورت لزوم و در فرض عدم رعایت دستور اقدام تأمینی و موقتی، می‌تواند دستور اعمال یکی از ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در ماده ۲۷ را صادر کند.

فصل دوم- بخش ویژه

بند یکم- توقیف اموال

ماده ۱۹۲. اقدامات مختلف به منظور توقیف اموال

دادگاه می‌تواند به درخواست یکی از طرفین با هدف حمایت از حق، یکی از تصمیم‌های زیر را اتخاذ کند:

الف) دستور توقیف اموال خوانده؛

ب) ممنوع کردن موقت خوانده از تصرف در اموال خود یا انعقاد هر نوع عمل حقوقی به منظور انتفاع از اموال، یا

پ) دستور سپردن اموال خوانده به شخص ثالث به منظور نگاهداری.

ماده ۱۹۳. شرایط صدور دستور توقیف اموال

طرف دعوایی که دستور اقدام تأمینی و موقتی را مطابق ماده ۱۹۲ درخواست می‌کند، باید اثبات کند که:

الف) در برنده شدن در ماهیت دعوا شانس جدی دارد، و

ب) در صورت صادر نشدن دستور اقدام تأمینی، این احتمال وجود دارد که اجرای تصمیم قطعی علیه خوانده ناممکن یا بسیار دشوار شود.

ماده ۱۹۴. محدودیت‌های صدور دستور توقیف اموال

با صدور دستور توقیف اموال، خوانده نباید از تامین هزینه‌های زیر محروم شود مشروط به اینکه مبلغ آنها معقول باشد:

الف) هزینه‌های معمول زندگی،

ب) هزینه‌های شغلی مشروع،

پ) حقوق مشاوران و نمایندگان حقوقی که حضور آنها برای دفاع از دعوا، درخواست اصلاح یا رفع اثر از تصمیمات مطابق بند (۴) ماده ۱۸۶ و ماده ۱۸۹ ضروری است.

ماده ۱۹۵. ابلاغ دستور توقیف اموال به خواننده و پیامدهای آن

(۱) دستور اقدام تأمینی بلافاصله پس از صدور، مطابق ماده ۱۹۲، به خواننده و اشخاص ثالثی که مخاطب دستور هستند، ابلاغ می‌شود. در صورتی که اجرای دستور ایجاب نماید، دستور اقدام تأمینی ممکن است پیش از ابلاغ به خواننده، به اشخاص ثالث ابلاغ شود.

(۲) متقاضی اقدام تأمینی می‌تواند پیش از دریافت ابلاغ توسط خواننده، شخص ثالث را از دستور صادر شده مطلع نماید.

(۳) خواننده یا هر شخص ثالثی که بر اساس ماده ۱۹۲ مخاطب دستور اقدام تأمینی است، به محض دریافت ابلاغ ملزم به اجرای دستور می‌باشد. در صورت نقض دستور، ضمانت اجراهای مذکور در ماده ۱۹۱ بدون هرگونه محدودیت اعمال می‌شود.

بند دوم- دستور حل و فصل موقت اختلاف

ماده ۱۹۶. دستور الزام به انجام یا عدم انجام امری

دادگاه می‌تواند در تصمیمی که به نفع متقاضی اتخاذ می‌کند، رابطه بین طرفین در تعهدات غیرپولی را به طور موقت حل و فصل و مطابق شیوه‌هایی که در تصمیم خود تعیین می‌نماید، خواننده را به انجام یا عدم انجام امری ملزم کند.

ماده ۱۹۷. شرایط صدور دستور حل و فصل موقت اختلاف

هر یک از طرفین که متقاضی صدور دستور اقدام تأمینی و موقتی مطابق ماده ۱۹۶ می‌باشد، باید موارد زیر را اثبات کند:

الف) از شانس جدی برای پیروزی در ماهیت دعوا برخوردار است؛ یا

ب) هرچند در صورت رد شدن دعوا در ماهیت، به احتمال قوی نمی‌توان زیانی را که به خواننده به دلیل نقض حقوق وی وارد شده، به نحو متناسبی جبران کرد، اما صدور رای در ماهیت به نفع خواهان محتمل به نظر می‌رسد؛ و

پ) صدور دستور اقدام تأمینی برای حل و فصل موقت موضوعات ماهوی مورد اختلاف، تا زمان صدور رای در ماهیت دعوا ضروری است.

بند سوم- تامین دلایل

ماده ۱۹۸. دستور تامین دلیل

(۱) به درخواست یکی از طرفین دعوا، دادگاه می‌تواند دلایل اثباتی را با صدور دستورهای موقت به شرح زیر، تامین کند:

الف) استماع اظهارات گواه توسط دادگاه یا توسط شخصی که دادگاه تعیین می‌کند؛

ب) ملزم کردن طرفین دعوا به حفظ یا نگاهداری دلایل یا سپردن آنها به شخص ثالث بیطرف؛

پ) تعیین کارشناس به منظور ارائه نظریه کارشناسی.

(۲) در صورت لزوم، دسترسی به دلایل نیز ممکن است در دستور تامین دلیل مجاز اعلام شود. در این صورت، این دسترسی ممکن است به رعایت شرایطی که دادگاه تعیین می‌کند، منوط گردد.

ماده ۱۹۹. شرایط صدور دستور تامین دلیل

متقاضی دستور تامین دلیل باید اثبات کند که:

الف) در صورت صادر نشدن دستور تامین دلیل، امکان دسترسی به دلایل لازم برای رسیدگی به ماهیت دعوا را به طور جدی از دست خواهد داد؛ و

ب) هرگاه دستور تامین دلیل متضمن دسترسی به اموال یکی از طرفین یا شخص ثالث باشد، مشارالیه دلایل آشکار و جدی برای اثبات دعوای فعلی یا دعوایی که در آینده اقامه خواهد شد، در اختیار دارد.

بند چهارم- پرداخت وجه به طور موقت

ماده ۲۰۰. دستور پرداخت وجه به طور موقت

دادگاه می‌تواند در دعوای مطالبه دین، با در نظر گرفتن نتیجه دعوا و احتمال پذیرش آن، دستور پرداخت موقت تمام یا بخشی از طلب را به خواهان صادر کند.

ماده ۲۰۱. شرایط پرداخت وجه به طور موقت

(۱) متقاضی دستور موضوع ماده ۲۰۰ باید اثبات کند:

الف) خوانده تعهد خود مبنی بر پرداخت وجه نقد به متقاضی را در دادرسی راجع به اصل دعوا پذیرفته است یا اینکه در این زمینه رایی به نفع متقاضی صادر شده یا احتمال صدور رای به نفع متقاضی، حداقل به میزان مبلغ درخواستی در اصل دعوا وجود دارد؛ و

ب) پرداخت فوری وجه توسط خوانده ضروری باشد.
(۲) به هنگام بررسی درخواست پرداخت وجه، دادگاه تمامی اوضاع و احوال حاکم بر دعوا از جمله پیامدهای سنگین احتمالی یا واقعی را که ممکن است به دلیل قبول یا رد درخواست به متقاضی یا خوانده وارد شود مد نظر قرار می‌دهد.
(۳) موافقت با پرداخت وجه بدون فراخواندن یا شنیدن اظهارات خوانده امکان پذیر نیست.

(۴) چنانچه در رأیی که در نتیجه دادرسی راجع به اصل دعوا صادر می‌شود، مبلغی کمتر از وجه پرداخت شده تایید شود، مابه التفاوت باید مسترد شود.
(۵) پرداخت وجه، علی‌الاصول، منوط به سپردن تضمین است. چنانچه موجه بودن دعوی متقاضی آشکار باشد و الزام به سپردن تأمین، هدف کاهش مشکلات اقتصادی تحمیل شده به خواهان را که حداقل بخشی از آنها از تاخیر خوانده در پرداخت ناشی شده، خدشه دار کند، دادگاه می‌تواند دستور پرداخت وجه را بدون سپردن تضمین یا با سپردن تضمین کمتر صادر کند.

فصل سوم - موقعیت‌های فراملی

ماده ۲۰۲. صلاحیت بین‌المللی

(۱) در قلمرو مقررات اتحادیه اروپا یا کنوانسیون‌های بین‌المللی، صلاحیت بین‌المللی مرجع قضایی نسبت به اقدامات تأمینی و موقتی مشمول مقررات و کنوانسیون‌های پیش گفته خواهد بود.

(۲) در هر حال، مرجع قضایی صالح برای رسیدگی به ماهیت دعوا، صلاحیت تصمیم‌گیری نسبت به اقدامات تأمینی و موقتی را خواهد داشت.

(۳) علاوه بر اعمال قواعد اتحادیه اروپا و کنوانسیون‌های بین‌المللی حاکم، هر مرجع قضایی دیگر [به جز مرجع قضایی صالح برای رسیدگی به ماهیت دعوا] نیز می‌تواند با هدف حمایت از منافع که در صلاحیت جغرافیایی آن مرجع قرار دارد یا به دلیل وجود ارتباط جدی بین موضوع دعوا و صلاحیت جغرافیایی آن مرجع یا جهت تضمین رسیدگی به اصل دعوای مطروحه در کشور دیگر، دستور اقدامات تأمینی و موقتی را صادر نمایند.

ماده ۲۰۳. شناسایی و اجرا

(۱) در قلمرو مقررات اتحادیه اروپا یا کنوانسیون‌های بین‌المللی، شناسایی و اجرای اقدامات تأمینی و موقتی در سایر دولت‌های عضو یا متعاهد مشمول مقررات و کنوانسیون‌های مذکور خواهد بود.

(۲) در صورت عدم پیش‌بینی در مقررات اتحادیه اروپا یا کنوانسیون بین‌المللی، اقدامات تأمینی و موقتی مطابق قانون ملی شناسایی و اجرا می‌شوند.

بخش دهم- اقدامات موقتی و تأمینی ■ ۱۷۷

(۳) مراجع قضایی، به درخواست طرفین، اقدامات تأمینی و موقتی صادر شده در کشور دیگر را مد نظر قرار می‌دهند و در صورت لزوم، با رعایت این قواعد و به منظور کارآمدی این اقدامات، با یکدیگر همکاری می‌کنند.

بخش یازدهم
دعاوی جمعی

فصل یکم - دستور مبتنی بر نفع جمعی

ماده ۲۰۴. قلمرو اعمال

- (۱) مقررات این فصل بر تصمیماتی اعمال می‌شود که دادگاه در راستای نفع جمعی، دستور توقف هر امر نامشروعی را خطاب به هر شخصی صادر می‌کند.
- (۲) دستورهای مبتنی بر نفع جمعی، نمی‌تواند به شکل اقدامی موقتی به مفهومی که در بخش دهم این قواعد پیش‌بینی شده، صادر شود.

ماده ۲۰۵. سمت متقاضی دستور مبتنی بر نفع جمعی

- (۱) هر نهادی که مطابق حقوق ملی مجاز به اقامه دعوا مبتنی بر نفع جمعی باشد، می‌تواند صدور دستور توقف امر نامشروع را از دادگاه درخواست کند.
- (۲) دادگاه در صورت لزوم می‌تواند دستور اقدامات تکمیلی مانند انتشار تصمیم به منظور پایان بخشیدن به آثار موجود ناشی از امر نامشروع را صادر کند.

ماده ۲۰۶. اثر دستور مبتنی بر نفع جمعی

- خواننده ملزم است در رسیدگی‌های آتی، دستوری را که بر اساس نفع جمعی صادر می‌شود، رعایت کند.
- دستوری که بر اساس نفع جمعی صادر می‌شود، در رسیدگی‌های آتی به خواننده تکمیل خواهد شد.

فصل دوم- دعوای گروهی جبران خسارت

بند یکم- مقررات کلی

ماده ۲۰۷. تعریف

دعوای گروهی جبران خسارت دعوایی است که خواهان واجد صلاحیت از طرف گروهی از اشخاص اقامه می کند به گونه ای که اعضای آن گروه متحمل خسارت مشترکی که سبب آن تخلفی با ماهیت یکسان است، شده اند. این اشخاص، در دعوا حضور ندارند.

ماده ۲۰۸. خواهان صلاحیت دار برای اقامه دعوای گروهی جبران خسارت

اشخاص زیر برای اقامه دعوای گروهی جبران خسارت واجد صلاحیت محسوب می شوند:

- الف) هر سازمانی که مطابق حقوق ملی برای این منظور واجد صلاحیت است و موضوع فعالیت آن، رابطه ای مستقیم با فعل زیانبار دارد؛
- ب) هر تشکلی که با هدف درخواست جبران خسارت وارد شده به اعضای گروه تشکیل شده و شرایط پیش بینی شده در ماده ۲۰۹ را دارا باشد؛ یا
- پ) هر یک از اعضای گروه که شرایط پیش بینی شده در بندهای (الف) تا (ت) ماده ۲۰۹ را دارا باشد.

ماده ۲۰۹. الزامات مرتبط با خواهان واجد صلاحیت

شخص یا تشکلی که دارای شرایط زیر باشد، برای اقامه دعوا واجد سمت محسوب می شود:

- الف) فقدان تعارض منافع با یکی از اعضای گروه؛
- ب) داشتن توانایی کافی در طرح دعاوی گروهی جبران خسارت. برای بررسی دارا بودن این شرط، دادگاه، دلایل خواهان به ویژه دلایل اقتصادی و انسانی را مد نظر قرار می‌دهد. دادگاه در صورت لزوم می‌تواند برای جبران هزینه‌های دادرسی موضوع ماده ۲۴۳ تضمین اخذ نماید.
- پ) اقامه دعوا در دادگستری با نمایندگی وکیل؛ و
- ت) اشتغال نداشتن به حرفه وکالت یا سایر مشاغل حقوقی.

ماده ۲۱۰. شرایط مرتبط با درخواست جبران خسارت گروهی

- (۱) در درخواست جبران خسارت گروهی به اطلاعات مرتبط و موجود نسبت به موارد زیر اشاره می‌شود:
- الف) حادثه مبنای زیان [فعل زیانبار]؛
- ب) گروه؛
- پ) رابطه سببیت بین حادثه مبنای زیان و خسارت وارد شده به اعضای گروه؛
- ت) یکسان بودن درخواست‌های اعضای گروه از نظر موضوعی و حکمی؛
- ث) خسارات و منافع درخواستی یا سایر شیوه‌های جبران خسارت مورد نظر؛
- ج) دلایل، به ویژه دلایل اقتصادی خواهان برای اداره دادرسی راجع به جبران خسارت گروهی؛
- چ) تلاش قبلی خواهان برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف.
- (۲) پیش از اقامه دعاوی جبران خسارت گروهی، دادگاه می‌تواند به درخواست خواهان واجد صلاحیت، خوانده را از انجام هر عملی که با فعل زیانبار مرتبط باشد، منع کند.

ماده ۲۱۱. ثبت دعاوی گروهی جبران خسارت

- (۱) پس از دریافت درخواست خواهان واجد صلاحیت، مرجع قضایی درخواست را در دفتر رسمی الکترونیکی ثبت می‌کند.
- (۲) به محض ثبت درخواست، سایر مراجع قضایی مکلف‌اند درخواست‌هایی را که با موضوع یکسان علیه همان خواندگان اقامه شده‌اند به دلیل غیرقابل پذیرش بودن، رد کنند.

بند دوم- پذیرش دعوای گروهی ماده ۲۱۲. شرایط پذیرش

- (۱) دادگاه دعوای گروهی را قابل پذیرش اعلام می‌کند، چنانچه:
- الف) دعوای گروهی، اختلاف را به نحو موثرتری در مقایسه با رسیدگی توأمان به دعاوی فردی اعضای گروه، حل و فصل می‌نماید؛
- ب) کلیه درخواست‌های تقدیمی در چارچوب دعوای گروهی از فعل زیانبار یکسان یا مجموعه‌ای از افعال مرتبط ناشی شده و منجر به ورود خسارتی از نوع یکسان به اعضای گروه شده باشد.
- پ) یکسان بودن درخواست‌های اعضای گروه از نظر موضوعی و حکمی؛ و
- ت) به استثنای موارد فوری، خواهان واجد صلاحیت حداقل سه ماه به خوانده فرصت داده باشد تا در خصوص پیشنهاد توافق دوستانه اعلام نظر کند.
- (۲) نسبت به درخواستی که با هدف جبران خسارت گروهی تقدیم شده است، دادگاه می‌تواند رسیدگی به دعوای فردی با موضوع یکسان را به عنوان دعوای گروهی ادامه دهد.

ماده ۲۱۳. رای به قبول درخواست رسیدگی

- (۱) در رایی که رسیدگی به دعوای گروهی را مطابق ماده ۲۱۲ وارد اعلام می‌کند، به موارد زیر اشاره می‌شود:
- الف) نام، نشانی و سایر مشخصات ضروری مرتبط با خواهان صلاحیت دار؛
- ب) شرح اجمالی فعل زیانبار مبنای دعوای گروهی؛
- پ) اسامی و مشخصات کلیه اشخاصی که به عنوان زیان دیده از آنها نام برده شده است. مشخصات مذکور باید به اندازه کافی تبیین شود تا هر شخصی که به نحو پیش گفته متضرر شده، بتواند عضویت یا عدم عضویت خود را در گروه تشخیص دهد؛
- ت) نوع دعوای گروهی که مطابق ماده ۲۱۵ انتخاب شده است.
- (۲) پیش از صدور رای در خصوص قبول درخواست رسیدگی، دادگاه دستور انتشار پیش‌نویس رای را صادر و در آن مهلتی را تعیین می‌کند تا هر خواهان واجد صلاحیت احتمالی به شرح مذکور در ماده ۲۰۷ بتواند درخواست خود را تقدیم کند.
- (۳) بر اساس شاخص‌های اعلامی به ویژه شاخص‌های مذکور در ماده ۲۰۹، دادگاه در خصوص خواهان‌های صلاحیت دار احتمالی و اینکه کدام یک واجد صلاحیت است، اتخاذ تصمیم می‌کند.

چنانچه دادگاه چندین شخص را واجد صلاحیت تشخیص دهد، این اشخاص به اتفاق اقدام می نمایند.

(۴) رای متضمن قبول درخواست رسیدگی به منظور اطلاع زیان دیدگان احتمالی منتشر می شود. در این آگهی، ضمن تبیین شیوه پیوستن به دعاوی گروهی، از کلیه زیان دیدگان احتمالی دعوت می شود تا برای پیوستن به دعاوی گروهی اقدام کنند.

(۵) رایی که درباره قبول درخواست رسیدگی به دعاوی گروهی صادر می شود، توسط خواهان واجد صلاحیت و خوانده قابل تجدید نظر است.

ماده ۲۱۴. تکلیف خواهان واجد صلاحیت

خواهان واجد صلاحیت همواره در راستای منافع مجموع گروه یا، در صورت لزوم، منافع زیرگروه اقدام می کند.

ماده ۲۱۵. انواع دعاوی گروهی جبران خسارت

(۱) جز در موردی که دادگاه آیین رسیدگی پیش بینی شده در بند بعدی را اعمال می کند، دعاوی گروهی مشمول نظام حقوقی الحاق به دعاوی گروهی خواهد بود.

(۲) دادگاه در صورت تشخیص موارد زیر، می تواند دستور دهد که دعوا شامل همه اعضای گروه که انصراف خود را مطابق بند (۳) اعلام نکرده اند، شود:

الف) اعضای گروه به دلیل ناچیز بودن مبلغ درخواستی، نفع کافی برای تقدیم ادعاهای خود در چارچوب دعاوی فردی نداشته اند؛ و

ب) احتمال ملحق نشدن تعداد قابل توجهی از اعضای گروه به دعاوی گروهی وجود داشته باشد.

(۳) دادگاه هنگام اتخاذ تصمیم بر مبنای بند (۲)، مهلتی نیز جهت اعلام اراده اعضای گروه در خصوص خروج از دعاوی گروهی تعیین می نماید. در موارد استثنایی، دادگاه می تواند پس از انقضای مهلت نیز خروج اعضای گروه از دعاوی گروهی را مجاز اعلام کند.

(۴) دادگاه شیوه اعلام اراده پیش بینی شده در بند پیشین و مخاطب آن را تعیین می کند.

ماده ۲۱۶. نظام حقوقی الحاق به دعاوی گروهی

(۱) مطابق نظام حقوقی الحاق به دعاوی گروهی، چنانچه اعضای گروه خواستار پیوستن به دعاوی گروهی باشند، باید مراتب الحاق خود را بر اساس شیوه ای که توسط دادگاه تعیین می شود، به دادگاه اعلام کنند.

(۲) دادگاه باید از ثبت صحیح اعلام اراده اعضای گروه در دفتر ثبت رسمی که ممکن است در اجرای ماده ۲۲۰ اعلان شود، اطمینان حاصل کند.

ماده ۲۱۷. دعاوی فردی

(۱) اعضای گروه که مطابق ماده ۲۱۶ به دعاوی گروهی ملحق شده‌اند یا مطابق بند (۳) ماده ۲۱۵ از دعاوی گروهی خارج نشده‌اند، نمی‌توانند علیه خواننده دعاوی گروهی، دعاوی فردی با موضوع جبران همان خسارت اقامه کنند.

(۲) در موارد مذکور در بند (۲) ماده ۲۱۵، چنانچه هر یک از اعضای گروه، در مهلت تعیین شده برای خروج از دعاوی گروهی، اقدام به طرح دعاوی فردی علیه خواننده دعاوی گروهی کند، این اقدام او به منزله انصراف از دعاوی گروهی محسوب می‌شود.

(۳) مهلت مرور زمان پیش‌بینی شده در حقوق ملی برای اعمال دعاوی فردی مطالبه خسارتی مشابه با خسارت موضوع دعاوی گروهی، به محض طرح دعاوی گروهی معلق خواهد شد. تعلیق مرور زمان در موارد زیر پایان می‌یابد:

الف) با انصراف کلی از دعاوی گروهی جبران خسارت یا در صورت رد دعاوی گروهی؛ یا

ب) در صورتی که عضو گروه مورد بحث در اجرای بندهای (۲) تا (۴) ماده ۲۱۵، تصمیم به خروج از دعاوی گروهی بگیرد.

(۴) در موردی که بند پیشین اعمال می‌شود، مهلت مرور زمان باقیمانده برای اقامه دعاوی فردی، شش ماه پس از انصراف از دعاوی گروهی یا صدور تصمیم به رد دعاوی یا استرداد دعاوی گروهی جریان می‌یابد.

بند سوم- تحقیق در دعاوی جبران خسارت جمعی

ماده ۲۱۸. اختیارات تحقیق

(۱) در چارچوب دعاوی گروهی جبران خسارت، دادگاه در امر تحقیق از اختیارات ویژه برخوردار است. دادگاه، به ویژه، می‌تواند:

الف) در صورتی که خواهان شرایط پیش‌بینی شده در مواد ۲۰۸ و ۲۰۹ را از دست دهد یا در راستای منافع جمعی اعضای گروه اقدام نکند، او را فاقد صلاحیت اعلام کند؛

ب) با موافقت اعضای گروه، خواهان واجد صلاحیت جدید تعیین کند؛

پ) تعریف گروه را اصلاح کند؛
ت) گروه را به چند زیر گروه تقسیم و با موافقت اعضای گروه، برای هر یک از این زیرگروه ها، خواهان واجد صلاحیت تعیین کند؛
ث) در صورتی که خواهان واجد صلاحیت دیگری وجود نداشته باشد، دعاوی گروهی را از دفتر اوقات رسیدگی خارج یا دستور ادامه رسیدگی به شکل دعاوی فردی را صادر می کند؛
ج) دستور هرگونه اصلاحی را در دفتر ثبت مذکور در بند (۲) ماده ۲۱۶ و ماده ۲۲۰ را صادر کند.
(۲) پیش از اتخاذ تصمیم راجع به تحقیق بر اساس این ماده، دادگاه می تواند اظهارات هر شخصی را که در رسیدن به راه حل دعوا موثر باشد، استماع کند.

ماده ۲۱۹. انتشار

(۱) دادگاه می تواند در چارچوب دعاوی گروهی اقامه شده، دستور انتشار موارد زیر را صادر کند:
الف) تعیین یا برکناری خواهان واجد صلاحیت؛
ب) اصلاح یا تقسیم گروه به زیرگروه؛
پ) پیشنهاد توافق جمعی دوستانه؛
ت) هر تصمیمی که اتخاذ می شود؛
ث) اطلاعات مرتبط با صفحات الکترونیکی پیش بینی شده در ماده ۲۲۰ و
ج) رد دعاوی گروهی یا انصراف از دعاوی گروهی.
(۲) انتشار موارد پیش گفته مطابق روشی خواهد بود که دادگاه آن را برای جلب توجه زیان دیدگان احتمالی موثر تشخیص می دهد. همچنین، این انتشار متضمن مهلت کافی برای زیان دیدگان احتمالی خواهد بود تا بتوانند، در صورت تمایل، در زمان معقول به دعاوی گروهی ملحق شوند.

ماده ۲۲۰. تبادل اطلاعات - سامانه الکترونیکی ایمن

دادگاه دستور ایجاد پلتفرم الکترونیکی ایمن را جهت تضمین حسن اداره دعاوی جبران خسارت جمعی صادر یا ایجاد آن را مجاز اعلام می دارد.

بند چهارم- توافق دوستانه در جریان دادرسی

ماده ۲۲۱. تنفیذ توسط دادگاه

اعضای گروه در صورتی به توافق دوستانه‌ای که به تمام یا بخشی از دعوای گروهی پایان می‌بخشد، ملتزم خواهند بود که دادگاه آن را تنفیذ کند.

ماده ۲۲۲. درخواست تنفیذ توافق دوستانه

(۱) هر یک از طرف‌های توافق می‌تواند تنفیذ آن را برابر ماده ۲۲۱ از دادگاه درخواست کند.

(۲) درخواست تنفیذ شامل موارد زیر خواهد بود:

- الف) معرفی گروهی که اعضای آن ممکن است با توافق ملتزم شوند؛
- ب) نسخه‌ای از متن توافق. این توافق مشتمل بر مبلغ کلی خسارت وارد شده و منافع از دست رفته و نیز معیارهای توزیع مبلغ مزبور بین هر یک از اعضای گروه خواهد بود؛
- پ) روشی که منابع مطابق آن اداره می‌شود و شیوه‌ای که مبالغ دریافتی بر اساس آن بین اعضای گروه توزیع خواهد شد؛ و
- ت) شرح اجمالی جهاتی که نشان دهنده تعادل و تناسب در توافق حاصل شده است.

ماده ۲۲۳. آیین دادرسی تنفیذ توافق دوستانه

(۱) دادگاه می‌تواند پیش از تنفیذ توافق:

- الف) هر دستوری را که لازم می‌داند، به منظور کسب اطلاع در خصوص اینکه آیا توافق انجام شده متعادل و متناسب بوده، صادر نماید.
 - ب) به منظور روشن شدن موضوع، اقدام به تعیین کارشناس کند.
- (۲) دادگاه:

- الف) مطابق ماده ۲۱۹، دستور انتشار توافق پیشنهادی را با این توضیح که در خصوص منصفانه و متعادل بودن توافق هنوز اتخاذ تصمیم نشده است، صادر می‌نماید.
 - ب) مهلتی را جهت ارائه ملاحظات تعیین می‌نماید؛ و
 - پ) ملاحظات دریافتی را با حضور اعضای گروه و طرفین بررسی می‌نماید.
- (۳) دادگاه می‌تواند اطلاعات مرتبط دیگری را که از آنها مطلع می‌شود، مد نظر قرار دهد.

ماده ۲۲۴. تنفیذ توافق دوستانه

دادگاه در موارد زیر توافق را تنفیذ نمی‌کند:

الف) مبلغ خسارات مورد توافق برای گروه یا زیرگروه آشکارا غیرمنصفانه باشد؛

ب) شرایط سایر تعهدات مورد قبول خوانده آشکارا غیرمنصفانه باشد؛

پ) توافق دوستانه آشکارا مغایر نظم عمومی باشد؛ یا

ت) شرایط مربوط به پرداخت هزینه‌های دادرسی به شرح مذکور در توافق پیشنهادی یا سند جداگانه، آشکارا نامتناسب باشد.

ماده ۲۲۵. تنفیذ توافق دوستانه مطابق نظام الحاق به دعاوی گروهی

توافق تنفیذ شده نسبت به آن دسته از اعضای گروه که تا زمان تایید توافق توسط دادگاه به دعاوی گروهی ملحق شده اند، موثر و نافذ خواهد بود.

ماده ۲۲۶. تنفیذ توافق دوستانه در صورت خارج شدن از دعاوی گروهی

توافق تنفیذ شده نسبت به آن دسته از اعضای گروه که تا پیش از تنفیذ توافق توسط دادگاه از دعاوی گروهی خارج نشده اند، موثر و نافذ خواهد بود.

بند پنجم - رای جبران خسارت جمعی

ماده ۲۲۷. اثر رای قطعی

(۱) رای قطعی که در چارچوب دعاوی گروهی صادر می‌شود، نسبت به اشخاص زیر نافذ خواهد بود:

الف) همه طرف‌های دعوا و همه اعضای گروه که به دعاوی گروهی ملحق شده اند؛ یا

ب) همه طرف‌های دعوا و همه اعضای گروه که در کشور مقر مرجع رسیدگی کننده سکونت دارند و در مهلت تعیین شده توسط دادگاه در اجرای بند (۳) ماده ۲۱۵ از دعاوی گروهی خارج نشده‌اند.

(۲) رای قطعی ممکن است به درخواست خواهان واجد صلاحیت به موقع اجرا گذاشته شود. چنانچه خواهان اجرای رای قطعی را در مهلت معقول درخواست نکند، هر یک از اعضای گروه می‌تواند پس از تایید دادگاه، اجرای رای را به جای خواهان درخواست کند.

ماده ۲۲۸. مبلغ خسارات

خسارات موضوع رای قطعی صادره در دعوای گروهی جبران خسارت شامل موارد زیر خواهد بود:

- الف) مبلغ کل خسارات وارد شده به گروه یا زیرگروه. در صورتی که محاسبه دقیق خسارات ناممکن یا بسیار دشوار باشد، دادگاه می‌تواند مبلغ خسارت وارد شده را به صورت تقریبی اعلام کند؛
- ب) معیارهای توزیع مبلغ خسارات بین اعضای گروه و شیوه‌های مدیریت منابع.

بند ششم - توافق دوستانه خارج از آیین رسیدگی به دعوای گروهی

ماده ۲۲۹. سمت برای انعقاد توافق

- (۱) در صورت عدم صدور رای به قبول درخواست رسیدگی به دعوای گروهی جبران خسارت، هر تشکلی که دارای شرایط پیش‌بینی شده برای خواهان در بندهای (الف) و (ب) ماده ۲۰۸ باشد، می‌تواند توافقی دوستانه در راستای منافع گروه منعقد کند.
- (۲) مذاکرات برای رسیدن به توافق با رعایت حسن نیت و در راستای منافع همه اعضای گروه انجام می‌گیرد.

ماده ۲۳۰. درخواست تنفیذ توافق جمعی

- (۱) درخواست تنفیذ توافقی که مطابق ماده ۲۲۹ حاصل شده است، توسط همه طرف‌های توافق به دادگاه تقدیم می‌شود.
- (۲) درخواست تنفیذ توافق متضمن کلیه اطلاعاتی است که در بند (۲) ماده ۲۲۲ اشاره شده است. همچنین در درخواست ذکر می‌شود که آیا توافق مشمول نظام حقوقی الحاق به دعوای گروهی یا خروج از آن است.

ماده ۲۳۱. آیین دادرسی تنفیذ توافق

در مواردی که دادگاه مطابق ماده ۲۳۰ نسبت به درخواست تنفیذ توافق تقدیمی اتخاذ تصمیم می‌کند، مقررات ماده ۲۲۳ را اعمال خواهد کرد.

ماده ۲۳۲. دستور تنفیذ توافق و نظام حقوقی الحاق به دعوای گروهی یا خروج از آن

دادگاه متن توافق را مطابق ماده ۲۲۴ تنفیذ می‌نماید.

الف) چنانچه دادگاه از تنفیذ متن توافق خودداری کند، دلایل امتناع خود را اعلام و متن توافق را به طرفین مسترد می‌نماید.

ب) دادگاه دستور انتشار توافق تنفیذ شده را مطابق بند (۲) ماده ۲۱۹ صادر و درباره شیوه لازم الاجرا بودن توافق نسبت به طرفین بر اساس نظام حقوقی الحاق به دعاوی گروهی یا خارج شدن از آن اعلام نظر می‌نماید. همچنین، دادگاه مهلتی را که کمتر از سه ماه نخواهد بود، تعیین می‌نماید و اعضای گروه باید در مدت مزبور به گروه ملحق یا از آن خارج شوند. دادگاه شیوه الحاق به گروه و خارج شدن از آن را تعیین می‌کند. به همین ترتیب، دادگاه در صورت لزوم، به نحو روشن اعلام می‌نماید که مطابق شرایط توافق، حداقل تعداد معین یا درصدی از اعضای گروه باید توافق را قبول کنند.

پ) دادگاه پس از انقضای مهلت ملحق شدن به گروه یا خارج شدن از آن و در صورت لزوم، با به حد نصاب رسیدن اعضای ملحق شده به گروه، لازم الاجرا بودن اثر توافق را اعلام می‌کند. در غیر این صورت، دادگاه خاتمه رسیدگی به درخواست تنفیذ توافق را بدون حصول به توافق لازم الاجرا اعلام می‌نماید.

ت) توافق تنفیذ شده نسبت به تمام کسانی که، حسب مورد، به گروه ملحق شده یا از آن خارج نشده‌اند، لازم الاجرا خواهد بود.

بند سوم- دعاوی فراملی در اتحادیه اروپا

ماده ۲۳۳. شناسایی خواهان واجد صلاحیت

تصمیمی که به موجب آن، خواهان مطابق قسمت الف بند (۱) ماده ۲۱۳ واجد صلاحیت تشخیص داده می‌شود، بدون هرگونه رسیدگی، توسط مراجع قضایی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا پذیرفته می‌شود.

ماده ۲۳۴. همکاری قضایی

(۱) در صورت فراملی بودن خسارت، اطلاعات ثبت شده برای هر یک از دعاوی گروهی اقامه شده روی درگاه اتحادیه اروپا یا دیگر سامانه‌های مشابه قابل دسترسی خواهد بود.

(۲) مراجع قضایی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به منظور جلوگیری از صدور آرای مغایر نسبت به دعاوی گروهی اقامه شده با یکدیگر همکاری می‌نمایند.

ماده ۲۳۵. سکونت برخی از اعضای گروه خارج از کشور مقر دادگاه رسیدگی کننده

(۱) دادگاه بر این امر نظارت می‌نماید که آن دسته از اعضای گروه که خارج از کشور مقر دادگاه رسیدگی کننده سکونت دارند، مطابق ماده ۲۱۹ از دعوای گروهی مطلع شوند.

(۲) تصمیماتی که مطابق بند (۲) ماده ۲۱۵ اتخاذ می‌شود، نسبت به آن دسته از اعضای گروه که خارج از کشور مقر مرجع رسیدگی کننده سکونت دارند، نافذ نخواهد بود.

(۳) آن دسته از اعضای گروه که خارج از کشور مقر مرجع رسیدگی کننده سکونت دارند می‌توانند، در صورت درخواست، به دعوای گروهی ملحق شوند.

(۴) این ماده نسبت به آیین رسیدگی به توافق جمعی، پیش‌بینی شده در ماده ۲۲۹ تا ۲۳۲، نیز اعمال خواهد شد.

ماده ۲۳۶. تعدد قوانین حاکم

(۱) تعدد قوانین ماهوی قابل اعمال بر حاضران در دعوای گروهی مانعی برای حضور آنها در یک دادرسی نخواهد بود.

(۲) در صورت تعدد قوانین، دادگاه می‌تواند گروه را مطابق قسمت (ت) ذیل بند (۱) ماده ۲۱۸ به چند زیرگروه تقسیم کند.

فصل چهارم- هزینه‌های دادرسی و تامین مالی دعوای گروهی

ماده ۲۳۷. تامین مالی توسط شخص ثالث

(۱) خواهان‌های واجد صلاحیت می‌توانند برای تامین هزینه‌های دادرسی به شخص ثالث مراجعه کنند.

(۲) ماده ۲۴۵ نسبت به هر نوع توافق تامین مالی دادرسی توسط شخص ثالث اعمال خواهد شد. دادگاه می‌تواند خواهان واجد صلاحیت را ملزم نماید تا هرگونه اطلاعات مرتبط با توافق تامین مالی را که در جریان دادرسی مفید است، به دادگاه و طرفین دعوا ارائه کند.

ماده ۲۳۸. هزینه‌های دادرسی

(۱) در صورت شکست در دعوای گروهی، هزینه‌های دادرسی به عهده خواهان واجد صلاحیت خواهد بود.

(۲) چنانچه دعوا وارد اعلام شود، کل مبلغ خسارات پرداختی به خواهان واجد صلاحیت، به عنوان منبع مشترک محسوب می‌شود.

(۳) هزینه‌های دادرسی که خواهان واجد صلاحیت برای اقامه دعوا پرداخت کرده است، پیش از توزیع مبلغ خسارت بین اعضای گروه مطابق ماده ۲۲۸، از محل منبع مشترک به وی مسترد می‌شود. در صورت لزوم، بند (۴) ماده ۲۴۵ اعمال خواهد شد.

بخش دوازدهم
هزینه‌های دادرسی

ماده ۲۳۹. تصمیم دادگاه نسبت به هزینه‌های دادرسی

(۱) جز در مواردی که طرفین به نحو دیگری توافق می‌کنند، دادگاه به موجب رای قاطع یا مطابق تصمیم دیگری که به دادرسی خاتمه می‌دهد، پرداخت کننده هزینه‌های دادرسی به طرف یا طرف‌های دیگر را تعیین می‌نماید. صرفاً هزینه‌های معقول و متناسب می‌تواند موضوع رای قرار گیرد.

(۲) چنانچه طرفین با یکدیگر سازشنامه یا توافقنامه دوستانه دیگری تنظیم کنند، هزینه‌های هر طرف به عهده همان طرف خواهد بود مگر اینکه به نحو دیگری توافق نمایند.

ماده ۲۴۰. ماهیت و مبلغ هزینه‌های دادرسی

(۱) طرفین می‌توانند استرداد هزینه‌های دادرسی را، به ویژه در موارد زیر، درخواست کنند:

الف) هزینه‌های معقول و متناسب ناشی از اقدام نمایندگان آنها؛

ب) هزینه‌های قضایی و سایر هزینه‌ها مانند هزینه‌های کارشناسی رسمی دادگستری، مترجمان و تقریر کنندگان؛

پ) سایر هزینه‌های معقول ناشی از جریان دادرسی مانند هزینه کارشناسان منتخب طرفین، هزینه‌های حمل و نقل و هزینه‌های ابلاغ.

(۲) هزینه‌های دادرسی مذکور در بند پیشین شامل هزینه‌های معقولی که پیش از طرح دعوا و به منظور تمهید مقدمات اقامه دعوا صرف شده نیز می‌شود.

(۳) هزینه‌های معقول و متناسب صرفاً شامل هزینه‌هایی است که با در نظر گرفتن ارزش دعوا، ماهیت و پیچیدگی ادعاها و اهمیت دعوا برای طرفین تعیین می‌شود.

(۴) هرگاه در حقوق ملی نسبت به برخی از هزینه‌ها مانند هزینه‌های قضایی، هزینه نمایندگان حقوقی طرفین، هزینه‌های کارشناسی رسمی دادگستری و ترجمه، تعرفه پیش‌بینی شده باشد، تصمیم دادگاه در خصوص هزینه‌ها باید، در هر حال، با مقررات این بخش مطابقت داشته باشد.

ماده ۲۴۱. مقررات کلی

(۱) دادگاه هنگام اتخاذ تصمیم درباره طرفی که، مطابق ماده ۲۳۹، ملزم به پرداخت هزینه‌های دادرسی است، اوضاع و احوال دعوا به ویژه شرایط مربوط به ادعاهای طرفین را مدنظر قرار می‌دهد.

(۲) دادگاه می‌تواند به رفتار طرفین، به ویژه، حسن نیت آنها در جریان دادرسی و مشارکت آنها در حل و فصل منصفانه، موثر و سریع اختلاف نیز توجه نماید.

ماده ۲۴۲. طرق شکایت

(۱) تصمیمات دادگاه در خصوص هزینه‌ها قابل تجدیدنظر است.

(۲) رسیدگی مرجع تجدیدنظر به اینکه آیا دادگاه [نخستین] اختیارات پیش‌بینی شده در مواد ۲۴۰ و ۲۴۱ را به نحو متناسبی اعمال کرده، محدود خواهد شد.

(۳) تصمیمی که مطابق بند قبلی در مرحله تجدیدنظر صادر می‌شود، قطعی و لازم الاجراست. این تصمیم قابل فرجام نیست.

ماده ۲۴۳. سپردن تضمین برای هزینه‌های دادرسی

(۱) هر یک از طرفین می‌تواند برای تادیه هزینه‌های دادرسی از طرف مقابل تقاضای تضمین متناسب کند.

(۲) دادگاه هنگام اتخاذ تصمیم درباره درخواست سپردن تضمین برای هزینه‌های دادرسی، موارد زیر را مدنظر قرار می‌دهد:

الف) احتمال اینکه دادگاه در خصوص هزینه‌های دادرسی به نفع متقاضی اتخاذ تصمیم کند،

ب) منابع مالی طرفین و امکان دریافت هزینه‌های دادرسی از طرف دیگر دعوا،

پ) تناسب تضمین با حق دسترسی طرفین به دادگستری و حق برخورداری طرفین از دادرسی منصفانه.

ماده ۲۴۴. مساعدت قضایی

(۱) در صورتی که حق دسترسی طرفین به دادگستری و حق برخورداری طرفین از دادرسی منصفانه ایجاب کند، طرفین حق دارند مطابق مقررات حقوق ملی از مساعدت قضایی برخوردار شوند.

(۲) هرگاه مقررات قانونی، پیچیدگی دعوا یا ناتوانی یکی از طرفین ایجاب نماید، مساعدت قضایی باید امکان برخورداری طرفین از وکیل دادگستری را تضمین کند.

ماده ۲۴۵. تأمین مالی دعوا توسط ثالث و پرداخت دستمزد در صورت تحقق یافتن نتیجه

(۱) به محض اقامه دعوا، هر یک از طرفین که دعوای او توسط شخص ثالث سرمایه گذار حرفه‌ای یا از طریق شیوه مالی مشارکتی تأمین مالی می‌شود، دادگاه و طرف دعوا را از این امر مطلع و مشخصات ثالث تأمین کننده مالی را به آنها اعلام می‌نماید. جزییات توافق مالی مشمول این الزام نمی‌شود.

(۲) توافق مالی باید با قانون حاکم بر آن منطبق بوده و نباید متضمن هزینه‌های نامتناسب نسبت به ثالث تأمین کننده مالی باشد. همچنین، توافق نباید متضمن تأثیرگذاری ناموجه ثالث بر جریان دادرسی باشد.

(۳) طرفین می‌توانند در توافقات منعقد شده با وکیل یا ثالث تأمین کننده مالی، پرداخت دستمزد یا هزینه‌ها را به تحقق نتیجه منوط نمایند. این توافقات باید با حقوق حاکم بر آن، دسترسی طرفین به وکیل با هدف برخورداری از دادرسی منصفانه و نیز قانونی بودن دادرسی مطابقت داشته باشد.

(۴) هرگاه دعوای یکی از طرفین توسط ثالث تأمین مالی شود یا قرارداد پرداخت دستمزد وکیل به تحقق نتیجه منوط شده باشد، طرف مقابل نمی‌تواند برای رد دعوای او به نقض بندهای (۱) و (۲) و (۳) این ماده استناد کند. اما دادگاه می‌تواند پس از صدور رای در ماهیت دعوا، اطلاعات مرتبط با توافقات مالی منعقد شده با ثالث یا وکیل را مطالبه کند و هنگام اتخاذ تصمیم درباره هزینه‌های دادرسی، عدم رعایت مقررات حقوق حاکم یا غیرمنصفانه بودن این توافقات را در تعیین سهم متقاضی از هزینه‌ها مدنظر قرار دهد.

(۵) در صورت رعایت مقررات ماده ۲۳۷، ماده ۲۴۵ نسبت به دعوای گروهی جبران خسارت مجرا نخواهد بود.